

Ramadan



رمضان المبارك

مهتم وديين : الحاج سليم عابد « پيمان »



۱۳۹۵



تتبع ونگارش :

الحاج امين الدين « سعيدى - سعيد افغانى »
مدير مركز مطالعات ستراتيجيك افغان
و مسؤول مركز فرهنگى د حق لاره - جرمنى

www.masjed.se

رمضان المبارک

رمضان المبارک

بسم الله الرحمن الرحيم

«یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون .» (سوره البقره : آیه 183) چهارده قرن قبل پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وسلم اعلام داشت: « صوموا تصحوا... » (روزه بگیرید تا صحتمند شوید). پیغمبر اسلام با زیبای خاصی می فرماید: « معده محل هر درد است : از پر خوری و خوردن غذای مناسب جلوگیری کنید. این عمل شما شفاء بخش همه دردها و امراض بشمار میرود.»

طبق روایات تاریخی روزه نه تنها در بشریت مروج و معمول است ، بلکه علمای حیوان شناسی بر این عقیده اند که : حتی حیوانات هم از روی غریزه خدادادگی برخی از اوقات روزه میگیرند . از جمله حیوانات درنده از قبیل شیر و پلنگ و ببر ، علما میگویند که این حیوانات در هفته یک روز از خوردن هر گونه غذا خودداری مینمایند.

روزه وصحت :

طب بشری امروز بعد از چهارده قرن متوجه شد که روزه بسیاری از امراض را تداوی و معالجه مینماید ، بدین اساس در بسیاری از کشورها آغاز به تاسیس کلینک های روزه داری نموده اند.

روزه نه تنها بر روح و روان و اخلاق انسان تاثیر میگذارد بلکه موجب زیبای جسمی انسان هم میگردد.

طب قدیم هم در زیاتر از اوقات مریضان خویش را به امساک از پر خوری منع نموده و به این امر معتقد بود که تقلیل در پر خوری مانع دفع بسیاری از امراض در وجود انسان میگردد. طب جدید هم بر این امر معتقد است که امساک و روزه در جلوگیری بسیاری از امراض موثر است صرف نام آنرا (رژیم غذایی گذاشتند) که ما مسلمانان آنرا به روزه مسمی نموده ایم. دوکتوران روزه را یکی از بهترین عوامل صحتمندی بشری شمرده اند .

1- پرفیسور د وکتور پوشر دانشمند فرانسوی می گوید : (روزه بهترین وسیله

برای صحت و سلامتی وجود انسان بشمار میرود) روزه برای صحت انسان است ، روزه برای استراحت معده ، روده و منظم کردن ترشحات معدوی و در نهایت برای منظم ساختن هاضمه مفید مؤثر میباشد. روزه معالجه و تداوی است که از آن فقیر و سر مایدار بطور مساویانه میتواند استفاده بعمل آرد.

2- داکتر الکسیس کارل میگوید : (با روزه گرفتن قند در جگر می ریزد و چربیهای

که در زیر پوست ذخیره شده اند ، پروتئین های عضلات و غدد ، و سلولهای کیسه صفرا ، آزاد شده به مصرف تغذیه میرسند .)

3- داکتر ژان فروموزان : (معالجه با روزه را به شتتسوی احشاء تعبیر نموده و میگوید : در آغاز روزه ، زبان انسان کمی سنگین و بودار است ... که بعد از سه ، چهار روز بوی زبان بر طرف میگردد . اسید اوریک ادرار کاهش می یابد ، و در نتیجه برای انسان روزه دار احساس سبکی و خوشی خارق العاده رخ میدهد و همه وجود انسان بسوی استراحت میرود)

4- داکتر تو مانیاس : میگوید : « فایده بزرگ کم خوری و پرهیز از صرف غذاها ، در یک مدت کوتاه ، آن است که ، چون معده در طول مدت یازده ماه مرتب پر از غذا بوده و در مدت یک ماه روزه داری مواد غذایی شکم خود را دفع میکند و همین طور (کیسه صفرا) که برای حل و هضم غذا مجبور است که مواد صفرای خود را مصرف کند ، در مدت سی روز ترشحات صفراوی را صرف در حل و هضم غذای باقی مانده و جمع شده در معده بمصرف میرسند . جهاز هاضمه بدن در نتیجه کم خوری استراحت نموده ، و به رفع خستگی می پردازد .

روزه یعنی کم خوردن و کم نوشیدن در مدت معینی از سال است و این بهترین راه برای سلامتی وجود انسان بشمار میرود . هم طب قدیم و هم طب جدید بر اهمیت این امر صحه گذاشته است .

روزه برای تداوی امراض جهاز هاضمه ، کلیه ، کبد (کیسه صفرا) که بسیاری از امراض این بخش را حتی با دواها نمیتوان معالجه کرد ، میتوان آنرا به روزه تداوی و معالجه نمود .

روزه بهترین معالجه و تداوی برای امراض سوء هاضمه بوده ، مرض مخصوص کبد (کیسه صفرا) که موجب « یرقان » (زردی) میگردد بهترین معالجه آن همین روزه است بخاطر اینکه این مرض زیادتیر از اوقات به واسطه فعالیت بیش از حد کبد بوجود می آید و موجب خستگی کبد گردیده که به اثر آن کیسه صفرا از فعالیت می افتد و نمی تواند صفراء را از خون بگیرد . «

5- داکتر گوئل پا میگوید : تعدادی زیادی از امراض روده که به اثر تخمیر غذا در روده ها بوجود می آید نه به اثر دوا بلکه به اثر روزه بر طرف میگردد .

6 - داکتر الکسی سوفورین میگوید : جسم در هنگام روزه به جای غذا از مواد داخلی استفاده کرده و آنرا به مصرف میرساند . که در نتیجه آن مواد فاضله و عفونی که در جسم تجمع میکند و بحیث ریشه و خمیره بیماری مبدل میگردد ، با گرفتن روزه از بین رفته ، و روزه عامل ریشه کن شدن تعدادی زیادی از امراض بشمار میرود . دکتر الکسی سوفورین میگوید : باید انسان جسم خود را با روزه از داخل پاک و نظیف کرد . «

7- داکتر کارلو معتقد است : هر انسان باید در ظرف یک سال مدتی از خوردن غذا زیاد جلوگیری کند . زیرا تداوم روزمره غذا موجب تکثر و تولد و در نهایت موجب رشد میکروب ها در وجود انسان میگردد . که با احتیاط و کم خوری میکروب ها در

رمضان المبارک

وجود انسان رو به ضعف و تقلیل میروند. و بهترین معالجه در دفع میکروب ها در وجود انسان همان روزه است که دین اسلام برای سلامتی وجود انسان واجب گردانیده است.»

8 - داکتر رو : میگوید : حتی بسیاری از امراض سفلیس را تنها میتوان با روزه و مساک تداوی کرد. «

9 - « بندیک » عالم فیزیولوژیست میگوید : «یک دوره روزه سی و یک روز است... در این مدت در ترکیب خون هیچ نوع اختلاطی به هم نرسیده و آن نوری که در برخی از روزه داران ملاحظه میشود، و آن حالت جوانی و نشاط که برای روزه داران رخ میدهد عامل همه آن روزه است.»

10 - « اوتو بو خنجر » یکتن از محققان مشهور جهان در عرصه طب میگوید :

« اکثر امراض حاد و مزمن را میتوان با وسیله روزه بهبود بخشید و یا حد اقل از شدت آن کاست. « وی میگوید : در هنگام روزه جسم انسان همه مواد فاضله را جمع اوری نموده و به احراق آن می پردازد، نیروهای نو ساز بدن به هنگام روزه فعال می گردند و به تصفیه و ترمیم بافت های بدن می پردازد. مدت پنجاه سال که از تاسیس « کلینک اوتو بو خنجر » سپری میشود بیشتر از پنجاه هزار انسان در این مرکز صحتی تنها با روزه تداوی و معالجه گردیده اند. :

11 - داکتر « عبدالعزیز اسماعیل پاشا » دانشمند مشهور مصری :

در حالاتی ذیل برای معالجه از روزه استفاده نموده است :

الف: در مورد اضطرابات مزمن امعاء هنگامی که مقرون با تخمیر مواد زلالیه و مواد نشائسته بی باشد. در این موقع روزه، مخصوصاً از جهت نیا شامیدن آب میان دو خوراک و ایجاد فاصله طولانی نوبت های غذا، علاج قطعی است و این خصوصیت در مورد ماه مبارک رمضان صدق کامل دارد.

ب : هنگام زیاد شدن وزن که به اثر پر خوری و تقلیل حرکت بوجود می آید، روزه با رعایت اعتدال در غذا، افطار و اکتفاء به آب هنگام سحر نسبت به هر معالجه مفید تر و موثر تر است.

ج : جلوگیری از مرض شکر.

د : جلوگیری از فشار خون.

ه : جلوگیری از التهاب حاد و مزمن کلیه ها که مقرون با ترشح و تورم باشد.

و : جلوگیری از امراض قلب که توام با تورم باشد.

ز : جلوگیری از التهاب ها مزمن مفاصل، بخصوص که توام با امراض چاقی باشد که اغلباً در بین زنان در سنین چهل سالگی بوجود می آید. تجارب نشان داده است که با گرفتن روزه در جات این مرض نسبت به سایر معالجه های برقی، خونی و استعمال دوا ها، و استعمال تخنیک های پیشرفته طب جدید، در وجود انسان تقلیل و تخفیف می یابد.

رمضان المبارک

12- داکتر کارلو: میگوید: چون تعداد امراض بیشتر گردیده است مجبور هستم همه انسان ها (اعم از فقیر و غنی) را از تداوی و معالجه که آنرا پیامبر اسلام در جزیره العرب تشریح نموده و بنام روزه آنرا مسمی ساخته است ، باخبر سازم .

معالجه امراض چشم :

13- داکتر آندر پاسک معتقد است: در صورتیکه انسان ، پرابلم ها و ناراحتیهای وخیم در چشم (از جمله ورم ها ، ورم شبکیه ، ورم بافت ملتحمه ، آب مروارید و آب سبز در چشم) مبتلا باشد . حتماً باید روزه گیرد .

14 - داکتر « آلن مویل » میگوید: روزه دارای چهار فایده اساسی است :

- 1- مانع تجمع مواد سمی در بدن انسان میگردد .
- 2- روزه باعث میگردد که جهاز هاضمه بدن استراحت نسبی یابد .
- 3 - به وسیله روزه بدن انرژی خود را صرف دفع سموم در بدن مینماید .
- 4- نیروی حیاتی در بدن انسان تحریک یافته و موجب تقلیل مواد فاضله در بدن میگردد .

فواید طبی روزه :

- اگر نظریات اطباء را در مورد فوایدی روزه بصورت کل جمعبندی نمایم ، فواید روزه را از ناحیه طبی بطور ذیل میتوان چنین خلاصه و فورمولبندی نمود :
- 1 - جلوگیری از اختلال و مزمن شدن روده ها و بخصوص در هنگامی که فرمانتاسیون و تخمیرات معده وروده ، مریض را دچار درد های شدید می سازد .
 - 2- جلوگیری از چاقی که معمولاً ناشی از پر خوری میشود .
 - 3- جلوگیری از فشار خون .
 - 4 - جلوگیری از امراض شکر و قند .
 - 5 - تداوی و معالجه امراض چشم (از جمله ورم ها ، ورم شبکیه ، ورم بافت ملتحمه ، آب مروارید و آب سبز در چشم)
 - 6- جلوگیری از امراض قلب که توام با تورم باشد .
 - 7- جلوگیری از التهاب های مزمن مفاصل ، بخصوص که توام با امراض چاقی باشد .
 - 8- تداوی اکثر امراض حاد و مزمن .
 - 9 - تداوی امراض جهاز هاضمه ، کلیه ، کبد (کیسه صفرا)
 - 10 - معالجه و تداوی امراض سوء هاضمه ، مرض مخصوص کبد (کیسه صفرا) که موجب « یرقان » (زردی) میگردد .
 - 12- پاکی نفس و تقلیل جرایم .
- بر اساس تحقیقات بعمل آمده علما بدین باور ان که : امار جرایم ، قتل و قتال و نزاع ها در ماه مبارک رمضان در کشور های اسلامی به قوس نزولی خود میرسد .

رمضان المبارک

فضیلت ماه مبارک رمضان:

در مورد فضیلت ماه مبارک رمضان در حدیثی از ابوهریره (رض) روایت است که: پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «کل عمل ابن آدم له إلا لصیام، فإنه لی، وأنا أجزی به، والصیام جنة، فإذا کان یوم صوم أحدکم فلا یرفت، ولا یصخب، ولا یجهل، فإن شاتمہ أحد، أو قاتله، فلیقل: إني صائم، مرتین، والذي نفس محمد بیده لخلوف فم الصائم، أطیب عند الله یوم القیامة من ریح المسک، وللصائم فرحتان یفرحهما: إذا أفطر فرح بفطره، وإذا لقي ربه فرح بصومه»

(هر عمل و رفتاری که انسان انجام می دهد، برای خودش می باشد، مگر روزه، که آن برای من می باشد و من خود بدان پاداش می دهم. روزه از معاصی و گناهان جلوگیری

می کند. پس هرگاه یکی از شما روزه باشد، از بدگویی و سخن ناشایست و از فریاد کشیدن و رفتار سفیهانه، اجتناب ورزد. اگر کسی به وی فحش و ناسزاگفت یا با وی به نزاع برخاست، به وی پاسخ ندهد. بلکه دوبار بگوید: من روزه هستم. سوگند بدانکس

که جان محمد در دست او است، بوی بد دهان روزه دار، که در اثر روزه پدید می آید، در روز رستاخیز به نزد خداوند، خوشبوتر از رایحه مشک است. روزه دار،

دو شادی دارد که دیگران ندارند: یکی بهنگام افطار، که بسیار شادمان است و دیگری وقتی که خدای خویش را ملاقات می کند از نتیجه روزه اش شادمان است) (به روایت احمد و مسلم و نسائی)

- در روایت بخاری و ابوداود حدیث فوق بدینگونه آمده است: «الصیام جنة، فإذا کان أحدکم صائماً، فلا یرفت، ولا یجهل، فإن امرؤ قاتله، أو شاتمہ فلیقل، إني صائم، مرتین، والذي نفس محمد بیده، لخلوف فم الصائم أطیب عند الله من ریح المسک، یتراک طعامه وشرابه وشهوته من أجلي.

الصیام لی، وأنا أجزی به، والحسنة بعشرة أمثالها (... او خوردنی و نوشیدنی و آرزوی نفسانی خویش را بنا بدستور من ترک کرده است روزه برای من است و من خود بدان پاداش می دهم و پاداش هر نیکی را ده برابر می دهم).

- همچنان در حدیثی از عبدالله بن عمرو روایت است که: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: «الصیام والقرآن یشفعان للعبد یوم القیامة، یقول الصیام أي رب منعتہ الطعام والشهوات، بالنهار، فشفعني به. و یقول القرآن: منعتہ النوم باللیل، فشفعني فيه فیشفعان»

(روزه و قرآن کریم برای بنده فرمانبردار خداوند، در روز رستاخیز شفاعت می کنند: روزه می گوید: ای پروردگارا من در روز او را از خوردنی و آرزوهای نف

رمضان المبارک

سانی باز داشته‌ام بنابراین شفاعت مرا درباره او بپذیر و قرآن کریم می‌گوید: من در شب او را از خواب باز داشته‌ام و او شب قرآن می‌خواند، بنابراین شفاعت مرا درباره او بپذیر و خداوند شفاعت آنها را می‌پذیرد (امام احمد با سندی صحیح آن را روایت کرده است.)

- در حدیثی از ابو امامه روایت است که گفت: من به خدمت پیامبر صلی الله علیه و سلم رفتم و گفتم: مرا به کاری راهنمایی کن که مرا به بهشت برساند. او فرمود: «علیک بالصیام» (بر تو باد، که روزه بگیری، چه هیچ عملی بپای آن نمی‌رسد، سپس باری دیگر به حضور او رفتم که فرمود: بر تو باد که روزه بگیری.)

(بروایت احمد و نسائی و حاکم که او آن را صحیح دانسته است.)
- همچنان از ابوسعید خدری روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است :
«لا یصوم عبد یوما فی سبیل الله الا باعد الله بذلك الیوم النار عن وجهه، سبعین خریفاً»
(هرکس یک روز

را در راه خداوند روزه بگیرد، خداوند به پاداش آن روز، هفتاد سال عذاب دوزخ را از او دور می‌سازد.)

(همه محدثین بجز ابوداود آن را نقل کرده‌اند.)

- در حدیثی که از ابو هریره رضی الله عنه روایت است ، پیامبر صلی الله علیه و سلم در مورد فضیلت ماه مبارک رمضان می‌فرماید : « من صام رمضان ایماناً واحتساباً غفر له ما تقدم من ذنبه » (کسی که از روی ایمان و امید کسب اجر و پاداش ، ماه رمضان را روزه بگیرد گناهان (صغیره) گذشته او بخشوده می‌شود) .

همچنان ماه مبارک رمضان دارای فضایلی است که به برخی آن اشاره می‌شود :
اول : خود ماه مبارک رمضان :

ماه رمضان ماهی است ، که روزه گرفتن در این ماه بر مسلمانان فرض گردیده است.
دوم : موجودیت لیلۃ القدر در این ماه که برکت و خیر این شب ، بهتر و بیشتر از هزار ماه است .

سوم : نزول صحف و کتب آسمانی :

مطابق به روایات دینی ، صحف ابراهیم در اوایل ماه مبارک رمضان تورات ، در ششم ماه رمضان انجیل در سیزدهم ماه رمضان زبور داود علیه السلام در هژدهم ماه رمضان و قرآن عظیم الشان در 23 ماه رمضان بطور مجموعی به بیت المعمور و بعداً در بیست و سه سال بر پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه و السلام نازل یافته است .
چهارم : مطابق به روایات دینی و شواهد تاریخی : اولین فیصله میان حق و باطل (غزوه بدر) هم در ماه مبارک رمضان صورت گرفته است . و قرآن عظیم الشان این غزوه را

رمضان المبارک

بنام «یوم الفرقان» مسمی نموده است. همچنان مطابق به برخی از روایات تاریخی : میگویند که فتح مکه هم در ماه مبارک رمضان صورت پذیرفته است.

حفظ وصیانت ماه رمضان :

در ماه مبارک رمضان دو نوع حفظ و وصیانت در برابر انسان بوجود می آید :

- 1- حفظ انسان از وسوسه های شیطان
- 2- حفظ انسان از گرفتاری های عذاب الهی

خوشحالی های ماه مبارک رمضان :

روزه دار در ماه رمضان دارایی دو خوشحالی در یک روز میباشد :

- 1- وقتیکه روزه دار روزه خویش را افطار میکند.
 - 2- دومین خوشحالی ملاقات با ذات پروردگار در روزه قیامت است.
- در حدیث شریف آمده است : « کسیکه با ایمان و احتساب (نیت کسب ثواب) روزه گیرد ، تمام گناهان را که قبلاً مرتکب گردیده باشد ، بخشیده میشود » (روای حدیث بخاری و مسلم)

کلمه رمضان :

رمضان ماهی است که بشوید ، هم بسوزد . بشوید به آب توبه دل های مجرمان را ، بسوزد به آتشی گرسنگی تن ها بندگان را ، رمضان در لغت از (رمضا) به معنای شدت حرارت و یا به معنای سنگ گرم و داغی گرفته شده است و این بدین معنای که اگر این سنگ داغ را به هر چه بگذارند آنرا بسوزند . و یا هم رمضان از « رمض » گرفته شده است که به معنای باران است که بر هر چه برسد ، آن را بشوید .

واقعاً این کلمه از دقت و لطافت خاصی برخوردار است ، چون در این ماه گناهان انسان بخشیده می شود ، بناً بر مسلمانان است تا به ضمیمه ماه رمضان همیشه کلمه مبارک را اضافه نماید ، و همیشه آنرا بنام « ماه مبارک رمضان » یاد نمایند. پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید : «إنما سمی الرضمان لانه یرمض الذونوب ؛ ماه رمضان به این نام مسمی شده بخاطر آنکه گناهان را می سوزاند. پیغمبر صلی الله علیه وسلم در جای دیگری میفرماید : «ارمض الله فیه ذنوب المؤمنین و غفور الله لهم» « ماه رمضان ماه است که آن گناهان مؤمنان پاک و شسته میشود و خداوند (ج) ایشان را می بخشد. ماه رمضان از جمله یکی از ماه های است که نامش در قرآن ذکر یافته است. این ماه در روایات و فر هنگ اسلامی بخشی از بر نامه ریزی الهی برای تر بیت بشری تلقی می شود ، که از بر کت آن هر سال تحولی فکری ، و فر هنگی در جامعه اسلامی پدید می آید. همچنان در روایات اسلامی ، ماه مبارک رمضان ، ماه خدا و میهمانی امت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم خوانده شده است و خداوند متعال در این ماه در نهایت کرامت و مهر بانی پذیرایی می کند ؛ پیامبر اسلام می فرماید : « ماه رجب ماه خدا ، ماه شعبان ماه من

رمضان المبارک

وماه رمضان ماه امت من است ، هر کس که در این ماه روزه بگیرد بر خداست که گناهان
شان را ببخشد »

معنای لغوی روزه :

روزه یا « صوم » « یا صیام » به معنای باز داشتن و خود داری کردن از چیزی را گویند .
و در اصطلاح شریعت منظور از صوم آنست که شخص از صبح صادق طلوع فجر
دوم تا غروب افتاب خود را از مفطرات یعنی آنچه مورد اشتهاى شکم و فرج است به نیت
مخصوص نگاه کند .

حکمت و فلسفه فرضیت روزه :

حکمت و فلسفه فرضیت روزه بالای مسلمانان برای تقویت روح مسلمانان برای مقاومت با
تمایلات و هوس های جسم است . زیرا روزه قدرت هوس های بدن را تقلیل میدهد و انسان را
از بسیاری تمایلات نفسانی که لایق مقام انسان نیست باز میدارد . و بدین ترتیب روزه
روح انسان را تقویت میکند .

حکم فرضیت روزه :

بر اساس حکم الهی: « یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من
قبلکم » ای کسانی که ایمان آورده اید روزه بر شما فرض گردانیده شده ، چنانکه فرض کرده
شده بر کسانی که پیش شما بودند. « (سوره بقره : آیه متبرکه - 183)

دلایل وجوب رمضان در حدیث:

در حدیثی پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد وجوب رمضان آمده است : « بني الاسلام علی
خمس: شهادة أن لا إله إلا الله، وأن محمدا رسول الله، وإقام الصلاة، وإيتاء الزكاة، وصيام
رمضان وحج البيت » « (صحیح مسلم : ۱/۴۵-۲۰-۱۶) ، (صحیح امام بخاری : ۱/۴۹/۸)

اسلام بر پنج چیز بنیاد نهاده شده است: گواهی بوحدانیت الله، و گواهی برسالت محمد
بن عبدالله صلی الله علیه و

سلم و برپای داشتن فریضه نماز و پرداخت زکات و گرفتن روزه ماه رمضان و
رگزاری فریضه حج بیت الله الحرام .

و در حدیث طلحه بن عبیدالله آمده است: که مردی از پیامبر صلی الله علیه و

سلم سؤال کرد: ای

رسول الله خداوند، چقدر روزه بر من فرض کرده است؟ فرمود: روزه ماه رمضان.

آن مرد گفت: آیا غیر از آن بر من فرض شده است؟ پیامبر صلی الله علیه و

سلم فرمود: خیر. مگر اینکه داوطلبانه روزه سنت بگیری.

رمضان المبارک

و دلیل دیگر وجوب روزه ماه رمضان اجماع امت اسلامی است، براینکه روزه ماه رمضان واجب و یکی از ارکان و پایه‌های اساسی دین اسلام است و هرکس منکر وجوب آن گردد کافر و مرتد می‌باشد.

همچنان اجماع امت بر اینست که روزه ماه رمضان فرض و یکی از ارکان و پایه‌های اساسی و یکی از ضروریات دین مقدس اسلام است و کسی که فرضیت آن را انکار کند کافر و مرتد است. (فقه السنه : ۱/۳۶۶)

حکم و حکمت فرضیت روزه :

روزه از قدیم الزمان بین انسانها مروج بوده، اگر ادبیات و قصص مصریان قدیم، چینی‌ها، یونانی‌ها را مورد مطالعه قرار دهیم در خواهیم یافت که روزه با تفاوت‌های روزه فعلی مسلمانان وجود داشته در آن زمان روزه‌های يك روزه يك هفته ای و یا روزه که روزه داران از خوردن برخی از خوراک باب‌ها ممنوع بودند از جمله خوردن گوشت و یا غیره ما کولات، طوریکه مظاهر این روزه را میتوان امروز هم در کشور های اروپایی و برخی از کشور های آسیایی و پیروان سایر مذاهب از جمله در مذهب کاتولیک‌ها و پروتستانت‌ها مشاهده کرد.

روزه و حکم قطعی روزه برای مسلمانان بروز دوم ماه شعبان سال دوم هجرت توسط این آیه مبارکه برای مسلمانان ابلاغ گردید. « شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن هدی للناس و بینت من الهدی و الفرقان » (ماه رمضان ماه است که در آن قرآن نازل شده که رهنمایی مردم است و دلایل هدایت و تمیز بین حق و باطل می‌باشد).
پروردگار با عظمت ما امر فرمود: « فمن شهد منکم الشهر فلیصمه » ، (هر که از شما آنرا بیابد روزه این ماه را بگیرد).

قرآن مجید شهادت میدهد که روزه در تمام آدیان آسمانی فرض بوده و در نظام عبادت هر امتی حیثیت بخش لازمی را داشته است « كما کتب علی الذین من قبلکم » (بقره ۱۸۳)
(طوریکه فرض گردانیده شده بود بر کسانی که پیش از شما بودند).
پیامبر اسلام میفرماید: « اگر شخصی بدون عذر شرعی و مرض، يك روزه را ترك کند اگر تمام عمر روزه بگیرد باز هم تلافی آن را نمیتوان کرد. » (روای حدیث احمد، ترمذی، ابوداود).

زمانیکه حضرت محمد صلی الله علیه وسلم به مدینه منوره هجرت کرد، ملاحظه کرد که در آن دیار برخی از مردمان در روز عاشورا روزه می‌گرفتند، مسلمانان با آنحضرت (ص) مراجعه نموده و در مورد خواستار هدایت گردیدند، آنحضرت صلی الله علیه وسلم خود روزه گرفت و به پیروان خویش امر کرد تا روزه بگیرند.

در صحیح بخاری از ابن عمر (رض) نقل شده است: « صام النبی (ص) عاشوراء و امر بصیامه فلما فرض رمضان ترك » و نیز در صحیح بخاری از عایشه (رض) نقل شده است که: « رسول خدا به روزه روز عاشورا امر کرد تا هنگامی که روزه ماه

رمضان المبارک

رمضان واجب شد. آنگاه فرمود: « هر کس می خواهد روز عاشورا را روزه بگیرد و هر کسی می خواهد افطار کند. » شخص حضرت محمدصلی هاله علیه وسلم قبل از فرضیت ماه مبارک رمضان، روزه میگرفت. و به این عبادت آشنایی داشت. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند: « اذا دخل رمضان فتحت ابواب السماء وفي روايه فتحت ابواب الجنة وغلقت ابواب جهنم وسلسلت الشياطين وفي رواية فتحت ابواب الرحمة » (چون ماه مبارک رمضان داخل شود، در های آسمان گشاده شود. در روایت دیگری آمده است که در های بهشت گشوده می شود و در های دوزخ بسته و شیاطین در زنجیر کرده می شوند و در روایتی آمده است که در های رحمت باز می شود.)

هدف روزه :

هدف واقعی روزه متقی شدن انسان است. پروردگار با عظمت ما میفرید: « لعلکم تتقون » تقوی گوهر اخلاق است، که از محبت الهی، از ایمان به الله (ج) درک صفات رحمت، کرم، فضل و خوف خداوند (ج) بوجود می آید.

روزه حقیقی :

روزه حقیقی روزه ای است که انسان با تمام احساس و شعور کامل به ادا ی آن اقدام نماید. و از تمام مکروهاتی که روزه را بی روح و بی مفهوم می سازد از آن جلوگیری بعمل آرد.

پیامبر اسلام میفرماید: « وقتی که انسان روزه می گیرد لازم است که گوش ها، چشم ها، زبان، دست ها و تمام اعضای بدن خود را از کار های ناپسندیده باز دارد. »

وقت فرضیت ماه مبارک رمضان :

خداوند پاک در سوره بقره (آیات ۱۸۳ - ۱۸۵) میفرماید: « يا ايها الذين امنوا كتب عليكم الصيام كما كتب على الذين من قبلكم لعلم تتقون ، اياماً معدودت فمن كان منكم مريضاً او على سفر فعدة من ايام اخر ا ... يريد الله بكم اليسر ولا يريد بكم العسر .. » (ای مؤمنان! روزه بر شما فرض گردیده چنانچه بر کسانی که پیش از شما بودند فرض گردیده بود تا برهیز کار شوید و خلعت تقوی را در بر کنید، روزه در روزهای شمرده شده و اندک بر شما فرض گردانیده شده، پس هر کدام از شما که مریض و یا در سفر باشد برایش رواست که روزه را بخورد و قضای آنرا در روز های دیگر بیاورد و بر کسانی که به مشقت زیاد از عهده آن می بر آیند فدیة است به اندازه خوراك يك روزه يك مسكين، و هر که به خوشی و رضای خود در فدیة افزودی به عمل آرد و بیش از يك نفر مسكين را سیر سازد برایش بهتر است روزه، گرفتن تان برای شما بهتر است اگر میدانید .

ماه رمضان ما هیست که در آن قرآن نازل شده که برای مردم وسیله هدایت و دلایل روشن از رهنمایی و وسیله امتیاز حق از باطل است. پس هر که حاضر آن ماه باشد

رمضان المبارک

و آنرا در یابد آنرا بگیرد و هر که مریض و یا در سفر باشد برایش رواست که آنرا نگیرد و قضائی آنرا در روزهای دیگری بیاورد و شماره روزهای فوت شده را تکمیل کند. خداوند خواهان آسانی و سهولت بر شماست و اراده عسرت و دشواری بر شما را ندارد، و بر اینکه شما، شمار آنرا تکمیل کنید و برای اینکه خدای خود را به بزرگی یاد کنید شما را رهنمونی کرده و باشد که شما با سپاس و شکر گزار و منت بار خدای خود باشید.)

روزه وقت فرض میگردد زمانیکه تاکید به رویت هلال ماه مبارک رمضان صورت پذیرد. بدین اساس دین اسلام بر مسلمانان واجب گردانیده است تا به تاریخ (۲۹ شعبان) برای دیدن هلال ماه رمضان اهتمام بخرچ دهد.

۱- رویت ماه مبارک رمضان باید توسط دو نفر مسلمان (خواه مرد باشد یا زن) عاقل ، بالغ و عادل تصدیق گردد.

۲ - اگر رویت ماه مبارک توسط عده زیادی از مردم تصدیق گردد ، در این صورت شرط عادل بودن از بین میرود.

۳ - در صورتیکه آسمان ابر آلود باشد بناً با تکمیل ۳۰ روز از ماه شعبان فرضیت روزه حتمی میگردد. زمانیکه رویت ماه مبارک رمضان بعمل آمد بر مسلمانان لازم است تا خود روزه گیرند و خبر آنرا بین همه مسلمانان بخش نمایند. اگر رویت ماه مبارک رمضان در یکی از کشورها صورت گیرد بر سایر مسلمانان است که به مجرد وصول خبر ، روزه بگیرند .

پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم فرموده است : « صوموا لرؤیته و أفطروا لرؤیته ، فإن غمی علیکم الشهر فعدوا ثلاثین » « هلال را دیده روزه بگیرید و هلال را دیده روزه را پایان دهید و اگر در (۲۹) شعبان هلال دیده نشد پس حساب شعبان را (۳۰) پوره نمائید » (بخاری : ۱۹۰۹/۱۱۹/۴)

ثبوت ماه مبارک رمضان :

ثبوت ماه مبارک رمضان به دو صورت ثابت می گردد.

۱- طوریکه در فوق متذکر شدیم تعداد روزهای ماه شعبان ، 30 روز کامل شود، لذا فردای آن یقیناً اول رمضان می باشد .

۲- در صورتی که هوا ابری و یا غبار آلود باشد، شهادت یک مرد عادل، یا یک زن عادل که هلال ماه رمضان را دیده باشند و شهادت بدهند کافی است و برای ثبوت عید فطر در صورتی که هوا آبری و یا غبار آلود باشد، لازم است دو مرد عادل و یا یک مرد و دو زن عادل که هلال عید را دیده باشند، شهادت بدهند، اما اگر هوا صاف باشد ضروری است که جمع کثیری ماه را دیده باشند.

دعای دیدن ماه :

رمضان المبارک

پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی ماه نو را مشاهده میگردند ، چنین دعا میخواندند . «اللهم أهله علينا بالامن والايمان والسلامة والاسلام ، ربی وربك الله هلال رشد وخیر » خدایا ! طلوع مهتاب را بر ما همراه آرامش وایمان ، سلامتی و اسلام بگردان . ای مهتاب ! خدای من و خدای تو الله واحد است . آرزو منم این ماهتاب هدایت و خیر باشد .

اقسام روزه :

فرض :

روزه فرض در تمام سال فقط روزه گرفتن ماه مبارک رمضان بر مسلمانان فرض است .

واجب :

روزه یی است که نذر شده باشد و روزه کفاره واجب است . اگر شخصی روزه و روز معینی را نذر کرده باشد ، روزه گرفتن همان روز ضرور میباشد . اما اگر روزه را معین نکرده بود هر وقت که بخواهد میتواند روزه بگیرد . اما تاخیر آن بدون دلیل لازم نیست .

سنت :

روزه هایی است که پیامبر اسلام گرفته باشد و مسلمانان را به گرفتن آن ترغیب نموده باشد .

از جمله :

- روزه ، روز نهم و دهم محرم بطور مسلسل . - روزه ، یوم عرفه یعنی نهم ذو الحجة الحرام - روزه ، ایام بیض : یعنی روزه گرفتن در روزهای (۱۳ ، ۱۴ ، و ۱۵) هر ماه .

نفل :

روزه نفلی ، روزه غیر از روزه های فرض ، واجب و مسنون ، را روزه نفلی میگویند که روزه گرفتن در آن مستحب است از جمله : (شش روز روزه در ماه شوال المکرم ، روزه گرفتن روز های دوشنبه و پنجشنبه ، روزه گرفتن هشت روز در دهه اول ذو الحجة)

۱ - شش روز شوال :

از ابو ایوب انصاری (رض) روایت است که : پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : «من صام رمضان ثم أتبعه ستا من شوال كان كصيام الدهر » « کسی که ماه رمضان و بدنبال آن شش روز از ماه شوال را روزه بگیرد مانند اینست که يك سال کامل را روزه گرفته باشد » (صحیح سنن ابو داود : ۲۱۲۵) ، (صحیح مسلم : ۱۱۶۴/۸۲۲/۲) ، (سنن الترمذی : ۷۵۶/۱۲۹/۲) ، (سنن ابن ماجه : ۱۷۱۶/۵۴۷/۱)
۳ و ۲ - روز عرفه برای غیر حاجی و روز عاشورا و روز قبل از آن .

فضیلت روزه روز عرفه :

از ابو قتاده روایت است : « سئل رسول الله (ص) عن صوم يوم عرف ؟ فقال : يكفر السنة الماضية والباقية ، وسئل عن صوم يوم عاشوراء ، فقال يكفر السنة الماضية » (از پیامبر صلی الله علیه وسلم در باره روزه روز عرفه سؤال شد فرمود : گناهان سال گذشته و سال جاری را از بین می برد و در باره روزه روز عاشورا از او سؤال شد فرمود : گناهان سال گذشته را از بین می برد .) (صحیح مسلم : ۱۱۶۲/۸۱۸/۲)

از ام الفضل بنت حارث روایت است : « أن نسا تماروا عندها يوم عرفة في صيام رسول الله (ص) فقال بعضهم : هو صائم ، وقال بعضهم : ليس بصائم ، فأسلئت إليه بقدر لبن وهو واقف على بعيره بعرفة فشربه » « مردم در روز عارفه در باره روزه بودن پیامبر صلی الله علیه وسلم نزد من بحث و جدال کردند . بعضی از آنها گفتند : او روزه است و بعضی دیگر گفتند روزه نیست . من ظرفی از شیر را برایش فرستادم ، ایشان در حالی که روی شترش در عرفه ایستاد بود آن را نوشید . » (صحیح امام بخاری ، فتح الباری : ۱۹۸۸/۲۳۶/۴ ، صحیح مسلم : ۱۱۲۳/۷۹۱/۲ ، سنن ابوداود) ابن المعبود :

(۲۴۲۴/۱۰۶/۷)

از ابو غطفان بن طریف مری روایت است : از ابن عباس (رض) شنیدم که می گفت : « حين صام رسول الله (ص) يوم عاشوراء وأمر بصيامه ، فقال يا رسول الله إنه يوم تعظمه اليهود والنصارى فقال رسول الله (ص) : فإذا كان العام المقبل إن شاء الله صمنا اليوم التاسع . فقال : فلم يأت العام المقبل ، حتى توفي رسول الله (ص) » (وقتی پیامبر صلی الله علیه وسلم روز عاشورا را روزه گرفت و به روزه گرفتن آن دستور داد ، مردم گفتند ای رسول خدا عاشورا روزی است که یهود و نصاری آن را بزرگ می دارند .

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : سال بعد انشاء الله روز نهم را هم روزه می گیریم . ابن عباس گفت : قبل از آنکه روز نهم سال بعد بیاید پیامبر صلی الله علیه وسلم فوت کرد . (صحیح سنن ابوداود : ۲۱۳۶) ، (صحیح مسلم : ۱۱۳۴/۷۹۷/۲) .

4- گرفتن روزه در ماه محرم :

از ابو هریره (رض) روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : « افضل الصيام بعد رمضان شهر الله المحرم ، افضل الصلاة بعد الفريضة صلاة الليل » « بهترین روزه بعد از ماه رمضان روزه ماه محرم و بهترین نماز بعد از نماز های فرض نماز شب است . »

5- اکثر روز های ماه شعبان :

رمضان المبارک

از عایشه (رض) روایت است: « ما رأیت رسول الله (ص) استکمل صیام شهر قط إلا شهر رمضان ، وما رأیته فی شهر أكثر منه صیاماً فی شعبان » (پیامبر صلی الله علیه وسلم را ندیدم که ماهی را کامل روزه بگیرد ، مگر ماه رمضان و او را ندیدم که در هیچ یک از ماه ها به اندازه ماه شعبان روزه بگیرد) صحیح امام مسلم : (۱۹۶۹/۲۱۳/۴) ، (صحیح امام مسلم : ۱۱۵۶ - ۱۷۵/۸۱۰/) ، (سنن ابو داد : ۲۴۱۷/۹۹/۷)

۶- روز های دوشنبه و پنجشنبه :

از اسامه بن زید روایت است: « إن نبی الله (ص) کان یصوم یو الاثنین والخمیس ، وسئل عن ذلك فقال : إن اعمال العباد تعرض یوم الاثنین والخمیس » « پیامبر صلی الله علیه وسلم روز دوشنبه و پنجشنبه را روزه می گرفت . در باره از او سؤال شد ، فرمود : اعمال بندگان در این دو روز (پیش خدا) عرضه میشود » (صحیح سنن ابو داود : ۲۱۲۸) ، پیغمبر اسلام در سفر و حضر در روز های بیض (13 ، 14 ، 15 ، هر ماه) افطار نمیگردد . (نسائی ، ترمذی) قابل تذکر است روزه ثوابی را هر زمانیکه از ادامه آن خسته شدید میتوانید آنرا افطار نماید .

روزه های ممنوعه :

در ایام ذیل گرفتن روزه ممنوع می باشد .

1- گرفتن روزه در ایام شك (یعنی اینکه سایر مسلمین روز دار نباشند ولی به زعم خویش روزه بگیرد .)

یوم شك :

(یوم شك یا روز شك) ، روز ۳۰ ماه شعبان را گویند که در شامگاه روز ۲۹ شعبان ، مهتاب دیده نشود و به طور قطعی هم معلوم نباشد که فردا ۳۰ شعبان است یا اول رمضان . در این روز ، روزه گرفتن مکروه تحریمی است .

(حضرت عمار بن یاسر (رض) از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم روایت نموده اند که : « من صام الیوم الذی شك فیه فقد عصی أبا القاسم » کسی که یوم شك را روزه بگیرد با پیامبر صلی الله علیه وسلم مخالفت کرده است » (سنن الترمذی : ۶۸۱/۹۷/۲) ، (سنن ابو داود : ۲۳۱۷/۴۵۷/۶) ، (روز عیدین عید فطر و عید اضحی ، یازدهم ، دوازدهم ، سیزدهم ذوالحجه .)

2- گرفتن روزه در روز عیدین (عید فطر و عید الاضحی)

3- گرفتن روزه در دوره حیض و نفاس .

4- همچنان پیامبر صلی الله علیه وسلم از روزه وصال منع نموده است

وصال عبارت است (افطار نکردن) تا سحر :

در شرع منظور از روزه وصال اینست که یک شخص مسلمان ، دو روز یا حتی بیشتر از آن

رمضان المبارک

را بدون افطار کردن روزه بگیرد، یعنی هرگاه غروب شد افطار نمی کند و همچنان تا طلوع فجر امساک کرده و دوباره نیت روزه کرده و روزه روز قبل را با روز بعد وصل می کند. در روایات اسلامی آمده است:

پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین می کردند و پرواردگار با عظمت قوت آنرا به ایشان اعطاء کرده بودند، ولی با آنهم پیامبر اسلام امت خویش را از انجام روزه وصال منع فرموده است نهی کردند تا رحمت و شفقتی برای مسلمین باشد.

و در صحیحین از ابوهریره رضی الله عنه روایت کردند که گفت: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْوَصَالِ فِي الصَّوْمِ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ: إِنَّكَ تُوَصِّلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «وَأَيُّكُمْ مِثْلِي إِيَّيْ أَبِيتُ يُطْعِمُنِي رَبِّي وَيَسْقِينِ». فَلَمَّا أَبَوْا أَنْ يَنْتَهُوا عَنِ الْوَصَالِ وَاصَلَ بِهِمْ يَوْمًا ثُمَّ يَوْمًا ثُمَّ رَأَوْا الْهَلَالَ فَقَالَ: «لَوْ تَأَخَّرَ لَزِدْتُمْ» كَالْتَنكِيلِ لَهُمْ حِينَ أَبَوْا أَنْ يَنْتَهُوا. وفي رواية عنه قال لهم: «فَاكْفُوا مِنَ الْعَمَلِ مَا تُطِيقُونَ». (بخاری: 1965 - 1966) و مسلم (1103).

یعنی: رسول الله صلی الله علیه وسلم از وصل کردن روزه به روزه دیگر، منع فرمود. یکی از مسلمانان پرسید: ای رسول خدا! شما خود، روزه وصال می گیرید؟ (بدون افطار و سحری، روز بعد هم، روزه می گیرید)؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «چه کسی از شما مانند من است؟! مرا خدا در شب، می خوراند و می نوشاند». اما وقتی مشاهده کرد که آنان از روزه وصال باز نمی آیند، سه روز پی در پی، همراه آنان، روزه گرفت تا اینکه هلال ماه نو (شوال) را رویت کردند. آنگاه، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «اگر هلال، رویت نمی شد، چند روز دیگر، بر آن می افزودم». راوی می گوید: این عمل پیامبر صلی الله علیه وسلم بخاطر مجازات آنها بود که حاضر نشدند از روزه وصال، باز آیند. و در روایتی دیگر، ابوهریره می گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «به اندازه توانایی خود، سختی عمل را تحمل کنید».

ابن قدامه در کتاب «المغنی» (جلد 4 صفحه 436) مینویسد: «روزه وصال نزد اکثر اهل علم مکروه است».

و امام نووی گفته: «روزه وصال نزد ما (شافعیه) به اتفاق مکروه است، اما این کراهت تحریمی هست یا تنزیهی؟ دو نظر وجود دارد.. (صحیح ترین این دو نظر) نزد یاران ما (شافعیه) که ظاهر سخن شافعی هم هست آنست که کراهت تحریمی می باشد». "المجموع" (357/6).

یادداشت حکمی:

از احادیث نبوی و نظریات زیاتری از علماء ی اسلامی بوضاحت معلوم میگردد که روزه وصال حداقل مکروه و ناپسند میباشد و پیامبر صلی الله علیه وسلم آنرا برای ما مسلمانان نپسندیدند، و طوریکه فوقاً یاد آور شدیم حتی برخی از علماء حکم به حرمت روزه وصال هم صادر نموده اند. از جمله میتوان شیخ ابن عثیمین یاد آوری نمود، موصوف در کتاب «الشرح الممتع» (443/6) با صراحت بیان داشته است که: «آنچه برای من روشن گردید

رمضان المبارک

اینست که روزه وصال حرام است».

حکم روزه و نفلی برای زن شوهر دار:

زن نمیتواند بدون اجازه شوهرش در صورتیکه شوهرش مقیم باشد، روزه ثوابی بگیرد. از ابوهریره (رض) روایت شده که پیامبر اسلام فرمود: «ولا تصم المرأة يوماً واحداً، وزوجها شاهد إلا بإذنه، إلا رمضان» (روزه نگیرد زن حتی يك روز در حالیکه شوهرش باشد مگر به اجازه او غیر از رمضان) (احمد، بخاری، مسلم) این حدیث شریف بصورت آشکار زن را از روزه گرفتن روزه نفلی در حالیکه شوهرش حاضر باشد منع می کند زیرا ممکن است باعث تلف حق او گرددولی در روزه رمضان چون فرض است اجازه گرفتن از شوهر لازم نمی باشد.

روزه مکروه:

روزه است که انسان تنها روز **شنبه** و یا **یکشنبه** را روزه بگیرد و یا فقط روز عاشورا را روزه بگیرد. و یا روزه گرفتن زن بدون اجازه شوهر، و یا روزه گرفتن بدون افطار (که بنام روزه وصال) یاد می گردد. و غیره از این قبیل روزه را در شریعت اسلام بنام روزه مکروه مسمی نموده اند.

روزه حرام:

در روزهای ذیل سال گرفتن روزه و حرام میباشد.

1- در روز عید رمضان و قربان: از ابو عبید مولای ابن ازهر روایت است: در روز عید با عمر بن خطاب (رض) بودم گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم از روزه گرفتن در این دو روز نهی فرموده است، اولین روز بعد از ماه رمضان (عید فطر) و روزی که از قربانی هایتان می خورید (عید قربان) (صحیح امام بخاری: ۱۹۹۰/۲۳۸/۴)، (صحیح امام مسلم: ۱۱۳۷/۷۹۹/۲)

2- «ایام تشریق»

از ابو مره مولای أم هانی روایت است «با عبد الله بن عمرو نزد پدرش عمر و بن عاص رفتیم، غذایی جلو ما گذاشت و گفت: بخورید، (عبد الله) گفت من روزه هستم، عمرو گفت: بخورید، اینها روزهایی است که پیامبر صلی الله علیه وسلم به ما امر می کرد که روزه نگیریم و از روزه گرفتن ما را نهی می کرد. امام مالک گفته است: منظور از این روزها ایام التشریق است.»

3- روزه گرفتن جمعه به تنهایی:

از ابوهریره (رض) روایت است: هیچ کدام از شما روز جمعه روزه نگیرد مگر اینکه روز قبل یا بعد از آن نیز روزه بگیرد. (صحیح امام بخاری: ۱۹۸۵/۲۳۲/۴)، (صحیح امام مسلم: ۱۱۴۴/۸۰۱/۲)، (سنن ابو داود: ۲۴۰۳/۶۴/۷)

4- روزه گرفتن شنبه به تنهایی:

رمضان المبارک

«در حدیث عبدالله بن بسر سلمی از خواهرش صماء روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «روزه شنبه را به تنهایی روزه نگیرید مگر روزه های که بر شما فرض باشد، و اگر بجز پوست انگور یا شاخه درخت چیز دیگری نیافتید، آن را بجوید تا آن روز روزه نباشید» (سنن ابو داود: ۲۴۰۴/۶۶/۷)، (سنن الترمذی: ۷۴۱/۱۲۳/۲)

5- روزه گرفتن نیمه دوم شعبان:

روزه گرفتن نیمه دوم شعبان بخصوص برای آنعه اشخاصیکه که به گرفتن روزه عادت نداشته باشد.

از ابو هریره (رض) روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «هیچ کدام از شما يك يا دو روز قبل از رمضان روزه نگیرد مگر اینکه به روزه گرفتن در آن روز عادت داشته باشد که در این صورت می تواند آن روز را روزه بگیرد» (صحیح امام بخاری: ۱۹۱۴/۱۲۷/۴)، (صحیح امام مسلم: ۱۰۸۲/۷۶۲/۲)

روزه بالای کی فرض است:

سن بلوغیت

اجماع علماء اسلام بر اینست که روزه (ماه رمضان) بر هر شخص مسلمان، عاقل، بالغ، سالم و مقیم فرض است.

مسأله حیض و نفاس درحالت زن و پاک بودن وی ازین حالت تفصیل خویش را دارند.

(برای معلومات مزید مراجعه شود به فقه السنه: ۵۰۶/۱ ط الریان)

امامفهوم شرط بلوغ:

شرط بلوغیت بدین معنی است که مسلمان که بر سن بلوغ رسیده باشند و توانمندی گرفتن روزه را داشته باشند. روزه بالای آنان فرض میگردد. این بدین معنی است کسانیکه به سن بلوغ نرسیده اند گرفتن روزه بالای آنان فرض نمی باشد، و تکلیف شرعی ندارد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم در این مورد میفرماید: «رفع القلم عن ثلاثة: عن المجنون حتى یفیک، وعن النائم حتى یستیقظ، وعن الصبي حتى یحتلم» «تکلیف از سه دسته برداشته شده است: از دیوانه تا زمانیکه هوشیار شود و از به خواب رفته تا تا زمانیکه بیدار شود و از کودک تا بالغ شود». (صحیح جامع صغیر: ۳۵۱۴)، (سنن الترمذی: ۶۹۳/۱۰۲/۲).

مفهوم شرط قادر بودن:

شرط قادر بودن به این معنی است که يك نفر مسلمان توان گرفتن روزه را داشته باشد بالای آنان گرفتن روزه فرض میگردد، ولی مریضان که توان گرفتن روزه را ندارد و با گرفتن روزه وضعیت صحتی آنان برهم میخورد و دوکتوران برای آنان گفته باشند در صورتیکه روزه بگیرند به وضعیت جسمانی شان ضرر میرسد در این صورت

رمضان المبارک

گرفتن روزه بر آنان فرض نبوده. هر زمانیکه از مریضی بهبود یابند و عذر موجود مرفوع گردد به قضاء آن مبادرت ورزند.

روزه گرفتن کودکان

در فوق تذکر یافت که روزه بالای کسانی فرض می‌گردد که به سن بلوغیت رسیده باشد، و اطفال که تا هنوز به سن بلوغ نرسیده باشد، روزه گرفتن بر آنان واجب نمی‌باشد، ولی بر مسلمانان است اطفال خویش را اگر شرط قادر بودن را داشته باشد و بدون مشقت و سختی میتوانند روزه بگیرند، به روزه گرفتن وادارش کنند، تا این عمل بحیث عادت شان مبدل گردد. زیرا صحابه فرزندان خردسال خود را به روزه گرفتن وادار می نمودند. (بخاری (۱۹۶۰). مسلم (۱۱۳۶). راویان می افزیند، تا جایی که بعضی از کودکان در اثر سختی روزه گریه می کردند و صحابه به آنان اسباب بازی می دادند تا با آن خود را مشغول کرده و سختی روزه را احساس نکنند.

« عَنْ الرَّبِيعِ بِنْتِ مَعُوذٍ قَالَتْ: أَرْسَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غَدَاةَ عَاشُورَاءَ إِلَى قُرَى الْأَنْصَارِ: «مَنْ أَصْبَحَ مُفْطِرًا فَلَيْتَمَّ بَقِيَّةَ يَوْمِهِ وَمَنْ أَصْبَحَ صَائِمًا فَلْيَصُمْ» قَالَتْ: فَكُنَّا نَصُومُهُ بَعْدَ وَنُصُومِ صَبِيَانِنَا وَنَجْعَلُ لَهُمُ اللَّعْبَةَ مِنَ الْعِهْنِ فَإِذَا بَكَى أَحَدُهُمْ عَلَى الطَّعَامِ أَعْطَيْنَاهُ ذَلِكَ حَتَّى يَكُونَ عِنْدَ الْإِفْطَارِ. » (بخاری: 1960) (ربیع دختر معوذ رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم صبح روز عاشورا به قریجات و محله‌های انصار، قاصد فرستاد تا اعلام کنند که: «هرکس از صبح، روزه نگرفته است، بقیه روز، روزه بگیرد. و هرکس، روزه بوده است، روزه‌اش را ادامه دهد». ربیع بنت معوذ می‌گوید: بعد از آن، ما روز عاشورا را روزه می‌گرفتیم و فرزندان خرد سال خود را نیز وادار به روزه گرفتن می‌کردیم. و برای آنها عروسک‌های پشمی می‌ساختیم. و هر وقت یکی از آنها برای غذا گریه می‌کرد، او را با آن عروسک، سرگرم می‌کردیم تا اینکه وقت افطار، فرا می‌رسید.)

ولی نباید فراموش کرد: اگر ثابت شود که گرفتن روزه برای اطفال ضرر می‌رساند باید اطفال را از روزه گرفتن منع نمود. در مورد شیخ ابن عثیمین مینویسد: «بدلیل این که الله تعالی ما را از سپردن اموال کودکان به دست آنان منع نموده است زیرا بیم آن می‌رود که مالش را هدر دهد. پس دقت کنید وقتی که الله تعالی مسلمانان را از سپردن مال کودکان به آنان منع نموده تا از ضرر و زیان مالی در امان باشند، پس به طریق اولی باید ضرر های جسمی را از آن‌ها دور کرد، ولی باز هم نباید برای جلوگیری، از روش سخت گیرانه استفاده کرد زیرا سخت گیری در امر تربیت کودکان کاری پسندیده و جالب نیست. (برای مزید معلومات مراجعه شود به فتوای شیخ ابن عثیمین- فقه العبادات- ص (225)

نظریات فقها در مورد سن بلوغ

قبل از همه باید گفت که در فهم دین مقدس اسلام بلوغ دختران و پسران سن خاص و مشخصی ندارد و ممکن است این سن در همه یکسان نباشد، بنابراین تعیین کردن دقیق سن بعنوان سن بلوغ اشتباه است، بلکه صحیح آنست که به نشانه های بالغ شدن دختر و پسر نظر انداخته شود، بدین صورت که: هرگاه پسری محتلم شد و یا منی از او خارج گشت و یا آنکه

رمضان المبارک

موی شرمگاه او نمایان شد، و در دخترها علاوه بر آن سه نشانه مذکور برای پسرها، دچار عادت ماهیانه (حیض) شد، در هر سنی که باشند: وجود تنها یکی از این نشانه ها، نشانه ی بلوغ آنهاست و از همان لحظه به بعد آنها شرعا بالغ محسوب می شوند و، اگر جنون نداشته باشند- مؤظف به انجام تکالیف شرعی خود اعم از نماز و روزه و دیگر عباداتی که بر هر زن و مرد مسلمان بالغی واجب است، هستند.

بنابراین ممکن است که دختری در سن هفت سالگی و دیگری در نه سالگی دچار حیض شود و همانسال سن بلوغش است.

و همینطور یک پسر ممکن است در سن دوازده سالگی محتمل شود و دیگری در سن پانزده سالگی..

اما اگر بالفرض سن دختر یا پسر از حد معینی بالاتر رفت ولی نشانه های بلوغ در او یافت نشد، در اینصورت علما سن مشخصی را ملاک بلوغ قرار داده اند، مثلا در مذهب امام شافعی سن پانزده سالگی برای دختران و پسران را محدوده نهایی قرار داده اند، یعنی اگر دختری به پانزده سالگی برسد ولی نشانه های بلوغ در او دیده نشود، باز او بعد از پانزده سالگی (کامل) بعنوان مکلف شرعی مؤظف است تا عبادت و تکالیف شرعی را انجام دهد و همینطور سن پانزده سالگی برای پسرها هر چند که نشانه های (حیض، یا احتلام یا خروج منی، یا روییدن مو بر شرمگاه) دیده نشوند.

اما در مذهب امام ابوحنیفه و امام مالک گفته اند کسی که احتلام نشده باشد، حکم به بلوغ وی نمی شود تا اینکه بسن شانزده سالگی برسد و در روایت مشهورتری از امام صاحب ابوحنیفه هفده سال نقل شده است. و درباره دختر گفته است باید بسن هفده سالگی برسد و داود گفته است: انسان با سن بلوغ نمی شود، مادامکه احتلام نیابد اگرچه چهل ساله هم باشد. (برای معلومات مزید مراجعه شود به: فقه السنه سید سابق).

اما علمای تابع امام ابوحنیفه (یعنی علمای حنفی) گفته اند که محدوده نهایی برای دختر و پسر پانزده سالگی کامل است، و این نظر مذهب حنابله نیز می باشد.

جمع بندی کلی سن بلوغ در نزد علماء :

- امام ابوحنیفه:

سن نهایی تعیین بلوغ را برای دختران و پسران را هفده سالگی دانسته است.

- امام ابویوسف و محمد :

سن بلوغ دختران و پسران را 15 سالگی می دانند.

- امام مالک

علمای مالکی : اتمام 18 سال را برای پسران و دختران سن بلوغ تعیین نموده اند .

- امام شافعی :

علمای مذهب شافعی : اتمام 15 سال قمری را برای پسر و دختر سن بلوغ دانسته اند .

امام حنبل :

علمای حنابله : اتمام 15 سال قمری را برای پسر و دختر سن بلوغ دانسته اند .

ظاہریہ:

میگویند: ہر گاہ نشانہ ی بلوغ ظاہر شود و سن مهم نیست. البتہ همانطور کہ گفتہ شد اگر کسی قبل از آن سنین در وی نشانہ ہای بلوغ ظاہر شود، او از همان لحظہ بعنوان مکلف شناختہ می شود، مثلاً ممکن است دختری در نہ سالگی بالغ شود و پسری در دوازده سالگی، ولی اگر هیچ علامتی از بالغ شدن در او دیدہ نشود، در آنصورت ملاک سنین فوق هستند، یعنی با رسیدن بہ این سن احکام شرعی بر آنها واجب خواهد شد. آیا بلوغ زودرس در شریعت برای اجرای قوانین اسلامی معتبر است؟ علماء در تحقیقات خویش میگویند: رسیدن بہ سن بلوغ با یکی از نشانہہای زیر بہ ثبوت می رسد:

1- خروج منی از وی، خواه در خواب باشد و یا بیداری، چون خداوند می فرماید: «وإذا بلغ الاطفال منکم الحلم فلیستأذنوا کما استأذن الذین من قبلہم» (سورہ نور آیہ 59) (ہر گاہ اطفال شما بسن بلوغ رسیدند و احتلام شدند، باید بدون اجازہ بر شما وارد نشوند، همانگونہ کہ کوکان پیش از آنان بودند اجازہ می گرفتند). همچنان در حدیثی کہ بروایت ابوداؤد از علی بن ابیطالب پیامبر صلی اللہ علیہ و سلم کہ در فوق تذکر یافت «رفع القلم عن ثلاث: عن الصبی حتی یحتلم. وعن النائم حتی یستیقظ وعن المجنون حتی یفیک» (از سه کس قلم تکلیف برداشته شدہ است: از کودک تا اینکہ احتلام شود و از خواب رفتہ تا اینکہ بیدار گردد و از دیوانہ تا اینکہ بہبودی حاصل کند و رشد خویش را باز یابد).

همچنان حضرت علی کرم وجہہ در روایت دیگری از پیامبر صلی اللہ علیہ می فرماید: «لا یتیم بعد احتلام» (بعد از احتلام یتیمی وجود ندارد و دیگر یتیم نیست). بروایت ابوداؤد و بخاری.

2- در مورد تکمیل سن پانزده سالگی روایت داریم از ابن عمر:

ابن عمر می فرماید: در روز جنگ «احد» عمر من بہ چہارده میرسید، نزد پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم رفتم، و در مورد اشتراک خویش از انحضرت صلی اللہ علیہ وسلم طالب ہدیت شدم کہ آیا من میتوانم در جنگ اشتراک نمایم یا خیر؟ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم چون چہارده سالہ بودم حق اشتراک را برای من در جنگ احد نداد. ولی در غزوہ خندق کہ پانزده سال عمر داشتم، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم حق شرک در این غزوہ را برای من داد.

مورخین مینویسند: چون عمر بن عبدالعزیز این مطلب را شنید بہ مسولین خویش ہدایت فرمود: کسی را بجنگ نفرستند مگر اینکہ بہ پانزده سالگی رسیدہ باشند و شخصیکہ بہ سن پانزده سالگی نرسیدہ باشد بوی تعرض نکنند.

امام ابوحنیفہ و امام مالک مسالہ احتلام را شرط بلوغ دانستہ و میفرمایند: کسیکہ احتلام نشدہ باشد، حکم بہ بلوغ وی نمی شود تا اینکہ بسن شانزده سالگی برسد و در روایت مشہورتری از امام صاحب ابوحنیفہ ہفده سال نقل شدہ است. اما امام صاحب ابوحنیفہ در

رمضان المبارک

بارہ سن بلوغ دختر میگوید که دختر باید بسن ہفده سالگی برسد .
اما امام صاحب داود میفرماید : « انسان با سن بلوغ نمی‌شود، تا زمانی‌که احتلام نیابد اگرچه به سن چهل سالگی هم رسیده باشد .

3- روییدن موی سیاه زہار کہ موی سیاه مجعد است، نہ مطلق موی، کہ مطلق موی در زہار کودکان نیز ہست . در جنگ بنی قریظہ مرد را با روییدن موی زہار می‌شناختند و ہرکس موی زہارش روییده بود، بوی اجازہ شرکت در جنگ دادہ می‌شد .
امام صاحب ابوحنیفہ میفرماید : با روییدن موی، هیچ حکمی ثابت نمی‌شود و روییدن موی زہار نہ بلوغ است و نہ علامت بلوغ .

4- قاعدہ شدن و آبستن شدن، و با این سه علامت قبلی کہ ذکر شد بلوغ پسر و دختر ثابت می‌شود و علائم بلوغ دختران علاوه بر آنها قاعدہ شدن و آبستن شدن نیز ہست . در حدیثی کہ امام بخاری از حضرت بی بی عایشہ روایت کردہ آمدہ است کہ : پیامبر صلی اللہ علیہ و سلم فرمودہ است : « لا یقبل اللہ صلاۃ حائض إلا بخمار » (خداوند نماز زن بحیض افتادہ بالغ را نمی‌پذیرد تا اینکہ روسری داشته باشد و بدون آن نمی‌پذیرد.)

و اما رشد عبارت است از قدرت بر اصلاح مال و حفظ و نگہداری آن از ضایع شدن، کہ بصورت واضح و آشکار در معاملات مالی بیش از حد معمول و غالب، مغبون و زیان دیدہ نشود و مال را در راه حرام صرف نکند، پس ہر گاہ کسی بالغ شد و رشد نداشت، ولایت مالی بر او ادامہ دارد و از تصرفات (فقط) مالی ممنوع است .

تا اینکہ علائم رشد در وی بظہور رسد، بدون تحدید سن یعنی رشد مدرک عمل است نہ سن معینی، برابر ظاہر نص قرآنی چنین است بخلاف ابوحنیفہ کہ سن معینی را در نظر گرفتہ است، ہر گاہ پس از رسیدن بر رشد از او سفاہت ظاہر شد، مجدداً بر وی حجر نہادہ می‌شود، چون بقول جصاص ضرر سفاہت بہمہ برمی‌گردد، چون ہر گاہ سفیہ مال خود را با اسراف و تبذیر تلف کند، او محتاج می‌شود و وبال بر مردم و بیت‌المال است و این از جهت ولایت مالی است و اما ولایت بر نفس بمجرد رسیدن بسن بلوغ و عاقل شدن، این ولایت از اوقطع و مکلف می‌گردد . و او می‌تواند در مال خود تصرف کند .

در تفسیر آیہ: « فان أنستم منهم رشدا »، از سعید بن منصور بروایت از مجاہد روایت شدہ است کہ گفت: عقل، یتیمی را از یتیم دور نمی‌سازد، اگرچہ سنش نیز بزرگ شدہ باشد مگر اینکہ بر رشد برسد و رشد ملاک است نہ عقل. (منبع: فقہ السنہ سید سابق)

اما در سایت معتبر اسلامی (اسلام وب) در بارہ کودکی کہ زود بالغ می‌شود چنین نوشتہ است: « اگر کودک در سن پایین محتلم شود، در اینصورت شرع با وی همانند بالغین معاملہ می‌کند بجز حج، کہ بر وی واجب نمی‌شود مگر در صورت توانایی مالی و بدنی. بدلیل فرمودہ اللہ تعالی کہ می‌فرماید: « وَ لِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا » (آل عمران: 97) یعنی: و برای خدا بر مردم است کہ آہنگ خانہ (او) کنند، آنها کہ توانایی رفتن بہ سوی آن دارند. و اما اگر بہ سبب غرق شدن بمیرد، حکم شہید را دارد زیرا این حکم در

رمضان المبارک

سنت نبوی ثابت شده است . (برای معلومات بیشتر در این زمینه به کتابهای اصولی فقه مراجعه کنید.)

امراض :

امراض که خوردن روزه را به توصیه داکتر معالج متدین جواز دانسته عبارتند از : (امراض سل ، امراض صدري ، امراض معدوی ، امراض روانی ، که انسان به گرفتن روزه از حالت نورمال خارج میگردد. (و غیره امراض خطرناک و مضر ...) اگر شخصی فقط به اساس وهم و خیال خود که گویا روزه او را مریض می سازد و یا مریضی او را افزایش میدهد ، در حالیکه آن را تجربه هم نکرده و نه دکتور متخصص برایش مشوره داده روزه نگیرد گنهگار بوده و باید کفاره آنرا هم بپردازد.

شیخوخت و یا کبر سن :

شیخوخت و یا کبر سن بدین معنی است . آنعه از مسلمانانیکه توانمندی گرفتن روزه را از دست داده باشند . به اساس این حکم الهی «وعلى الذين يطيقونه فدية طعام مسكين» پیران کهن سال که به زحمت می توانند روزه بگیرند فدیة ای که طعام يك مسكين باشد واجب است .

(اطاقه) به معنی خیلی به زحمت و با صرف تمام قدرت کاری را انجام دادن است، و عرب وقتی کلمه (اطاقه) را به کار می برد، که قدرت انسان در انجام کاری به آخرین درجه ضعف خود رسیده باشد و متحمل ناراحتی و مشقت فراوان گردد.

در این آیه شریفه منظور از (یطیقونه) کسانی هستند که با مشقت فراوان می توانند روزه بگیرند، مانند اشخاص پیرو از کار افتاده و انسانهای بسیار ضعیف و لاغر ، و زنان شیرده به بچه های ، و زنان حامله، و مریضهایی هستند که امید به بهبودی آنها نیست. بر این گونه اشخاص ، روزه گرفتن برایشان بسیار مشکل است. می توانند روزه نگیرند و طوریکه قبلاً گفتیم این شخص به جای روزه هر روز يك انسان فقیر را طعام دهند، طعامی که باید به اندازه ای باشد که يك انسان معتدل را سیر کند، و وقتی این فدیة را دادند دیگر قضای روزه بر آنان واجب نیست .

همچنان این حکم پروردگار شامل حال آنعه از کسانی میگردد که به امراض مزمن که علاج دوباره آن غیر ممکن باشد نیز شامل میگردد . یعنی برآنان گرفتن روزه فرض نیست در بدل آن میتوانند کفاره دهند که همان سیر کردن یک روزه فرد مسکین بر او واجب میگردد .

در شرعیت اسلام این عمل نوعی رخصت و آسانگیری از جانب پروردگار به شمار می آید؛ چنانکه می فرماید: « يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ » . (خداوند آسایش شما را می خواهد و خواهان زحمت شما نیست) (بقره/185)
و می فرماید: « وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُم فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ » (و در دین کارهای دشوار و سنگین را بر دوش شما نگذاشته است) (حج/78).

رمضان المبارک

ابن عباس (رض) می گوید: (به انسان پیر و کهنسال اجازه داده شده است که در ماه رمضان روزه نگیرد، ولی به خاطر هر روز خوراک یک نفر فقیر را بپردازد، و قضای روزه بر او واجب نیست.)

و بخاری با عبارتی نزدیک به این حدیث از ابن عباس روایت نموده است که این آیه درباره سالخوردگان و امثال آنها نازل شده است: (وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ) (و بر کسانی که توانایی انجام آن را ندارند (همچون پیران ضعیف و بیماران همیشگی و کارگرانی که سالیانه پیوسته به کارهای سختی، مانند استخراج زغال سنگ اشتغال دارند، و زندانیان محکوم به اعمال شاقه‌ای که پیوسته به کار سنگین و ادار می‌گردند) لازم است کفاره بدهند، و آن خوراک مسکینی است) (از خوراک متوسطی که به خانواده خود می‌خورانید و باید در برابر هر روزی یک خوراک متوسط که بتواند به طور معتدل مسکینی را سیر کند بپردازید) و هر که کار خیر را پذیرا شود (و بر مقدار فدیة بیفزاید، و یا علاوه از روزه فرض، روزه سنت نیز بگیرد) برای او بهتر است. (سوره بقره/ آیه: 184)

مجاهد

مجاهد که مصروف جهاد اعلاى کلمة الله و دفاع از مقدسات وطن باشد، گرفتن روزه بالای آن فرض نیست. میتواند بعد از اینکه امور مجاهدت اش به پایان رسید به گرفتن روزه اقدام نماید.

مسافر

قبل از همه باید گفت که مسافرت در ماه مبارک رمضان ممانعتی ندارد، ولی نباید این مسافرت برای فرار از روزه صورت گیرد.

در مورد چگونگی حکم روزه مسافر باید به قرآن عظیمی الشان مراجعه کرد. پروردگار با عظمت ما میفرماید: «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ» کسانیکه از شما مریض و یا در سفر باشد، شمار روزهای دیگر آنرا بگیرد. (یعنی برای روزه دار جواز دارد که روزه ماه مبارک را افطار نماید.)

علماء حدود مسافتی که در جمله سفر بشمار می‌آید آنرا 4 بُرد بر آورد نموده اند. هر بُرد عربی برابر است با (22.176) کیلومتر، در نتیجه مسافتی که احکام سفر به آن تعلق می‌گیرد برابر است با 4 برابر این مقدار یعنی (88.704) کیلومتر (برای معلومات مزید مراجعه شود به کتاب «الفقه الإسلامی وأدلته» 1/74-75).

علما برای تأیید نظریات خویش بر روایات ذیل اسلامی استناد نموده اند:

- 1- از پیامبر صلی الله علیه و سلم به سند ضعیف روایت شده است که گفت: «یا أهل مكة لا تقصروا في أدنى من أربعة برد من مكة إلى عسفان» (روایت طبرانی در المعجم الكبير (11162)، و دار قطنی (387/1)، و بیهقی (3/13)، یعنی: «ای اهل مکه، از مسافت کمتر از 4 بُرد ما بین مکه و عسفان (نمازها را) قصر نکنید».
- 2- از ابن عباس رضی الله عنه سؤال شد که آیا تا رفتن به عرفه نمازها را قصر کنیم؟ گفت: نه، ولی تا عسفان و جدة و طائف (میشود نماز را قصر کرد) (التلخیص الحبير 46/2).

رمضان المبارک

3- ابن عمر و ابن عباس رضي الله عنهما هنگام سفر در مسافت 4 بُرد به بالا (یعنی بیشتر از 88.704 کیلومتر) نمازها را دو رکعت میخواندند و روزه را نمیگرفتند.

ابن عمر هنگام رفتن به « ذات النصب » نماز را قصر کرد، و بین این مکان تا مدینه 4 بُرد مسافت بود (فتح الباري 2/566).

در نتیجه کسی که مسافت بیشتر از (88.704) کیلومتر را طی کند احکام سفر به او تعلق میگیرد و میتواند روزه را بشکند و نمازها را قصر و جمع کند، ولی همانطوری که بیان شد باید سفرش مباح باشد، ولی اگر مسافت طی شده کمتر از (88.704) کیلومتر باشد، احکام سفر به او تطبیق نمیگیرد، و نمیتواند که روزه را بشکند و یا نمازها را قصر و جمع کند. و ناگفته نماند که مسئله فوق الذکر یکی از آراء علماء در مورد مسافت قصر و جمع میباشد، و نظریه های دیگری نیز وجود دارد و علماء نزدیک به 20 قول را در مورد مسافت قصر برای مسافر بیان کرده اند. که نسبت طولت کلام از ذکر آن جلوگیری مینمایم.

یادداشت :

به مجرد که مسافر به حالت مقیم آید به گرفتن روزه آغاز و ایام قضاء شده را قضائی بیاورند.

همچنان علماء میگویند بر آنده اشخاصی در ماه مبارک رمضان احکام مسافرت تطبیق میگردد که مصروف مسافرت مباح باشد.

برای مسافر روزه گرفتن بهتر است یا روزه نگرفتن :

طوریکه قبلا یاد آور شدیم که برای شخص

مسافر مباح است، که در رمضان روزه نگیرند ولی قضای آن، بر آنها واجب می باشد. و بعد از ماه رمضان بتعداد روزه هائی که نگرفته است قضاء آن را بعمل آرد. در حدیثی از ابوسعید خدری روایت است که: «ما در ماه رمضان همراه پیامبر صلی الله علیه و سلم به

جنگ می رفتیم. بعضی از ما روزه می گرفتند و بعضی از ما روزه نمی گرفتند، نه روز ه داران بر روزه خواران اعتراض

می گرفتند و نه روزه خواران بر روزه داران. و حکم همین

بود، که هرکس بتواند روزه بگیرد روزه باشد و کار

خوبی است و هرکس نتواند روزه بگیرد و در خود سستی و ناتوانی احساس کند، روزه نگیرد و کار خوبی است» (بروایت احمد و مسلم.)

محدثین مینویسند که، در یکی از روزها حمزه اسلمی به پیامبر صلی الله علیه و

سلم گفت: ای رسول خدا من در مسافرت توانائی روزه گرفتن را در خود می بینم،

آیا گناه دارد که روزه باشم؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: «هی رخصة من الله

تعالی فمن أخذ بها، فحسن، ومن أحب أن يصوم فلا جناح عليه

» (این یک رخصت است از جانب الله

، هرکس بدان عمل کرد نیک کرده است، و هرکس خواست که روزه بگیرد بر وی

گناهی نیست) (بروایت مسلم).
همچنان در حدیث دیگری آمده است که شخصی به نام حمزه ابن عمرو در حالیکه مصروف مسافرت بود ، ولی با آنهم روزه می‌گرفت ، در یکی از روز ها از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسید: آیا در اثنای سفر روزه بگیرم؟ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: « إِنْ شِئْتَ فَصُمْ، وَإِنْ شِئْتَ فَأَفْطِرْ » (اگر خواستی روزه بگیر و اگر خواستی روزه را بخور.) (بخاری (1943)، و مسلم (1121))

طوریکه ملاحظه مینمایم پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ایشان در گرفتن روزه اختیار داد و برایش گفت اگر خواستی روزه بگیر و اگر نخواستی میتوانی روزه را افطار نمایی ، و همین اختیار، دلیلی است بر این که اگر مسافر می تواند بدون تحمل مشقت و سختی روزه بگیرد، مجاز به این کار است روزه اش فرض باشد یا نفل، زیرا سبب جواز خوردن روزه در سفر وجود مشقت و سختی است.

از طرف دیگر روزه بودن همراه مشقت و زحمت دارای اجر و ثواب بیشماری است به شرط آن که شخص نیازمند به کمک دیگران نباشد و اگر نتواند امور خود را رسیدگی کند و به اصطلاح سر بار دیگران می شود در این صورت خوردن روزه برایش افضل است. مطابق به فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم « ذَهَبَ الْمُفْطِرُونَ الْيَوْمَ بِالْأَجْرِ » «امروز کسانی که روزه نبودند اجر و ثواب را حاصل نمودند.» بخاری (2890)، و مسلم (1119)
شیخ ابن جبرین طی فتوای گفته است :

روزه دار مسافر اگر محتاج باشد که رفقاییش برای او سایه درست کرده و بر او آب بپاشند و شترش را آب دهند و خوراک و... تهیه کنند بهتر آن است که از روزه گرفتن صرف نظر کند تا مزاحم دیگران نشود؛ اما اگر روزه در روند کارش خلل ایجاد نکند افضل آن است که روزه بگیرد، روزه ی فرضی باشد یا نفلی. (برای مزید معلومات مراجعه شود به فتوا شیخ ابن جبرین- مورخه ی 1/2 در این بابت)

بناً بصورت کل گفته میتوانیم :

اگر شخصی در ماه رمضان هنگام سفر روزه اش را نخورد، روزه اش صحیح است مگر آن که روزه برایش زیان آور باشد که در این صورت تأکید می شود روزه اش را بخورد بدلیل حدیث پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که فرموده: « لَيْسَ مِنَ الْبِرِّ الصِّيَامُ فِي السَّفَرِ » «روزه گرفتن در مسافرت جزو نیکی و عبادت نیست.» (بخاری (1946)، و مسلم (1115).

نظریات علماء در مورد روزه مسافر :

ائمه اربعه و جمهور صحابه و تابعین بر این هستند که روزه گرفتن در سفر جایز و صحیح است، و اگر شخص مسافر روزه گرفت، روزه اش منعقد شده و بریء الذمه می شود. (برای مزید معلومات مراجعه نماید به رساله (الموسوعة الفقهية جلد 28 صفحه 73.)
امام ابوحنیفه ، امام شافعی ، و امام مالک بدین رای اند : اگر مسافر توانمندی روزه گرفتن را داشته باشد ، بهتر است که روزه بگیرد . و مسافر که توان گرفتن روزه را نداشته باشد بهتر است ، روزه نگیرد .

شیخ محمد بن علی بن محمد بن عبدالله بن الحسن شوکانی میگوید :

کسی که روزه برایش سخت و دشوار و زیانمند است و کسی که به عمد می‌خواهد از رخصت رو بگرداند و با آن مخالفت کند و کسی که بر خود نگران باشد که در سفر روزه بگیرد ممکن است دچار خودپسندی و تظاهر و ریاگردها، برای همه این گون ه اشخاص روزه نگرفتن بهتر است. اگر هیچیک از اینها مطرح نباشد روزه گرفتن بهتر می‌باشد.

به همه حال اگر مسافر با گرفتن روزه دچار مشقت نشوند، روزه گرفتن برایش بهتر است ولی اگر شخصی مسافر دچار مشقت، تکلیف و حرجی میشود، بهتر است که روزه نگیرند.

افضلیت و عدم افضلیت روزه در مسافرت :

در مورد افضلیت و عدم افضلیت روزه در مسافرت توجه خوانندگان را به نکات ذیل جلب مینمایم :

حالت اول:

اگر روزه بودن یا نبودن برای شخص مسافر یکسان باشد؛ یعنی روزه گرفتن بر وی (در سفر) تاثیر (چندان) نمی‌گذارد، در این حالت روزه گرفتن برایش بهتر است؛ به دلایل زیر:

1- ابو درداء رضی الله عنه در این مورد استدلال می‌آورد «خَرَجْنَا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي بَعْضِ أَسْفَارِهِ فِي يَوْمٍ حَارٍّ حَتَّى يَضَعَ الرَّجُلُ يَدَهُ عَلَى رَأْسِهِ مِنْ شِدَّةِ الْحَرِّ وَمَا فِيْنَا صَائِمٌ إِلَّا مَا كَانَ مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَابْنِ رَوَاحَةَ. (بخاری: 1945).

یعنی: در یکی از سفرها، همراه رسول خدا صلی الله علیه وسلم خارج شدیم. هوا گرم بود تا جایی که مردم از شدت گرما، دستهای خود را روی سرشان می گذاشتند. و از میان ما کسی غیر از رسول خدا صلی الله علیه وسلم و ابن رواحه، روزه نبود.

در این حدیث مشاهده می‌شود که عده ای از صحابه روزه نبودند و تنها ابن رواحه همراه پیامبر صلی الله علیه وسلم روزه بودند.

2- روزه گرفتن در اینحالت باعث می‌شود که فرد مکلف در اسرع وقت تکلیف شرعی خود را انجام داده و بریء الذمه گردد، اما قضاء کردن آنها موجب تاخیر در بریء الذمه شدن انسان است.

3- روزه گرفتن برای وی در ماه رمضان آسانتر است؛ زیرا معمولاً روزه گرفتن در زمانی که غالب مردم روزه نیستند اندکی سخت تر می‌شود.

4- روزه گرفتن در ماه رمضان فضیلت بیشتری دارد؛ چرا که انجام عبادات در رمضان افضلتر از دیگر ماههای سال است.

امام شافعی باتوجه به این دلایل ترجیح داده که روزه گرفتن برای کسی که روزه بودن و نبودن برایش یکسان است، بهتر است.

حالت دوم:

رمضان المبارک

روزه نگرفتن برای وی (مسافر) به حالش سودمند تر است؛ در اینجا می‌گوئیم: روزه نبودن افضل تر است، و اگر پاره ای از مسائل موجب مشقت بر وی گردد در آنصورت حتی روزه گرفتن بر وی مکروه است، زیرا کسی که در مشقت قرار دارد باوجودیکه الله متعال برایش رخصت داده اما وی از آن رخصت الهی عدول می‌کند قطعاً مرتکب امری مکروه شده است.

حالت سوم:

روزه گرفتن برای وی موجب مشقت شدیدی گردد که قابل تحمل نباشد؛ در اینحالت روزه گرفتن بر وی حرام است. به دلیل حدیث مسلم از جابر بن عبدالله رضی الله عنه که گفت: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَرَجَ عَامَ الْفَتْحِ إِلَى مَكَّةَ فِي رَمَضَانَ فَصَامَ حَتَّى بَلَغَ كُرَاعَ الْعَمِيمِ فَصَامَ النَّاسُ ثُمَّ دَعَا بِقَدْحٍ مِنْ مَاءٍ فَرَفَعَهُ حَتَّى نَظَرَ النَّاسُ إِلَيْهِ ثُمَّ شَرِبَ فَقِيلَ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ إِنَّ بَعْضَ النَّاسِ قَدْ صَامَ فَقَالَ أَوْلَيْكَ الْعَصَاةُ أَوْلَيْكَ الْعَصَاةُ». وفي رواية: «فَقِيلَ لَهُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ شَقَّ عَلَيْهِمُ الصِّيَامُ وَإِنَّمَا يَنْظُرُونَ فِيمَا فَعَلْتَ فَدَعَا بِقَدْحٍ مِنْ مَاءٍ بَعْدَ الْعَصْرِ» مسلم (1114).

یعنی: پیامبر صلی الله علیه و سلم در سال فتح مکه بقصد مکه از مدینه بیرون شد و تا اینکه به چشمه آب عمیم (دریک میلی عسفان) رسید، روزه بود و مردم نیز با وی روزه بودند. به وی عرض کردند که روزه مردم را به مشقت انداخته و مردم به تو چشم دوخته‌اند. بعد از عصر بود، که پیمانهای آب خواستند و از آن نوشیدند و مردم به وی می‌نگریستند، پس گروهی نیز افطار کردند و گروهی همچنان روزه بودند. به ایشان عرض کردند که گروهی همچنان روزه هستند، او فرمود: آنان نافرمانی کرده و گناهکارند. (چون پیامبر حکم کرده بود که از این رخصت استفاده کنند و آنان با آن رخصت مخالفت کردند). (برای مزید معلومات مراجعه شود به: الشرح الممتع للشیخ محمد ابن عثیمین رحمه الله. ج 6 ص 355).

«امام نووی و کمال بن هماد گفتند: احادیثی که دلالت بر افضلیت روزه خوردن (در سفر) دارند بر کسی حمل می‌گردد که با وجود روزه بودن دچار ضرر گردد، و در بعضی از احادیث به این مسئله تصریح هم شده است، و لازمست که (آن احادیث) را اینگونه تاویل نمود، تا بین احادیث جمع کرده باشیم، و این (جمع کردن) بهتر است از اینکه بعضی احادیث را نادیده بگیریم و یا ادعای نسخ نماییم بدون آنکه دلیل قاطعی باشد. و کسانی که روزه گرفتن یا نگرفتن آنرا (در سفر) یکسان می‌دانند، به حدیث عایشه رضی الله عنها استدلال کردند که: حمزه بن عمرو اسلمی رضی الله عنه - که زیاد روزه می‌گرفت - به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: آیا در سفر روزه بگیرم؟ که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: اگر خواستی روزه بگیر، و اگر نه روزه ایت را بخور» (الموسوعة الفقهية) (ج 28 ص 73).

حکم تصیم سفر در روز ماه مبارک رمضان:

بر طبق مذهب امام ابوحنیفه، امام مالک و امام شافعی، هرگاه شخصی در شب نیت روزه فردا را بعمل آورد، ولی در صبح همان روز تصیم به سفر کرد براین شخصی جایز نیست که روزه اش را بخورد، این شخص باید روزه اش را تاوقت غروب ادامه و روزه خویش کامل نماید، زیرا روزه عبادتی است که نسبت به حالت حضر و سفر مختلف است، و هرگاه این دو (حضر و سفر) با هم جمع شوند، حکم حضر بر سفر غالب می‌گردد. (برای مزید

رمضان المبارک

معلومات مراجعه فرماید : به «حاشیه ابن عابدین» (431/2). ولی در مذهب امام احمد برای این شخص جایز است که هرگاه روزه دار در اثنای روز سفر کرد روزه اش را بخورد. (برای مزید معلومات مراجعه فرماید : به کتاب: «المغنی» (345/4).

اما قول راجح همان رای امام احمد است، به دلیل عمومیت فرموده الله تعالی: «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ» (بقره : 184). «و کسانی از شما که بیمار یا مسافر بودند (و روزه نگرفتند، به اندازه آن روزها) چند روز دیگری را روزه گیرند». و نیز به دلیل حدیث جابر بن عبدالله رضی الله عنه که گفت: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خَرَجَ عَامَ الْفَتْحِ إِلَى مَكَّةَ فِي رَمَضَانَ فَصَامَ حَتَّى بَلَغَ كُرَاعَ الْغَمِيمِ فَصَامَ النَّاسُ ثُمَّ دَعَا بِقَدْحٍ مِنْ مَاءٍ فَرَفَعَهُ حَتَّى نَظَرَ النَّاسُ إِلَيْهِ ثُمَّ شَرِبَ فَقِيلَ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ إِنَّ بَعْضَ النَّاسِ قَدْ صَامَ؟ فَقَالَ: «أُولَئِكَ الْعُصَاةُ، أُولَئِكَ الْعُصَاةُ» وَفِي لَفْظٍ: فَقِيلَ لَهُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ شَقَّ عَلَيْهِمُ الصِّيَامَ وَإِنَّمَا يَنْظُرُونَ فِيمَا فَعَلْتَ فِدَعَا بِقَدْحٍ مِنْ مَاءٍ بَعْدَ الْعَصْرِ فَشَرِبَ». (رواه مسلم). یعنی: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در سال فتح مکه در ماه رمضان بسوی مکه رفت و روزه گرفت و مردم نیز روزه داشتند، تا به (جایی بنام) کراء الغمیم رسید، آنگاه کاسه آبی خواست، و آن را بلند کرد؛ تا مردم به ایشان نگاه کنند، سپس نوشید، بعد از آن به ایشان گفتند: برخی از مردم روزه گرفتند، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «آنان نافرمان هستند، آنان نافرمان هستند، آنان نافرمان هستند». و در روایتی دیگر آمده: به ایشان گفته شد: مردم روزه برایشان دشوار است، منتظرند ببیند شما چکار می کنید، بعد از عصر بود که کاسه ی آبی را خواست و نوشید. مسلم روایت کرده است.

که در این روایت مشاهده می شود با وجود آنکه مردم تا وقت عصر روزه بودند ولی پیامبر صلی الله علیه وسلم در آن هنگام – به دلیل سفر- روزه خود را می خورد.

نظر شیخ الاسلام ابن تیمیه:

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله در مورد اینکه : «هرگاه کسی در اثنای روز سفر کند آیا خوردن روزه برایش جایز است یا خیر ؟ میفرماید :

دو قول مشهور علما در این مسئله وجود دارند که از امام احمد هر دو قول روایت شده، ولی ظاهرتر آنها اینست که: برای او جایز است، همانطور که در سنن ثابت شده که هرگاه یکی از صحابه در روز به سفر می رفت روزه را می خورد و یادآور می شد که آن جزو سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم است، و در صحیح (بخاری) از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده که او نیت روزه در سفر داشت و سپس خواست که کمی آب برایش آورند او نیز روزه اش را خورد درحالیکه مردم وی را می دیدند». (برای معلومات مزید مراجعه شود به مجموع الفتاوی (212/25).

اما باید توجه کرد که خوردن روزه تا زمانی برایش جایز نیست ، تا که به سفر خویش اغز نه نموده باشد و برای این شخص جایز نیست که در محل اقامتش روزه اش را بشکند.

شیخ ابن عثیمین در (الشرح الممتع (218/6). مینویسد :

رمضان المبارک

«صحیح آنست که او نباید روزه را بخورد تا آنکه شهر را ترک کند، زیرا او اکنون در سفر نیست هرچند که نیت سفر را دارد، و بخاطر این نیت برای او جایز نیست که (نمازش) را قصر کند تا آنکه از شهر خارج می گردد، و همینطور جایز نیست تا روزه را بشکند تا آنکه از شهر خارج می شود».

حمل :

زنان که حامله اند و میدانند که به گرفتن روزه برای حمل و خود آن ضرر میرسد مکلف به گرفتن روزه نیستند.

ارضاع :

اگر زن شیرده گمان غالب کند که در صورت روزه گرفتن ضرر شدید به طفل وی خواهد رسید اجازه دارد روزه نگیرد. صرف قضای روزه بر آنها فرض است. از انس بن مالک کعبی (رض) روایت شده که رسول الله علیه السلام فرموده است: «إن الله عزوجل وضع عن المسافر الصوم و شطر الصلاة و عن الحبلی و المرضع الصوم» (خداوند عزوجل برداشته از مسافر روزه و نصف نماز را و از زن حامله و شیرده روزه را) (احمد ، ابو داود ، ابن ماجه ، ترمذی)

امام ابو حنیفه (رحمة الله علیه) میفرماید: اگر زنی حامله یا شیرده از روزه گرفتن بترسد جایز است افطار کند فرق نمی کند که خوف او بر خودش و طفل اش و یا تنها بر خودش و یا تنها بر طفل اش باشد، و در صورت که قدرت یافت صرف بر او قضاء لازم است نه فدیة، همچنان پیهم روزه گرفتن در ایامی که قضا می کند بر او لازم نمی باشد. این حکم برای زنی که فرزند خود را شیر میدهد وزنی که برای شیر دادن اجیر شده فرقی ندارد زیرا اگر مادر طفل باشد شیر دادن به اساس دیانت بر او واجب است و اگر اجیر باشد شیر دادن به اساس عقد بر او واجب شده است.

حائض و نفاس در رمضان :

زنائیکه به دوره حیض و نفاس باشند جواز ندارد که روزه دار گردند. اگر زن حائض وزنی که در نفاس است روزه بگیرند، روزه آنها صحیح نیست؛ چون یکی از شروط صحت روزه، پاکی از حیض و نفاس است و بر آنها قضا واجب است.

در حدیث از بی بی عایشه (رض) روایت است: «کنا نحیض علی عهد رسول الله (ص) فنؤمر بقضاء الصوم و لا نؤمر بقضاء الصلاة» « ما در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم به حیض می افتادیم، به مادستور داده می شد که تنها روزه را قضا کنیم نه نماز را» (صحیح سنن الترمذی : ۶۳۰)، (صحیح مسلم : ۳۳۵/۲۶۵/۱)، (سنن ابو داود ۲۵۹ و ۲۶۰/۴۴۴/۱) زن هر زمانیکه از دوره خلاص شدند به تجدید نیت به گرفتن روزه اقدام نمایند.

زنانه حائضه و نفساء روزه فوت شده شانرا بعد از رمضان قضا می آورند. (اگر دوره نسائی اش قبل از فجر صورت گیرد میتواند اول نیت و بعداً به گرفتن روزه اقدام

رمضان المبارک

نماید و اگر دوره نسائی آن بعد از فجر صورت گیرد در صورتیکه خواسته باشد میتواند در همان روز از خوردن و نوشیدن ابا و ورزد. ولی روزه آن درست نبوده باید به قضاء آن مبادرت نماید. (قابل تذکر است آنکه از زنانیکه مریض به جریان دم متداوم مبتلا اند (خارج از ایام حیض و نفاس) میتوانند روزه بگیرند. حتی نماز پنج گانه را بشرط آنکه برای هر نماز وضو جداگانه نماید، اداء نماید.

اگر زن فقط يك لحظه قبل از شام حیض یا نفاس ببیند روزه اش باطل گردیده و باید آنرا قطع کند. اگر خون حیض یا نفاس برای لحظه یی هم قطع شود برای روزه نیت کند هر چند غسل را کمی به تأخیر اندازد. تبصره: باید دانست اگر روزه انسان فاسد شود باید از خوردن، نوشیدن و سایر شکننده های روزه به جهت احترام رمضان خود داری کند اما این حکم بر ای حائض و نفاس تطبیق نمیشود بلکه بروی لازم است که خوردن و نوشیدن خود را از چشم مردم پنهان نماید.

استعمال تابلیت های برای جلوگیری عادت ماهانه :

برخی از خواهران غرض جلوگیری از عادت ماهانه تابلیت های مخصوصی را غرض دفع خونریزی استفاده مینمایند. به این تعداد از خواهران باید گفت: پروردگار با عظمت ما حیض را برای دختران آدم قرار داده است و برای این دوره ماهانه حکمی، طوریکه فوقاً بدان اشاره نمودیم مقرر داشته است، پس زنانیکه که دوره حیض و نفاس و عادت ماهانه باشد، باید از گرفتن روزه اجتناب کنند، و نباید با خوردن تابلیت ها و استفاده از وسایل دیگر که فطرت خلقت را بر هم زند، پناه ببرند. زیرا این عمل از یک طرف ضرر برای سلامتی جسمی زنان ببار میآورد، و از طرف دیگر هیچ ثوابی از گرفتن روزه نصیب شان نمیگردد.

شدت گرسنگی و تشنگی :

اگر روزه دار از شدت گرسنگی به خطر زندگی یا خطر فتور در عقل باشد میتواند روزه نگیرد.

ترس از هلاکت :

اگر به علت محنت و مشقت احتمال مردن، یا ظالمی بر کسی جبر کند که اگر روزه گرفتی تر خواهم گشت یا به سختی ترالت و کوب خواهم کرد و یا یکی از اعضای بدن ترا قطع خواهم کرد، اجازه است که روزه نگیرد.

بی هوشی :

اگر بیهوشی بر کسی طاری گردد و چند روز دوام کند. در این صورت قضای روز های که مانده واجب است.

جنون :

اگر جنون بر کسی طاری گشت و از آن هیچ وقت بهبود نمی یابد از گرفتن روزه معاف است، قضا و فدیة واجب نمی باشد ولی اگر بهبود یافت، قضا بر وی واجب است.

تبصره :

اگر مریض و مسافر با گرفتن روزه دچار مشقت نشوند، روزه گرفتن بهتر است و اگر دچار مشقت شوند بهتر آن است که روزه نگیرند. در حدیث شریف از ابو سعید خدری (رض) روایت است: « با پیامبر صلی الله علیه وسلم در ماه رمضان به جنگ با کفار رفتیم بعضی از ما روزه بودن و بعضی دیگر روزه نبودند بدون اینکه از همدیگر ایراد بگیرند و معتقد بودند کسی که توانایی روزه دارد اگر روزه بگیرد بهتر است و کسی که توانایی روزه را ندارد بهتر آن است که روزه نگیرد» (مسلم ۱۱۱۶ - سنن الترمذی ۲/۷۸۷/۶۹) ، (سنن الترمذی ۲/۱۰۸/۷۰۸)

حالاتی که شکستن روزه در آنها جایز است :

حمله ناگهانی مرض که خطر مرگ را دربر داشته باشد و یا حوادث ترافیکی توأم با خطر باشد. اگر کسی ناگهان مریض شود و یا در صورتیکه روزه خود را نشکند خطر شدت بیماری او را تهدید میکند جواز دارد روزه خود را بشکند. اگر کسی را مار و یا گزدم گزید و ضرورت به دوا باشد میتواند روزه خود را بشکند.

شروط روزه :

اول اسلام : یکی از شرایط روزه همانا مسلمان بودن است. کسانی که از دین اسلام برگردند روزه آنان باطل است و در صورت رجعت دوباره به دین مبین اسلام میتوانند به قضا روزه اقدام نمایند:

دوم نیت :

« إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ عَمَلٍ مَّا نَوَى » « قبول و صحت اعمال با نیت است ، پذیرش و پاداش هر عمل بستگی به نیت آن دارد» معنای نیت اراده کردن در قلب میباشد . در (آیه 88 و 89 سوره شعراء) پروردگار با عظمت ما میفرماید : « يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ » (در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی بخشند، مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه پروردگار آید)

قبل از همه باید گفت ، روزه بدون نیت درست نمی باشد. روزه دار باید در شب (آغاز از غروب آفتاب الی طلوع آفتاب یا فجر) نیت روزه را بعمل آرد. طوریکه گفتیم نیت به معنی قصد قلبی است و ضروری نیست که الفاظ نیت به زبان آورده شود. محل نیت همان قلب است .

نیت روزه میشود از آغاز شهر رمضان آغاز والی اخیر ماه رمضان ادامه یابد. ضرورت به تجدید همه روزه آن نیست. ولی اگر روزه به اثریکی از عذرهای شرعی مقطوع گردد ضرورت است که به آغاز دوباره نیت روزه نیز تجدید بعمل آید. اگر قرار باشد که روزه دار نیت هر روز میواید تجدید کند ، پس لازم است ، نیت قبل از طلوع فجر مطابق حدیث که از حفصه روایت گردیده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است : « من لم یجمع الصیام قبل الفجر فلا صیام له » (کسی که قبل از طلوع فجر نیت روزه

رمضان المبارک

نکند روزه اش صحیح نیست) . (صحیح مسلم : [ص. ج 6538]، د (7/122/2437)، ترمیزی (2/116/726)، نسایی (4/196).

(نیت به هر زبان که شخص میخواد میتواند آنرا بجا آورد. نیت تنها به الفاظی عربی شرط نیست.)

اگر شخصی در شب نیت میکند بگوید : « وِبِصَوْمِ غَدٍ نَوَيْتُ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ » (ومن نیت کردم برای فردا روزه ماه مبارک رمضان را) و شخصی که در روز نیت میکند بگوید : « نَوَيْتُ وَبِصَوْمِ الْيَوْمِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ » (من نیت کردم برای امروز روزه ماه مبارک رمضان را).

برای مسافر ضرور است که در رمضان نیت کدام روز و واجب را ننماید ، اگر نیت روزه فرض رمضان را کند یا نیت روزه نفلی را در هر صورت درست است. کسیکه روزه قضای رمضان المبارک را میگیرد ، ضرور است که بطور معین نیت روزه فرض را بنماید.

اگر شخصی در شب نیت روزه را فراموش کند و در روز بیداش آید باید گفت که در سه نوع روزه نیت کردن تا قبل از زوال آفتاب صحیح میباشد که عبات اند از : « روزه رمضان المبارک ، روزه های نذر که روز یا تاریخ آن معین گردیده باشد ، روزه نفلی ».

در چهار نوع روزه نیت کردن از غروب آفتاب تا طلوع صبح صادق ضرور بوده و پس از طلوع صبح صادق نیت کردن کافی نمی باشد و این روزه ها عبارت اند از : « روزه قضایی رمضان المبارک ، روزه های نذری که روز و تاریخ آن معین نشده باشد ، روزه های کفاره ، روزه های قضایی روزه نفلی که پس از آغاز به علتی فاسد شده باشد. »

اگر شخصی در شب بنا بر دلیلی اراده روزه گرفتن را نداشته و در صبح هم به فکر روزه نگرفتن باشد ، سپس قبل از زوال آفتاب فکر کند ترك روزه رمضان درست نیست و گناه دارد و نیت کند روزه اش صحیح میباشد ، اما اگر چیزی خورده باشد ضرورت به نیت نمی افتد.

فرائض روزه :

در روزه از نمودار شدن صبح صادق تا غروب آفتاب کناره گیری کردن از سه چیز فرض است : (امتناع از خوردن ، امتناع از نوشیدن ، امتناع از لذت جنسی)

سنن و مستحبات روزه :

سحری کردن اگر چه به دانه خرما باشد ، خوردن سحری در اخیر وقت مستحب است طوری که چیزی وقت به صبح صادق مانده باشد. نیت روزه در شب مستحب است ، عجله در افطار پس از غروب آفتاب تاخیر نکردن در افطار مستحب است . افطار با آب و خر

رمضان المبارک

ما مستحب بوده . روزه دار باید در ماه مبارک رمضان از : غیبت ، سخن چینی ، در غگوی ، غالمغال ، قهر و ظلم ، امتناع بعمل آرد .

وقت روزه :

وقت روزه فرضی و یا روزه شرعی، به حکم قرآن از طلوع صبح صادق آغاز و تا غروب آفتاب ادامه می یابد . چنانچه در (آیه 187 سوره بقره) آمده است :

« وکلوا واشربوا حتی یتبین لکم الخیط الابيض من الخیط الاسود من الفجر ثم اتموا الصیام الی الیل » (تا آن وقت بخورید و بنوشید که خط سفید از خط سیاه خوب نمایان و آشکار شود و باز روزه را تا اول شب به اتمام رسانید و آنرا بگیریید .) ولی در کشور هایکه آبر الود اند و تعیین وقت در آن دشوار است فتوای علما است که افطار به وقت محلی نزدیکترین کشور اسلامی صورت می پذیرد .

روزه گرفتن در شب جواز نداشته خداوند (ج) شب را برای استراحت افریده « هو الذی جعل لکم اللیل لتسکنوا فیه والنهار مبصراً إن فی ذالک لآیات لقوم یسمعون » (سوره یونس آیه 178)

سحری « پس شب » و افطار :

پیامبر اکرم (ص) فرموده است : « سه امر از جمله اخلاق پیامبرانه میباشد : « تاخیر در سحری ، تعجیل در افطار ، در نماز دست راست را بر چپ گذاشتن » پیامبر اسلام میفرماید : « سحری بخورید ، زیرا در خوردن سحری برکت است : برای روزه گرفتن روز از خوردن سحری کمک بگیرد و برای قیام لیل (تهجد) از خوابیدن بعد از ظهر کمک حاصل کنید . »

برای روزه دار مستحب است که با خرما تازه افطار کند و در صورت عدم موجودیت آن با آب افطار نماید و در زمستان میتواند با خرما خشک و در صورت عدم موجودیت آن با آب افطار کند تا معده آماده گردیده و غذایی را که بعداً خورده میشود بتواند هضم نماید . پس از آنکه شخص با خرما یا آب و غیره افطار کرد نماز شام را میخواند و بعد از آن غذا میخورد و پیامبر (ص) فرموده است : « إذا أفطر أحدکم فلیفطر علی تمر ، فإن لم یجد فلیفطر علی ماء فإنه طهور » « چون افطار کند یکی از شما پس افطار کند با خرما ، پس چون نیافت پس افطار کند با آب زیرا پاک کننده است » (متفق علیه) برای روزه دار عجله در افطار و تاخیر در سحری افضل میباشد زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است : « لا تزال أمتی بخیر ما أخرجوا السحور و عجلوا الفطور » « همیشه امت من به خیر باشند تا وقتی که به تاخیر اندازند سحری را و شتاب کنند در افطار » .

دعای افطار :

« اللهم لك صمت و علی رزقك افطرت » (خداوند ! من برای تو روزه گرفتم و از رزقی که تو نصیب کرده ای افطار نمودم) (روای حدیث شریف : ابوداود) .

ویا این دعا :

« بسم الله والحمد لله ، اللهم لك صمت وعلى رزقك افطرت وعلیک تو کلت سبحانک وبحمدک ، تقبل منی ، انک انت السميع العليم »

دعا بعد از افطار :

« ذهب الظماء وابتليت العروق وثبت الاجر ان شاء الله » (تشنگی زایل شد، رگ ها سیراب گشت، و اگر خداوند خواست اجر نیز خواهد رسید.) (روای حدیث شریف : ابوداود).

ثواب افطار دادن :

اگر شخصی به روزه دار افطار دهد انقدر اجر و ثواب کمایی می کند که نصیب روزه دار میشود ، هر چند افطاری مذکور چند لقمه نان یا یک خرما باشد. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است : « شخصی که روزه داری را افطاری دهد او را اجر و ثواب مانند روزه دار است » (بیهقی).

حکم آذان برای افطار در رمضان

ما مسلمانان که در کشور های غربی زندگی بسر میبریم وبسیاری ما مسلمانان از نعمت شنیدن آذان مانند آذان در جوامع اسلامی محروم هم هستیم ، و به این ترتیب کمبود بزرگی را احساس نموده، مشتاق شنیدن آذان و کلمات شریفین آن از منار های مسجد هستیم ، این اشتیاق در ماه مبارک رمضان بیشتر میگردد. واقعیت چنین است که درین کشور های مقیم و جوامع که مردم آن بیشتر مسیحی اند زیادتیر اوقات حالاتی پیش می آید که در وقت افطار ، صدای زنگ کلیسا را میشنویم .

بسیاری از مسلمانان وبخصوص افغانها محترم ما در کشور های غربی ، عادت دارند که افطار را به آذان می آغازند و آذان را برای افطار شرط میدانند. میخواهم خدمت خواننده گرامی بعرض برسانم که آذان برای افطار در دین مبین اسلام شرط نبوده و روزه دار بدون آذان میتواند روزه خویش را هم افطار نماید. این بدین معنی است که شنیدن آذان جهت افطار برای روزه دار شرط نیست، بلکه آذان اعلامی است جهت انجام عبادت نماز در وقت خاص خود، که چون افطار در هنگام آذان مغرب است، لذا آذان نشانه ای برای جواز افطار روزه دار شده میتواند ، ولی لازم و شرط نیست که روزه دار تا زمانیکه صدای آذان مغرب را نه شنود ، نباید افطار کند. برای روزه دار کفایت که ساعت مغرب و اینکه که آیا وقت نماز مغرب رسیده است یا خیر، با مطمئن شدن از این امر روزه دار میتواند روزه اش را افطار نموده ، وبعد از آن با ادای نماز مغرب خویش پردازد .

وقت آذان مغرب بعد از غروب کامل آفتاب بوده ، وخوشبختانه که بشر امروز به چنان امکانات پیشرفته تخنیکی والکترونیکی دست یافته، که این مشکل تا حد ممکن برای مسلمانان بخصوص در جوامع غیر اسلامی ویا غربی نیز حل گردیده. همچنان خوشبختانه بسیاری از مراکز اسلامی جنتری های اسلامی وتقویم های شرعی را قبل از ماه مبارک

رمضان المبارک

رمضان به طبع رسانیده و بدسترس مسلمانان قرار میدهند، که در این کار امکاناتی خوبی در اختیار مسلمانان قرار میدهد.

افطار قبل از نماز مستحب است

مستحب است قبل از نماز خواندن ابتدا روزه ی خود را با خوردن چند عدد خرما یا آب باز کرد بعداً به ادای نماز پرداخت.

در حدیث که از انس (رض) روایت گردیده آمده است: (کان رسول الله صلی الله علیه وسلم یفطر علی رطبات قبل أن یصلی، فإن لم تكن رطبات فعلی تمرات، فإن لم تكن حسا حسوات من الماء) «پیامبر صلی الله علیه وسلم قبل از آنکه نماز مغرب را بخواند با چند خرما ی رطب افطار می‌کرد، اگر خرما ی رطب نبود چند خرما ی خشک و اگر خرما ی خشک نبود، چند جرعه آب می‌نوشید». (حدیث شماره 2339 ابوداود)

در ضمن باید گفت: اگر احياناً حالت پیش آید که افطار بعد از اذان صورت گیرد، روزه دار گناهی را مرتکب نشده ولی همینقدر باید گفت که ترک سنت کرده و فضیلتی را از دست داده است در حالیکه می تواند حداقل مقدار کمی آب بنوشد و بعد نماز بخواند و این امر بسیار سهل و آسان است.

وقت افطار مؤذن در رمضان

در نزد بسیاری از مسلمانان این سوال مطرح است که: مؤذن اول افطار کند و بعد اذان دهد و یا بعد از اذان خودش افطار نماید؟ در مورد باید گفت: معیار و ملاک اصلی برای شروع و جواز افطار، در حقیقت غروب آفتاب، چنانکه پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِذَا أَقْبَلَ اللَّيْلُ مِنْ هَهْنَا وَأَدْبَرَ النَّهَارُ مِنْ هَهْنَا وَغَرَبَتِ الشَّمْسُ فَقَدْ أَفْطَرَ الصَّائِمُ» بخاری (1954) و مسلم (1100). یعنی: هر گاه شب از این سمت (مشرق) شروع شود و روز از این سمت (مغرب) به پایان برسد و آفتاب نیز غروب کند وقت افطار روزه دار فرا رسیده است.

از طرفی دیگر یکی از سنتهای نبوی در امر روزه اینست که در افطار آن تعجیل شود، چنانکه از سهل بن سعد روایت شده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا عَجَّلُوا الْفِطْرَ». (بخاری: 1957)

یعنی: «مردم تا زمانی در خیر، بسر میبرند که در افطار نمودن، عجله کنند». (یعنی بلا فاصله پس از غروب آفتاب، افطار نمایند).

ابن عبدالبر رحمه الله می گوید: «از جمله سنت (نبوی) تعجیل در افطار و تاخیر در سحری است، و تعجیل باید پس از اطمینان از ناپدید شدن آفتاب باشد، و برای کسی که شک دارد که آیا آفتاب ناپدید شده یا خیر؟ جایز نیست افطار کند، زیرا (عبادت) فرض به یقین نیاز دارد و جز با یقین خارج نمی گردد». (التمهید) (21 / 97 ، 98).

و اما مؤذن:

اگر روزه داران منتظر اذان مؤذن هستند تا هرچه زودتر افطار کنند، در اینحالت باید بدون تاخیر به اذان گفتن مبادرت ورزد تا موجب تاخیر افطار مردم نشود، چرا که تاخیر افطار

رمضان المبارک

خلاف سنت نبوی است. مگر آنکه مؤذن به خوردن یا نوشیدن چیز ساده ای قناعت کند - مانند نوشیدن اندکی آب - که در اینحالت ایرادی ندارد و سپس اذان دهد. اما اگر کسی منتظر اذان او نیست، مثلاً مؤذن به تنهایی در صحرایی است و فقط برای خودش اذان می دهد، و یا برای دسته ای از مردم که نزد وی حضور دارند اذان می دهد (مانند دسته ای از مسافریں) در اینحالت ایرادی ندارد که قبل از اذان افطار کند، زیرا همراهانش با خود مؤذن می توانند افطار کنند و منتظر اذانش نیستند، و بعداً مؤذن اذان داده و نمازشان را بخوانند.

حکم روزه در کشورهای اسکاندونی:

روزه ماه مبارک رمضان یکی از ارکان اسلام است که حکم آن توسط کتاب و سنت و اجماع امت اسلام ثابت شده است، و بر هر مسلمان بالغ و عاقلی واجب و فرض است تا رمضان را روزه بگیرد، و برای او جایز نیست که بدون عذر شرعی مانند مریضی یا مسافرت و یا حاملگی و شیردادن به نوزاد روزه اش را بخورد.

بنابراین بر مسلمانان واقع در کشورهای اسکاندیناوی و یا سایر کشورهای نیز مانند هر مسلمان دیگری روزه ماه رمضان واجب و فرض است و بایستی تکلیف شرعی خود را بنحو احسن انجام دهند، و ان شاءالله به دلیل سختی روزه آنها اجر و ثواب بیشتری خواهند برد. اما اینکه در برخی کشورهای از جمله در کشورهای (ناروی، سویدن، دنمارک و فنلاند) ، وضعیت طوری پیش می آید که :

چندین روز آفتاب طلوع و یا غروب نمی کند، و یا در این کشورها روزها طولانی و شب بی نهایت کوتاه می باشد ولی از هم متمایز باشند، پس حکم خواندن نماز و روزه در این کشورها مانند بقیه کشورهای است یعنی از طلوع فجر صادق روزه را شروع میکنند و پس از غروب آفتاب روزه را میشکنند، هر چند شب بسیار کوتاه و روز طولانی باشد. وقت سحر و افطار به نص صریح قرآن عظیم الشان بیان گردیده و از : طلوع صبح صادق آغاز و تا غروب آفتاب ادامه می یابد .

« وکلوا واشربوا حتی یتبین لکم الخیط الابيض من الخیط الاسود من الفجر ثم اتموا الصیام الی الیل » (تا آن وقت بخورید و بنوشید که خط سفید از خط سیاه خوب نمایان و آشکار شود و باز روزه را تا اول شب به اتمام رسانید و آنرا بگیرید.) (آیه 178 سوره بقره)

خواهر و برادر مسلمان !

ولی در برخی از کشورهای وضعیت طوری می باشد که اندازه روز و شب از هم متمایز نمی باشد پس وظیفه مسلمانان است که در ماه مبارک امساک و افطار روزه خویش را مطابق امساک افطار کشورهای همچوار و یا نزدیکترین کشوری به آنها که ساعات شب و روزش 24 ساعته و از هم متمایز است را معیار خویش قرار دهند و همراه آنها روزه را آغاز و پایان دهند، و دلیلش آنست که در یکی از روزها پیامبر صلی الله علیه و سلم برای اصحاب کرام خویش حدیث آمدن دجال قبل از قیامت را بازگو میکرد، به صحابه گفت ابتدا که دجال ظهور میکند روز اول مانند یکسال بطول میانجامد، و روز دوم به اندازه یکماه، و روز سوم به

رمضان المبارک

اندازه یک هفته، و بقیه روزها مانند روزهای معمولی سپری میشود، سپس صحابه سؤال کردند که آیا آن روزی که برابر با یکسال میباشد آیا کافی است که فقط 5 نماز فرض را ادا کرد؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم در جواب فرمودند: خیر، بلکه باید اوقات را اندازه گیری کنند و هر نماز فرض را سر وقت بخوانند. در نتیجه اوقات روزه نیز باید اندازه گیری شود. همچنان برخی از علماء ارشاد فرموده اند: مسلمانان: که در کشور های زندگی میکنند و اندازه روز و شب از هم متمایز نمی باشد، میتوانند امساک و افطار خویش را مطابق امساک و افطار کشور عربستان سعودی تنظیم نمایند. و یا هم اگر یک فرد مسلمان در صورتیکه توانمندی، و امکانات آنرا داشته باشد در این ماه مبارک به مکه مکرمه و یا مدینه منوره سفر نموده و روزه ماه مبارک رمضان در آنجا بعمل آرد که به یقین فضیلت بسیار دارد.

امور باطل کننده روزه:

در باب مبطلات روزه آمده است: هر آنکسیکه بدون عذر شرعی روزه را بخورد، اگر تمام عمر روزه هم بگیرد ثواب انروز را بدست نخواهد آورد.

امور که روزه را باطل می سازد عبارتند از:

- ۱- جماع در روز.
- ۲- انزال منی بشکل عمدی. (ولی اگر انزال در خواب صورت گیرد روزه اش فاسد نمی گردد.)
- ۳- رسیدن چیزی (جامد باشد و یا مایع) به معده بطور عمدی باشد و یا غیر قصدی.
- ۴- استعمال سگرت و یا سایر دخانیات.
- ۵- گرفتن دواء از همه طرق موصوله به معده.

مکروهات روزه

اموری که روزه را مکروه می سازد عبارتند از:

لب زدن و یا در دهن گرفتن لب زن و یا برهنه ملاحظه کردن هر چند خطر انزال و جماع هم نباشد مکروه است.

انجام اموری که اندیشه انسان را انقدر ضعیف سازد که موجب شکستن روزه شود مکروه است.

بیش از ضرورت شستن دهن و بینی بدون دلیل لعاب دهن را جمع کردن و آنرا فرو بردن.

اظهار بی قراری، اضطراب و اضمحلال.

به غسل ضرورت داشته و موقع آن نیز میسر باشد، اما بدون دلیلی تأخیر کرده و بعد از صبح صادق غسل کند.

رمضان المبارک

چیز های مانند پودر دندان ، کریم دندان ، زغال وغیره را در دهن نگهداشتن و آنرا با دندان فشار دادن. غیبت کردن ، دروغ گفتن ، دشنام دادن ، غالمغال ، لت وکوب نمودن و بر کسی ظلم کردن. قصداً گرد و غبار را در حلق جمع کردن روزه را مکروه می سازد.

فدیه چیست :

اگر شخصی بنا بر معاذیری از گرفتن روزه (مانند مریضی که روزه گرفتن برایش خطرناک است و امید بهبودی و علاج وی نمی رود و یا مانند پیرمرد یا پیرزنی (شیخ فانی) که از لحاظ جسمی و صیحه به شدت ناتوان شده و گرفتن روزه برایش ناممکن باشد) باید بجای روزه گرفتن) فدیه دهد یعنی در مقابل هر روز از روزه ماه رمضان یک نفر را طعام دهد، به دلیل فرموده الله تعالی: « وَ عَلَيَّ الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فُدْيَةً طَعَامًا مَسْكِينًا » (بقره : 184) و همچنان بر اساس حکم حدیثی که حضرت ابن عباس روایت گردیده است :

« رخص للشيخ الكبير والعجوز الكبير في ذلك وهما يطيقان الصوم أن يفطرا إن شاء ، ويطعما كل يوم مسكينا ، ولا قضاء عليهما ، ثم نسخ ذلك في هذا الايه « فمن شهد منكم الشهر فليصمه » وثبت للشيخ الكبير والعجوز الكبير إذا كان لا يطيقان الصوم والجلي والمرضع إذا خافتا أفطرتا ، وأطعمتا كل يوم مسكينا» « به پیر مرد و پیر زنی (شیخ فانی) که توانایی روزه گرفتن را ندارند برایشان جایز ، در صورتیکه خواسته باشند ، روزه نگیرند و در مقابل هر روز ، مسکینی را غذا بدهند» و قضای روزه بر آنها لازم نیست ، سپس ؛ این حکم با آیه « فمن شهد منكم الشهر فليصمه » نسخ شد ولی (آن حکم) برای پیر مرد و پیر زنی که توانایی روزه گرفتن را ندارند ثابت مانده است .

همچنین زن حامله و شیرده ای که (بر حال خود یا طفل خود) بیم دارند می توانند روزه نگیرند و در بدل هر روز، يك مسكين را طعام دهند « (بیهقی : ۲۳۰/۴)

همچنین از ابن عباس روایت است : « إذا خافت الحامل على نفسها ، والمرضع على ولد ها في رمضان قال : يفطران ، ويطعمان مكان كل يوم مسكينا ، ولا يقضيان صوما » « اگر زن حامله از ضرر به جان خود و زن شیرده از ضرر به طفلش بیم داشت ، می توانند روزه رمضان را نگیرند و به جای هر روز مسکینی را طعام دهند و قضای روزه بر آنها لازم نیست « (صحیح البانی در کتاب الارواء) (۱۹/۴) این حدیث را به طبری (۸) (۲۷۵) نسبت داده و گفته است : سند آن به شرط مسلم صحیح است (

مقدار طعام واجب :

در حدیثی از انس بن مالک روایت است : « أنه ضعف عن الصوم عما فصنع جفنة ثريد ودعا ثلاثين مسكينا فاشبعهم » « او سالی دچار ضعف شد بطوریکه نتوانست روزه بگیرد ، پس کاسه ای ترید گوشت درست کرد و سی مسکین را دعوت و آنها را سیر کرد » (الاروا 206 - 4) ، (دارقطنی : 16 - 207 - 2)

تبصره :

رمضان المبارک

فدیه شامل ، طعام ، غله ، و قیمت آن هم می‌گردد ، مقدار فدیه به اندازه صدقه فطر است ولی اگر شخص از مرض بهبود یابد ، قضائی روزه فوت شده بر او واجب است ، خداوند پاک در مقابل فدیه او اجر و ثواب نصیب اش می‌گرداند. در غذا دادن (صبح و شام) معیار حد وسط غذایی میباشد که خود شخص در زندگی عادی خویش می‌خورد.

قضاء روزه :

معنای قضاء عبارت از يك روز روزه گرفتن بعد از ماه رمضان بجای يك روز روزه‌ی که در ماه رمضان باطل گردیده ، میباشد.

قضای ماه مبارک رمضان

قضای روزه ماه مبارک رمضان واجب نیست که بعد از ختم ماه مبارک رمضان بصورت فوری ادا گردد ، بلکه هر وقت سال که برایش ممکن بود در ادای قضای آن اقدام نماید . همچنان در ادای کفاره هم واجب نیست که عجله صورت گیرد . در حدیث صحیح از حضرت عایشه (رض) نقل شده است، که او روزه ماه رمضان را در ماه شعبان قضا می‌کرد. فوراً و بمدض اینکه توانائی قضای آنرا می‌یافت، آن را قضا نمی‌کرد. روزه قضا، برابر است با روزه ادا. بنابراین هرکس چند روزه را افطار کرده باشد، همان تعداد روزه را قضا می‌کند، بدون اینکه چیزی بر آن بیفزاید. با این تفاوت که در روزه قضا تابع و پشت سرهم آمدن لازم نیست. چون پروردگار با عظمت ما می‌فرماید: «ومن كان مريضاً أو على سفر فعدة من أيام أخر» (یعنی هرکس مریض باشد یا به سفر رفت و افطار کرد بجای آن روزها، که بعلت مریضی و یا مسافرت افطار کرده است، بتعداد روزهایی که افطار کرده است، چند روز دیگر را روزه بگیرد، خواه آن روزها پشت سرهم باشد یا نباشد. زیرا خداوند متعال بطور مطلق گفته است نه بطور مقید).

دارقطنی از ابن عمر روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم درباره قضای روزه رمضان فرموده است: «إن شاء فرق، وإن شاء تابع» (اگرخواست روزه قضا را پراکنده می‌گیرد یا آنها را پشت سرهم قضا می‌کند). اگر قضای روزه ماه رمضان را بتاخیر انداخت تا اینکه رمضان دیگری فرا رسد، در این صورت اول باید روزه ماه رمضان حاضر را بجاء ارد ، سپس قضای گذشته را بعد از ماه رمضان بجای می‌آورد و بروی فدیهای نیست، خواه این تاخیر یا عذر یا بی‌عذر باشد. و این رای برابر است با مذهب امام ابوحنیفه .

حسن بصری، امام مالک و امام شافعی و امام احمد و اسحاق می‌گویند: اگر تاخیر

رمضان المبارک

ضای روزه رمضان، تا موقعی که رمضان دیگری فرا می‌رسد با عذر باشد، فدیہ لازم نیست ولی اگر تاخیر بدون عذر باشد، اول باید باید رمضان حاضر را بگیرد سپس بعد از ماه رمضان روزه‌های رمضان گذشته را قضا کند و برای هر روز يك « مد » طعام فدیہ بدهد. این تعداد از علماء بر رای خویش دلیلی ندارند، که شایسته احتجاج باشد. بناً گفته می‌توانیم که در این مورد رای امام ابوحنیفه درست و صحیح می‌باشد، چه تشریح و قانونگذاری دینی تا نص صحیحی و صریحی نباشد جایز نیست.

حکم قضای عمری روزه

اشخاصیکه چندین سال را روزه نگرفته چطور میتواند قضاء خویش را جبریه کند؟ جواب دین در مورد همین است، که با تمام خلوص نیت از الله خویش سپاسگزار شود که او به راه راست را هدایت نمود و با توبه نصوص با خود صادقانه تعهد سپارد که به او امر دین مقدس اسلام ثابت قدم میماند.

علماء میگویند که دروازه توبه تا خروج آفتاب از مغرب قبل از روز قیامت و همچنین قبل از سکرات موت برای انسان باز میباشد و الله تعالی وعده داده است که توبه آنها را قبول کند. طوریکه میفرماید: « قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ » (سوره زمر آیه: 53) (بگو ای بندگان من که بر خود اسراف روا داشته اید از رحمت خدا نومید نشوید در حقیقت خدا همه گناهان را می‌آمرزد).

مراد از اسراف: افراط و زیاده‌روی در گناهان و ارتکاب بسیار آنهاست. این آیه امید بخش‌ترین آیه در قرآن عظیم الشان است زیرا مشتمل بر بزرگترین بشارت حق تعالی برای بندگان می‌باشد.

ولی اشخاصیکه: در سالهای قبلی زندگی خویش بدون عذر شرعی روزه نگرفته، قضاء آوردنش به او فایده ای نمی‌رساند و این بدان علت است که وقتی شخص بدون عذر شرعی، عبادت را از مدت و زمان تعیین شده به تاخیر بیاندازد، قضا آن از او قبول نمی‌شود به دلیل فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم که: « هر کسی عملی انجام دهد که امر ما بر آن نباشد، آن عمل مردود است »

و معلوم است که تاخیر عبادتی که دارای وقت معین است تا زمانی که وقت آن خارج شود بدون عذر شرعی، عملی است که امر الله و رسول بر آن نیست و در نتیجه مردود است و وقتی که مردود باشد انجام آن کار بیهوده است و فایده ای برای شخص ندارد. پس کسانی که عمداً عبادات دارای از وقت معین او به تاخیر می‌اندازند می‌گوییم: بر تو هیچ چیزی واجب نیست مگر اینکه به سوی الله توبه کنی یعنی توبه نصوص و اعمالت را صالح کنی و به زندگی ات روبرواری و از پروردگار ثابت ماندن بر آن چیزی که وی تو را به سوی آن هدایت داده

خواستار شوی

یادداشت :

پروردگار با عظمت ما راه نجات از آتش دوزخ را بندگان خویش نشان داده و در (آیه 8 سوره تحریم) میفرماید: « یا ایها الذین آمنوا توبوا الی الله توبۃ نصوحا » (ای کسانی که ایمان آورده اید ! به سوی خدا بازگردید و توبه کنید، توبه خالص)
اگر شخصی توبه و پشیمانی بدون بازگشت را از صمیم قلب بعمل آورد و احساس کند که واقعا از گذشته خود نادم و پشیمان گشته و راه خود را به سوی خداوند عوض کرده، باید بداند که اهل توبه واقعی است و اینچنین توبه ای هرگز رد نمی شود.

علماء در تعریف توبه نصوح گفته اند که:

توبه نصوح آن است که واجد چهار شرط باشد: پشیمانی قلبی، استغفار زبانی، ترک گناه، و تصمیم بر ترک در آینده.

کفاره چیست ؟

کفاره عبارت از جزای شرعی می باشد که پروردگار با عظمت ما آنرا بر کسیکه بعضی از جرایم از او سرزند تعیین فرموده است مانند وجوب کفاره بر قاتل یا کسیکه سوگندش را می شکند.

کفاره بر روزه دار وقتی واجب میشود که عمداً روزه خود را فاسد نماید مثلاً اینکه جماع کند.

کفاره دو ماه روزه پی در پی را میگویند، در صورتیکه در این دو ماه رمضان و روزه هایکه روزه در آن منع گردیده است نباشد. اگر به گرفتن دو ماه روزه نیز قادر نبود، به شصت مسکین طعام دهد. کفاره در روزه فرضی بوده در فساد روزه غیر رمضان کفاره وجود ندارد، اگر چه قضای رمضان هم باشد. دادن طعام به 60 مسکین، فقیر، محتاج، نه برای کسانی که نفقه ایشان بر او فرض باشد (مانند پدر، مادر، زن) همچنان میشود مقدار طعام را به پول نیز تادیه کرد و همچنان میتوان همان مسکین را برای 60 روز کامل طعام داد.

فقرا و غرباء که قادر با تادیه فدیہ نیستند ؟

فقرا و غرباء که قادر با تادیه فدیہ نباشند، برخورد شرع در مورد این اشخاص چه می باشد؟ در جواب باید گفت که دین مقدس اسلام انسان را مطابق به توانمندی اش در اجرای احکام مکلف ساخته است، و چیزیکه در توان شخص نباشد، شرع اسلامی آنرا در اجرای مکلف نمی سازد:

قرآن عظیم الشان این فورمول را با زیبایی خاصی چنین بیان داشته است: « لیسَ للانسان الاّ ما سعى) (برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست) بناً چیزیکه در توان انسان نباشد، آن شخص مکلف به اجرای آن نیست.

همچنان پروردگار با عظمت میفرماید: « لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا

رمضان المبارک

اَكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا اِنْ نَسِينَا اَوْ اٰخَطَاْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا اِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَيَّ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا اَنْتَ مَوْلَانَا فَاَنْصُرْنَا عَلَيَّ الْقَوْمِ الْكَافِرِيْنَ. » (پروردگار هیچ کس را جز به اندازه توانش مکلف نمی کند، هر کار نیکی که انجام دهد به سود خود کرده، و هر کار بدی که انجام دهد به زیان خود کرده است. پروردگار! اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم، ما را مگیر. پروردگار! بار سنگین بر ما مگذار آن چنان که بر کسانی که پیش از ما بودند گذاشته ای. پروردگار! آنچه تاب و توانش را نداریم بر دوش ما مگذار و از ما درگذر، و ما را بیمارز، و بر ما رحم فرما، تو سرور ما هستی، پس ما را بر قوم کافران پیروز گردان. بناً غریب و فقیری که توان پرداخت فدیة را نداشته باشد باید استغفار (استغفر الله) و توبه کند و از دادن فدیة هم معاف است.

نظر و آراء علماء :

و در این بخش نظر و آراء علماء را در مورد فقرا و غرباء که قادر با تادیبه فدیة نباشند غرض استفاده مزید قرار ذیل جمع بندی میدارم :

شیخ بن عثیمین رحمه الله در فتاوی صیام خویش در مورد مریض مزمنی که نه میتواند روزه بگیرد و نه میتواند فدیة بدهد مینویسد :

(مریض مزمن روزه دار) که نتواند (بعلت فقر) غذا بدهد (فدیة) از وی ساقط میشود، و همه واجبات اگر انسان قادر به انجام آن نباشد ساقط میشود، و اگر بجای آن بدیلی باشد آنرا انجام میدهد، ولی اگر بدیلی نداشته باشد ساقط میشود، و صحیحش آنست که (فدیة) ساقط میشود بر اساس قاعده مشهور (فقهی) که میگوید: « لا واجب مع العجز » یعنی « با ناتوانی واجبی نیست »

در حدیثی از ابوهریره رضی الله عنه روایت است: «در حالیکه نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم نشسته بودیم، مردی آمد و گفت: ای رسول خدا! هلاک شدم، (پیامبر صلی الله علیه وسلم) فرمود: چی شده، گفت: در حال روزه با همسرم آمیزش کردم، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود آیا می توانی برده ای را آزاد کنی؟ گفت نه، فرمود: آیا می توانی دو ماه پشت سر هم روزه بگیری؟ گفت نه، فرمود: آیا می توانی شصت مسکین را طعام بدهی؟ گفت نه، (ابوهریره) گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم مکثی کرد، آنگاه سبب بزرگی از خرما را برای پیامبر صلی الله علیه وسلم آوردند، فرمود: سؤال کننده کجاست؟ آن مرد گفت: من هستم. (پیامبر صلی الله علیه وسلم) فرمود: این را بگیر و (آن را بعنوان کفاره روزهات) صدقه بده، آن مرد گفت: به فقیرتر از خودم بدهم ای رسول خدا؟ به خدا قسم در تمام مدینه خانواده ای فقیرتر از خانواده من وجود ندارد. پیامبر صلی الله علیه وسلم خندید به گونه ای که دندان های نیشش نمایان شد، سپس فرمود: (با آن) خانوادهات را طعام بده (متفق علیه). در این حدیث متبرکه دیده میشود که: پیامبر صلی الله علیه وسلم به مردی که در رمضان جماع (نزدیکی) کرده بود فرمود: « خانوادهات را بخوران » و پیامبر صلی الله علیه وسلم

رمضان المبارک

بوی نگفت که « هر وقت توانستی کفاره اش را بده ». همچنان شیخ بن باز رحمه الله در جواب سوالی: پیرزن بزرگسالی (شیخ فانی) که نمیتواند روزه بگیرد چنین جواب فرموده است: « بر او است که در مقابل هر روز که روزه را میشکند نیم صاع فدیة بدهد از غذای معمول آن شهر مانند خرما، برنج، و غیره، که هر نیم صاع برابر است با یک و نیم کیلو گرم، همانطور که گروهی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و سلم مانند ابن عباس چنین فتوایی را داده اند، و اگر فقیر بود و نمیتواند غذا بدهد هیچ چیزی بر او نیست، و این کفاره میتوان آنرا فقط به یک فقیر پرداخت و یا بیشتر، و چه در اول ماه و چه وسط و چه آخر ماه باشد. " (مجموع فتاوی ابن باز (203/15) .

امام نووی عالم شهیر جهان اسلام در مورد کسی که نه میتواند روزه بگیرد و نه قادر به پرداخت فدیة هست میفرماید: « وینبغی أن یكون الأصح هنا أنها تسقط ولا یلزمه إذا أیسر كالفطرة، لأنه عاجز حال التکلیف بالفدیة»، یعنی: (و باید قول صحیحتر اینجا این باشد که کفاره ساقط میشود و اگر در آینده توانگر شود بر او واجب نیست مانند (زکات) فطر (که اگر کسی تنگدست هست از او ساقط میشود و در آینده لازم به پرداخت آن نیست)، زیرا او وقت تلکیف از پرداخت فدیة ناتوان است. »

و ابن قدامة عالم دیگری جهان اسلام در « المغنی » در مورد کسی که نه میتواند روزه بگیرد و نه قادر به پرداخت فدیة هست میفرماید: « فإن كان عاجزاً عن الإطعام أيضاً فلا شیء علیه، ولا یکلف الله نفساً إلا وسعها»، یعنی: « و اگر از غذا دادن نیز عاجز و ناتوان بود هیچ چیزی بر او نیست، و خداوند هیچکس را جز به اندازه توانایی اش مکلف نمی سازد. »

مساوات میان « گناه » و « کفاره یا جزا »

باید گفت که منظور از مساوات میان « گناه » و « کفاره یا فدیة » مساوات عددی نیست، بلکه کیفیت عمل را نیز باید در نظر گرفت خوردن يك روز روزه ما مبارك رمضان با آن اهمیت که دارد، جزا ء اش يك روز کفاره نیست بلکه باید آن قدر روزه بگیرد که به اندازه احترام آن يك روز ماه مبارك شود؛ به همین اساس است که کفاره گناهان در ماه مبارك رمضان بیش از سایر ایام است و ثواب اعمال نیک هم بیشتر از سایر روزها است .

ماه مبارك رمضان و نزول قرآن

« إنا أنزلناه فی لیلة مبارکة إنا کنا منذرین فیها یفرق کل أمر حکیم » (سوره دخان آیات ۳ و ۴) (ما قرآن را در شبی مبارك نازل نموده ایم زیرا همواره هشدار دهنده و اندازه کننده بوده ایم . در آن شب مبارك هر امری طبق حکمت خداوند تنظیم می شود.)
مبارک:

از ماده برکت گرفته شده است . یعنی شب پر از رحمت ، شب بسیار مفید و سودمندی ، که در آن فراخی و زیادی نعمت و روزی وجود میداشته باشد . همچنان خداوند پاک میفرماید :
« شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن » (ماه رمضان ماه است که در آن قرآن فرود

رمضان المبارک

آورده شده است .) بناً حکم مطلق همین است که شب قدر در ماه مبارک رمضان است . شبی است که در آن قرآن عظیم الشان که مبدا تمام خیرات وبرکات و سر چشمه تمام نیکی ها و خوبی ها است ، نزول یافته است . شب قدر ، شبی است ، که مقدرات جهان بشریت با نزول قرآن در آن استحکام می پذیرد و مشخص می گردد .

مفسرین اسلام نزول قرآن را بر دو قسم :

1- نزول دفعی و کلی

2- نزول تدریجی تقسیم مینمایند :

نزول دفعی یعنی قرآن بطور کامل در شب قدر بر قلب رسول اکرم صلی علیه وسلم نازل گردیده است و نزول تدریجی عبارت از نزولی است که : قرآن در مدت بیست و سه سال به تدریج و به مناسبت ها و طبق رویداد ها بر پیغمبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم نازل یافته است .

لیلة القدر :

«انا انزلناه فی لیلة القدر وما ادراك ما لیلة القدر لیلة القدر خیر من الف شهر» (به تحقیق ما فرود آوردیم قرآن را در شب قدر و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست شب قدر ، شب قدر بهتر است از هزار ماه (خداوند پاک میفرماید : « شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن ») ماه رمضان ماه است که در آن قرآن فرود آورده شده است . (سوره بقره آیه ۱۸۵) و در سوره قدر میخوانیم : « انانزلناه فی لیلة القدر » (ما آن را در شب قدر نازل کردیم) بناً حکم مطلق همین است که شب قدر در ماه مبارک رمضان است .

معنای قدر :

قدر به معنای اندازه کردن ، معین نمودن و فیصله کردن آمده است . یعنی لیلة القدر شبی است که خداوند متعال در آن هر چیزی را صحیحاً اندازه می نماید . و وقت آنرا تعیین می کند و احکام را نازل می فرماید و تقدیر هر چیزی را مقرر می نماید . « فیها یفرق کل امر حکیم . امرأ من عند الله ... » « فیصله کرده میشود هر کار استوار آن ، فرود آوردیم آنرا به وحی کردن از نزد خویش . » (الدخان آیات ۴ و ۵)

لیلة القدر در کدام یکی از شب های رمضان میباشد :

حضرت ام المومنین عائشه (رض) می گوید : که پیامبر فرموده است : « لیلة القدر را در ده شب آخر رمضان در شب های طاق جستجو کنید . » (روای حدیث شریف بخاری) ولی به هر حال برای مسلمانان بهتر این است که هر شب ماه مبارک را به احتمال این که شب قدر باشد ، به عبادت و قرائت قرآن و دعا بگذرانند و دعا خویش را منحصر به سه و یا چهار شب و یا هم شب های طاق نسازند .

دعای لیلة القدر :

رمضان المبارک

بی بی عایشه (رض) می گوید : که به پیامبر (ص) عرض کردم که ای پیامبر خدا ! اگر من در پیام که کدام شبی لیلۃ القدر است که در این شب به خداوند (ج) چه دعا کنم : فرمود بگو : « اللهم إنک عفو کریم تحب العفو فاعف عنی » « خداوند ا ! تو بسیار عفو کننده و بسیار صاحب کرمی ، عفو نمودن را می پسندی ، پس خطا های مرا عفو کن ».

ای خواجه چه جوی از شب قدر نشانی

هر شب ، شب قدر است اگر قدر بدانی

«سعدی شیرازی»

ارمغان های رمضان :

تلاوت ، تعلیم و تعلم قرآن مجید ، تحقیق و تتبع در امورات و عرصه های اسلامی و آشنایی با سیرت پیامبر اسلام و صحابه کرام و تاریخ اسلامی ، اقامه نماز ها ، وادای تراویح با ختم قرآن عظیم الشان ، عادات به نوافل و نماز های سنتی ، افزایش صدقات ، انفاق و تقویت روح گذشت و احسان ، صلح رحمی و رسیدگی به خویشاوندان ، دعا و نیایش بیشتر ، امر به معروف و نهی از منکر ، توبه و بازگشت از لغزشها و گناهان ، ماه رمضان ، ماه بازگشت به زلال طبیعت و فضای پاکیزه فطرت و تمرین آزادگی از « خور و خواب و خشم و شهوت » است.

ماه رمضان هزاران گوهر گرانبها به انسانها هدیه کرده و می کند ، ولی سه گوهر « آزادی » ، « آگاهی » و « عشق الهی » از در خشانترین هدیه های این ماه بشمار میرود.

روزه انسان را از سلطه هوسها ، و نیاز های کاذب ، و تحمیلی و افراط در نیاز های واقعی ، آزاد می کند و به انسان « آزادی اراده » می بخشد . انسان در سایه رمضان با « معارف عالی قرآنی » آشنا می شود و با بهترین رهنمود های زندگی انس می گیرد . دستیابی به سعادت جاویدانی و رهایی از همه رنجهای دنیوی و آخروی ، بدون « گوهر تقوا » مقدور نیست و رمضان مبارک این گوهر آسمانی را به روزه داران می بخشد . پاسداری و نگهبانی از این « گوهر آسمانی » نیاز به هوشیاری ، مراقبت و همکاری همگانی دارد .

اهمیت روزه در تناسب با نماز :

زن در حال حیض و نفاس هم نماز و هم روزه را ترک میکند ، ولی بعد از مریضی فقط روزه را قضاء می آورد . و یا اگر کسی علناً نماز نخواند ، حد شرعی ندارد ، ولی اگر روزه را علنی بخورد حد بر او جاری می شود . همچنان خداوند پاک فرموده است : (انا اجزی به) یا (انا اجزی به) یعنی من پاداش روزه را می دهم ، یا من پاداش روزه ی روز دار هستم در حالی که در باره نماز چنین چیزی نفرموده است .

فلسفه و حکمت فرضیت سی روز ، روزه در یک سال :

رمضان المبارک

روایت است زمانیکه حضرت آدم (علیه السلام) در جنت از درختی که از آن منع شده بود، به اندازه از آن تناول کرده بود، که تا به سی روز غذا آن در شکمش وجود داشت، به همین اساس خداوند پاک بر بندگان و فرزندان حضرت آدم تا روز قیامت سی روز روزه را در یک سال فرض نموده است.

پیام رمضان به روزه داران :

جلای ذهن و صفای ضمیر توام با کار و تلاش و اهنگ « قرب جویی » در استفاده از انوار رمضان و انعکاس فروغ آن نقش فروان دارد. پیغمبر اسلام میفرماید: « رمضان را بخاطر آن رمضان مسمی نمودند که: در آن گناهان می سوزند، دروازه های آسمان در اولین شب رمضان به روی روزه داران گشوده میشود و تا آخرین شب آن باز می باشد ».

ماه رمضان ماه دعا، ماه نیایش، ماه ایمان و آگاهی از آزادی است، ماه رمضان ماهی است که برای انسان درس سازندگی، رمز مقاومت و پایداری، رمز صبر و تحمل، رمز سعادت و نیک بختی را می آموزند.

پیام رمضان پیام تقوا و پر هیز گاری پیام نوسازی معنوی و فرهنگ است. پیام ماه رمضان پیام خوش رفتاری، پیام عفو و گذشت است. پیام رمضان، پیام آزادی از عادت هاست، رمضان ماهی است که انسان را از زنجیر اعتیاد، عادتها خوردنی، خواندنی، شنیدنی، نوشیدنی، دیدنی رها می بخشد.

پیام رمضان پیام بیداری از خواب غفلت و رهایی انسان از دام شهوت است، پیام رمضان پیام آگاهی از عرفان و عروج بشریت است.

ماه رمضان ماه تنظیم جهت گیری انسان و تقویت ایمان و تحکیم برادری بر محور قرآن است.

پیام رمضان پیام سلامتی، پیام دوستی، پیام اخوت، پیام امنیت، و ایمان، و در نهایت پیام آزادی میباشد. ماه رمضان ماه توبه است توبه از « رقابت » ها و « حسادت » ها است.

ماه توبه از بد گمانی ها نسبت به مؤمنان و حسن ظنی که در حق کفار و منافقان نشان دادیم.

بلی ماه رمضان ماه بازگشت به قرآن و تنظیم کامل افکار و اخلاق و رفتار انسان. پیام رمضان، پیام تقوا و پارسایی و ندای بلند نو سازی معنوی و فرهنگی است.

پیام رمضان، پیام آزادی انسان از زنجیر غرائز و هوسهای شیطانی و به بند کشیدن شیاطین، توسط فرشتگان الهی است.

نکات ذیل برای آگاهی مسایل روزه بی نهایت مهم است :

انصراف از تصمیم روزه :

اگر روزه دار از تصمیم روزه خویش در روز روزه منصرف شود. در صورتیکه افطار هم نکند ، روزه آن فاسد میگردد.

اهانت وتوهین به روزه :

اگر کسی بدون عذر شرعی روزه را بخورد ، به ماه مبارک رمضان توهین شمرده میشود کنهکار بوده قضاء وکفاره آنها باید بپردازد. ولی اگر اهانت در يك روز چند بار تکرار گردد ، قضاء روزه را بجاء آورد وکفاره تکرار نمی گردد.

استعمال قطره چکان :

خواننده محترم !

استعمال قطره چکان ها (از قبیل قطرچکان گوش ، ، بینی ، وچشم) و سرمه ، ملحم باب از موضوعات مهمی در ماه مبارک رمضان بشمار میرود . اینک در ذیل مختصراً به بیان این موضوعات می پردازیم .

قطره چکان بینی

در مورد قطره چکان بینی که آیا روزه را باطل می سازد یا خیر علماء اسلامی به دو دسته تقسیم گردیده اند:

دسته اول :

گروپ اول از علماء طی فتوای حکم صادر نموده اند که با استعمال قطره چکان بینی روزه باطل میگردد که در آن جمله میتواند از شیخ ابن باز و شیخ ابن عثمان نام برد . این تعداد از علماء در اثبات فتوای خویش به حدیث مرفوع لقیط بن صبره استدلال کرده اند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده: «وبالغ فی الاستنشاق إلا أن تكون صائماً» یعنی: در استنشاق مبالغه و زیاده روی کن مگر وقتی که روزه ای. این حدیث به صورت ضمنی بیان می کند که بینی به معده راه دارد و در این صورت استعمال قطره بینی برای شخص روزه دار ممنوع است. نهی پیامبر صلی الله علیه وسلم از مبالغه و زیاده روی در استنشاق، متضمن نهی از دخول چیز اندک نیز می باشد زیرا حتی در صورت زیاده روی در استنشاق نیز مقدار ناچیزی از آن وارد بدن می شود.

دسته دوم :

در دسته دوم علمای قرار دارند که طی فتوای خویش حکم فرموده اند که : قطره چکان بینی روزه را باطل نمی کند. قائلان به این قول قطره بینی را بر باقیمانده مضمضه قیاس نموده اند زیرا مقدار بسیار ناچیزی از این قطره به معده می رسد. حجم این قطره 0/06 سانتی متر مکعب بوده و تازه از این حجم نیز مقدار خیلی ناچیزی به معده می رسد که از آن چشم پوشی می شود. به علاوه اصل بر صحت روزه است و بطلان روزه توسط قطره بینی محل تردید است،

بنابر این اصل، صحت روزه می‌باشد زیرا یقین با شک زایل نمی‌شود. هر دو دیدگاه مستدل و قوی هستند.

قطره چکان گوش :

علمای پیشین در مورد « تداوی از طریق ریختن آب در گوش مریض » در ماه مبارک بحث نموده و در مورد نظریات اجتهادات فقهی خویش را بیان داشته اند :
از جمله جمهور علماء در مورد قطره چکان گوش در ماه مبارک رمضان میفرمایند که ریختن قطره چکان در گوش روزه باطل می‌گردد .
حنبل‌ها می‌گویند: وقتی به مغز برسد روزه را باطل می‌گردد .
در مقابل عالم و فقهی شهیر جهان اسلامی شیخ ابن حزم اندلسی در مورد قطره چکان گوش می‌گوید که: قطره چکان گوش روزه را باطل نمی‌سازد زیرا قطره چکان گوش به مغز نمی‌رسد و صرف به منافذ پوست می‌رسد.
طوری‌که طب امروزه این را به اثبات رسانیده که: مجرای بین گوش و مغز وجود ندارد که مایعی از گوش به مغز برسد مگر صماخ گوش پاره شود.
پس رای صحیح همین است که: قطره گوش روزه را باطل نمی‌کند.
یادداشت :

در صورتی که صماخ گوش پاره شود، مداوا از طریق گوش حکم مداوا از طریق بینی را می‌یابد یعنی قطره گوش حکم قطره بینی را خواهد داشت که حکم آن گذشت.

و اما قطره چکان های پاک‌کننده گوش:

این دارو نیز حکم قطره گوش را دارد، مگر اینکه صماخ گوش پاره باشد که علماء می‌گویند: در این حالت مقدار زیادی از این ماده وارد بدن خواهد شد و لذا روزه باطل می‌شود.
بنابر این دو حالت پیدا می‌کند:
الف- وقتی صماخ گوش سالم باشد، داروی پاک‌کننده گوش روزه را باطل نمی‌کند.
ب- وقتی صماخ گوش پاره شده باشد، این دارو روزه را باطل می‌کند، چون مقدار زیادی از آن وارد بدن می‌شود.

قطرچکان چشم :

علمای متأخر در مورد قطره چشم اختلاف نظر دارند که این خود ناشی از اختلاف نظر علمای متقدم در مورد سرمه است. در مورد سرمه دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول:

سرمه (کشیدن) روزه را باطل نمی‌کند. حنفی‌ها و شافعی‌ها این دیدگاه را پذیرفته‌اند و چنین استدلال کرده‌اند که مجرای بین چشم و شکم وجود ندارد پس روزه را باطل نمی‌کند.

دیدگاه دوم:

سرمه (کشیدن) روزه را باطل می‌کند. مالکی و حنبلی‌ها این دیدگاه را داشته‌اند و استدلالشان این بوده که بین چشم و شکم مجرای وجود دارد.

رمضان المبارک

و علمای متأخر نیز بر همین مبنا اختلاف نظر پیدا کرده‌اند:

دیدگاه اول:

قطره چشم روزه را باطل نمی‌کند. این دیدگاه را ابن باز: و ابن عثیمین: پذیرفته‌اند و چنین استدلال کرده‌اند که یک قطره از این درمان 0/06 سانتی متر مکعب حجم دارد و همه این مقدار نیز به معده نمی‌رسد، بلکه در اثنای عبور از مجرای اشک کل دوا جذب شده و حتی به حلق نمی‌رسد. و اگر هم بگوییم: مقداری از آن به معده می‌رسد، باز این مقدار به حدی اندک است که مورد چشم‌پوشی قرار گیرد زیرا مقدار ناچیز مثل آب باقیمانده از مضمضه مورد چشم‌پوشی واقع شده است و به علاوه نه دلیل منصوصی وجود دارد که این قطره را باطل کننده روزه بنامد و نه قطره بر باطل کننده‌های منصوص قابل قیاس است.

دیدگاه دوم:

قطره چشم بر سرمه قابل قیاس است و بنابراین روزه را باطل می‌کند. رای صحیح این است که قطره چشم روزه را باطل نمی‌کند. اگر چه طب امروزی ثابت کرده که مجرای اشک از طریق بینی، بین چشم و شکم وجود دارد، ولی قطره چشم در اثنای عبور از مجرای اشک جذب شده و چیزی از آن به حلق نمی‌رسد و بنابراین به معده نمی‌رسد و حتی اگر هم برسد آن قدر ناچیز می‌باشد که بتوان از آن چشم‌پوشی کرد، همچنانکه از آب باقیمانده از مضمضه چشم‌پوشی شده است.

و قیاس آن بر سرمه برای اثبات باطل کننده بودن قطره چشم صحیح نیست، زیرا: ثابت نشده که سرمه روزه را باطل می‌کند و حدیث روایت شده در این باره ضعیف است. این قیاس، بر چیزی است که خود محل اختلاف است. دلایل دیدگاه مخالف در این باره راجح است.

قورت کردن بلغم در روزه

در مورد اینکه اگر روزه دارد ماه مبارک رمضان بلغم خود را قورت کند، روزه اش فاسد میشود یا خیر، فقها و علمای اسلام در مورد اختلاف رای دارند. ولی رای صحیح آنست که روزه با بلعیدن بلغم باطل نمی‌شود، زیرا بلغم در حکم خوردن و نوشیدن قرار نمی‌گیرد. شیخ ابن عثیمین رحمه الله می‌فرماید: «.. و هرگاه علماء اختلاف داشتند مرجع (برون رفت از این اختلاف) کتاب و سنت است، و اگر شک داشتیم در اینکه آیا فلان امر، عبادت را باطل می‌کند یا خیر؟ اصل بر عدم افساد (آن عبادت) است، و بر این مبنا بلعیدن بلغم روزه را باطل نمی‌کند.

و مهم آنست: شخص از بلغم پرهیز کند و سعی نکند که (عمدا) آنرا از پایین حلقش به داخل دهانش بیاورد، اما اگر بلغم داخل دهان شد باید آنرا خارج گرداند چه روزه باشد یا نباشد. اما فاسد شدن روزه (توسط آن) نیاز به دلیلی دارد که برای انسان نزد الله عزوجل بعنوان مبطل روزه حجت گردد». «برای معلومات مزید مراجعه شود به مجموع الفتاوی «(356/19)». و باز فرمودند: «قول راجح آنست که بلغم روزه را باطل نمی‌کند حتی اگر داخل دهان گردد و شخص آنرا ببلعد، اما نباید آنرا ببلعد، زیرا اهل علم (بلعیدن آنرا) حرام دانستند، زیرا بلغم

رمضان المبارک

شیئی کثیف است و شایسته انسان نیست که (کثافات) را ببلعد». « لقاء الباب المفتوح » لقاء رقم (153) .

و اما داخل کردن انگشت در گوش باعث باطل شدن روزه نمی گردد! حتی اگر کسی قطره نیز در گوشش کند و طعم آنرا در حلقش احساس کند باز روزه اش باطل نمی شود، زیرا دلیلی بر باطل شدن روزه در این حالتها وارد نشده است.

استعمال سرمه:

استعمال سرمه (اگرچه سیاهی آن در بلغم هم دیده شود) روزه را فاسد نمی سازد . در کتب احادیث آمده است : که در ایام ماه مبارک رمضان یکی از صحابه که از درد چشم سخت می نالید نزد آنحضرت (ص) آمد . و برای آنحضرت گفت : که چشم سخت درد میکند اجازه دارم که سرمه استعمال نمایم ، آنحضرت در جواب اش گفت : بلی میتوانی سرمه را استعمال نمایی .

همچنان در حدیث از ام المؤمنین عائشه (رض) روایت گردیده است : « أن النبی (ص) اکتحل فی رمضان وهو صائم » « پیامبر صلی الله علیه وسلم سرمه کرد در رمضان در حالیکه روزه بود. » (روای حدیث ابن ماجه) هکذا باید گفت که چشم منفذ برای معده نمی باشد .

ولی برخی از فقها به این نظر اند که بهتر و احسن است که استعمال همچو اشیاء در شب صورت بپذیرد.

استعمال عطر :

در یک حدیثی از مرد نصرانی روایت شده: از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وسلم پرسیدم : از هدایا و تحفه ها محبوب ترین چیزها نزد پیامبر اسلام چیست؟ فرمودند: بهترین و محبوبترین چیزها پیش آنحضرت صلی اله علیه وسلم عطریات بود و پیامبر صلی الله علیه وسلم رغبت عجیبی به عطریات داشت. پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم فرموده است « ان الله تعالی طیب و یحب الطیب » خداوند خوشبو است و بوی خوش را دوست دارد . همچنان پیامبر اسلام فرموده است : (دوستم جبرئیل به من گفت : يك روز در میان خود را معطر ساز و این کار در روزهای جمعه ترك نه نماید).

پروردگار با عظمت ما میفرماید : « یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد » (ای فرزندان آدم! هنگام رفتن به مسجد خود را با زینت سازید) تفسیر این آیه متبرکه چنین است که: در زینت ها هم زینت جسمانی که شامل پوشیدن لباسهای مرتب، پاک و منزه، شانه زدن موها و به کار بردن عطر و مانند آن باشد و هم شامل زینتها ی معنوی؛ یعنی صفات انسانی و ملکات اخلاقی و پاکی نیت و اخلاقی .

لذا در دین مقدس اسلام استفاده کردن از زیباییهای طبیعت، لباسهای زیبا و متناسب به کار بردن انواع عطرها و امثال آن ، نه تنها مجاز شمرده شده بلکه به آن توصیه و سفارش هم شده است.

رمضان المبارک

بناً استعمال عطر در ماه مبارک رمضان هیچگونه ممانعتی نداشته، زیرا مواد خوشبو و عطر و کریم و غیره به پوست مالیده می شوند و به داخل جسم (معده) نفوذ نمی کنند، بر فرض این که در مسامات بدن نیز داخل شوند باز هم شکننده ی روزه نیست. عطر از مظاهر زیبایی هاست و از جمله سنن انبیاء و سنت پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه و سلم بشمار میرود .

گرفتن ناخون و استعمال رنگ ناخون :

رنگ ناخون و استعمال آرایش برای زنان (روزه را فاسد نمی سازد.)

تبصره :

استعمال خوش بوی ، عطر باب ، چرب کردن موی سر ، چرب کردن پوست با کریم و تیل ، استعمال قطره چکان ها و تزریق امپول و پیچگاری های چون دلیل بر تحریم آنها در شرع وجود ندارد . بناً استعمال آنها در روزه مباح میباشد.

دیابت یا مریض شکر:

مریضی شکر یا (دیابت) از جمله مریضی های است که : به علت ناتوانی بدن در تولید یا مصرف انسولین بوجود می آید .

انسولین ماده ای است که در بدن توسط لوزالمعده تولید می گردد و باعث می شود قند یا به عبارتی مهمترین منبع انرژی بدن مورد استفاده قرار گیرد.

انواع مریضی شکر (دیابت)

مرض شکر یا دیابت بر دو نوع است :

1- نوع اول مریضی شکر عبارت از آن است که شخصی مبتلا به آن لازم است جهت ادامه حیات خود، انسولین در بدن خویش پیچکاری کند . این نوع مریضی شکر معمولاً در بین اطفال و جوانان زیاد بوجود می آید .

2- نوع دوم مریضی شکر مریضی است که در کلان سالان ، بخصوص اشخاص سنین 40 دیده میشود . این نوع از مرض شکر معمولاً با رژیم غذایی ، فعالیت جسمی (سپورت) و یا گرفتن دوا شکر، تحت کنترل می آید ، ولی در برخی از انسانها در این سن و سال ضرورت به پیچکاری انسولین نیز دیده میشود.

در دیابت نوع دوم چه اتفاقی رخ می دهد؟

در فرد مبتلا به این نوع دیابت، سلول های بدن حساسیت لازم نسبت به هورمون انسولین را ندارند و پس از مدتی لوزالمعده نیز در تولید انسولین به مقدار کافی، مشکل پیدا می کند. بدون وجود حساسیت لازم به انسولین یا در صورت کمبود ترشح انسولین، بدن نمی تواند قند موجود در خون را به داخل سلول حرکت دهد؛ بنابراین قند خون بالا می رود و افزایش قند خون سبب پیدایش مشکلاتی در فرد مبتلا می گردد.

علامت ها و نشانه های دیابت نوع دوم چیست؟

این نوع دیابت معمولاً به آهستگی پیشرفت می کند. علامت های اصلی آن پراداری، تشنگی

رمضان المبارک

بیش از حد، کاهش وزن قابل توجه، افزایش اشتها و خستگی زودرس و شدید است. علامت‌ها و نشانه‌های دیگر عبارتند از:

- عفونت‌های مکرر دهان، پوست، ناحیه تناسلی یا مثانه
- ضعف بینایی
- سوزش و گزگز انگشتان دست یا پاها
- خشکی و خارش پوست این علامت‌ها ممکن است خفیف باشند به طوری که فرد متوجه آنها نگردد.

در سالمندان گاهی این علامت‌ها فقط به سن بالا نسبت داده می‌شود و تشخیص دیابت به تأخیر می‌افتد. نکته مهم این که بیش از نیمی از مبتلایان به دیابت از بیماری خود بی‌خبرند!

مسئولیت مریض شکر در ماه مبارک رمضان :

طوری‌که قبلاً یاد آور شدیم در این هیچ‌جای شک نیست که مریضی شکر از جمله امراض مزمن بحساب می‌آید که بر انجام بعضی از عبادات تأثیر می‌گذارد؛ از جمله بر روزه، چرا که روزه انسان را در طول روز از خوردن و آشامیدن منع می‌کند، و اشخاصیکه مبتلا به مرض شکر (دیابت) باشد در طول روز نیاز به نوشیدن مقدار زیادی آب در اوقات متعدد دارند. همچنین نیاز دارند تا مقداری غذا را در اوقات مختلف صرف کنند، و تشنگی شدید گاهی موجب افزایش بیماری می‌گردد و ممکن است عوارض جدی دربر داشته باشد.

در حالیکه پروردگار با عظمت ما در (آیه: 185 سوره بقره) میفرماید: «وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» البقرة/185. یعنی: و آن کس که مریض یا در سفر است، روزهای دیگری را به جای آن، روزه بگیرد، خداوند، آسانی بر شما را می‌خواهد، نه سختی بر شما را.

اما با این وجود مریضی شکر (دیابتی) نمی‌تواند بخاطر داشتن مرض قند روزه نگیرد، چراکه مریضان مبتلا با شکر نوع دوم به سه کتگوری تقسیم میشوند:

کتگوری اول :

از مریضان اند، که مبتلا به مریضی شکر دارند ولی میتوانند با پلان (رژیم غذای منظم و سپورت و فعالیت‌های جسمی) بر مریضی خویش غالب شوند و یا به اصطلاح آنرا تحت کنترل در آورند و در اصطلاح طبیبی، این دیابت از نوع خفیف است و حکم شرعی و مکلفیت شرعی برای این مریضان همین است که باید روزه بگیرند، چرا که مریضی‌شان به حدی نیست که: روزه گرفتن سلامتی آنرا متضرر سازد.

کتگوری دوم :

کتگوری دوم مریضان شکر، مریضان‌اند که برای آنها داروهایی همراه با یک پروگرام منظم غذایی مشخص تجویز می‌شود تا مقدار قند خون را کاهش دهند.

مریضان کتگوری دوم را میتوان باز هم بدو گروه دسته‌بندی نمود.

1- گروه اول :

گروه اول این دسته عبارت از مریضان‌اند که ضرورت دارند یکبار باید دوا ضد شکر

رمضان المبارک

میگیرند، بر این نوع از مریضان لازم که باید روزه بگیرند، زیرا آنها می توانند دوا خویش را در فاصله بین مغرب تا قبل از اذان صبح قرار دهند.

2- گروه دوم :

عبارت از مریضان هستند که ضرورت دارند در طول روز دو یا سه بار تابلت بگیرند، در اینحالت اگر امکان آن وجود داشته باشد که مصرف آن تابلت ها به بعد از اذان مغرب و قبل از اذان صبح منقل شود، بدون آنکه زیانی جدی بر مریض وارد شود، پس باید روزه اش را بگیرد، ولی اگر تاخیر در خوردن آن دوا موجب زیان جدی می شود، او می تواند روزه نگیرد و در عوض در وقت مناسبی بعد از رمضان که مشکل مریضی اش خفیف گردد، آن روزه را قضاء کند.

برای تشخیص این موضوع که آیا تاخیر در مصرف دوا و قرص زیان آور نیست، لازمست یک دکتور متخصص مسلمان عادل نظر بدهد.

کتگوری سوم :

کتگوری سوم مریضان شکر عبارت از مریضان هستند که برای کنترل شکر خود، در طول روز یک یا دو بار و یا حتی بیشتر انسولین تزریق کنند. اگر این مریضان با تزریق آمپول انسولین از خوردن قرص و دیگر دوا ها در طول روز بی نیاز می گردند، پس باید روزه بگیرند، زیرا تزریق بیچکاری انسولین باعث باطل شدن روزه نمی شود.

چنانچه علمای هیئت دائمی افتاء در پاسخ به سوال در خصوص حکم تزریق انسولین برای شخص روزه دار، پاسخ دادند: « ایرادی ندارد که از آمپول مذکور در طول روز جهت مداوا استفاده کند، و قضای آنروز بر او واجب نیست (زیرا روزه اش باطل نمی شود)، و البته اگر ممکن باشد که در شب استفاده شود و مشقتی در اینحالت بر او ایجاد نمی شود، این بهتر است». « اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والافتاء " 10 / 252. « منتشره در سایت (عقیده)

اما اگر نیاز دارند که بعد از تزریق انسولین، حتما غذا و آب نیز بخورند و بیاشامند، پس می تواند روزه نگیرد، در عوض در وقت مناسبی روزه اش را قضاء کند که مشکل او خفیف تر شده باشد.

یادداشت :

آن دسته از مریضان دیابتی که بر اساس تقسیم بندی فوق مشمول رخصت می شوند، لازمست تا بعد از رمضان در فرصت مناسبی که اوضاع مریضی آنها خفیف تر می شود، روزه خود را قضاء کنند. اما اگر مریض آنها تا آخر عمر از حالت شدید به خفیف کاهش نمی یابد و همواره مشمول رخصت نگرفتن روزه می مانند، در آنصورت نیازی نیست تا روزه های رمضان را قضاء کنند، کافیهست تا بجای هر روز از رمضان، یک نفر فقیر یا مسکین را غذا بدهند، از همان غذایی که خود می خورند به او نیز بدهند، به دلیل فرموده الله تعالی: « فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ

رمضان المبارک

فَمَنْ تَطَوَّعَ حَيْثُ مَا فَهُوَ حَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا حَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره 184).
یعنی: و هر کس از شما بیمار یا مسافر باشد تعدادی از روزهای دیگر را (روزه بدارد) و بر کسانی که روزه برای آنها طاقت فرساست؛ (همچون مریضان مزمن، و پیرمردان و پیرزنان ناتوان) لازم است فدیة بدهند: مسکینی را اطعام کنند؛ و کسی که کار خیری انجام دهد، برای او بهتر است؛ و روزه گرفتن برای شما بهتر است اگر بدانید.
و می توانند سی نفر مسکین را به خوردن غذا دعوت کنند و فدیة یک ماه را همزمان و یا در عرض چند دفعه بدهند.

یادداشت فقهی در مورد پیچکاری انزولین :

استعمال پیچکاری انزولین، برای مریضان شکر که در زیر پوست بعمل می آید، به هیچ وجه، روزه را باطل نمی سازد، از طرف دیگر پیچکاری انزولین، از جمله پیچکاری خوراک و نوشیدنی نیست و بمعنی خوردن و نوشیدن هم نیست.
بنابراین اگر مریض دیابت از پیچکاری انزولین در طول روز جهت مداوا مریضی خویش استفاده کند، روزه اش باطل نمی گردد و قضای روزه نیز بر آن واجب نیست.

امپول پیچکاری در ماه مبارک رمضان

قبل از همه باید گفت که تزریق پیچکاری به سه نوع صورت میگیرد :

1- تزریق در زیر پوست (**subcutaneous-s.c**) معمولاً برای پیچکاری انسولین استفاده میشود .

2- تزریق در داخل عضله (**intramuscular-i.m**)

3- تزریق در داخل رگ یا ورید (**intravenous-i.v**)

علماء شهیر جهان اسلام هر یک شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز و عالم شهیر کشور عربستان و شیخ الشیخ محمد بن صالح العثیمین طی فتوای شرعی گفته اند که :

پیچکاری در زیر پوست (**subcutaneous-s.c**) و داخل عضله

(**intramuscular-i.m**) شامل خوردن و یا آشامیدن نبوده و به مثابه خوردن و

آشامیدن بحساب نمی آید ، بنابراین هر دو نوع پیچکاری ها روزه را باطل نمی کند.

ولی در مورد پیچکاری که در رگ یا ورید (**intravenous-i.v**) بعمل می آید ، علماء در این نوع پیچکاری به چند دسته تقسیم گردیده اند .

دسته اول :

دسته اول از علماء بدین معتقد اند که این نوع از پیچکاری ، روزه را باطل می کند. از انجمله

میتوان از شیخ سعدی :، شیخ عبدالعزیز بن عبدالله ابن باز :، و شیخ ابن عثیمین :، و مجمع

فقه اسلامی نام برد . این تعداد از علماء استدلال میاورند که پیچکاری رگ یا ورید در حکم

مشابهات به خوردن و آشامیدن است . و انسان را از خوردن و آشامیدن بی نیاز می سازد.

دسته دوم :

دسته دوم علماء بدین نظر اند که پیچکاری رگ یا ورید روزه را باطل نمی سازد ، زیرا

چیزی از آن طریق مجاری طبیعی به معده نمی رسد و به فرض رسیدن آن به معده، این کار

از طریق منافذ انجام می‌گیرد و این منافذ نه شکم هستند و نه در حکم آن می‌باشند تا اینکه بگوییم چیزی وارد شکم شخص شده است.

نتیجه و حکم دقیق اسلامی :

در مورد پیچکاری ورید و یا رک حکم دقیق اسلامی همین است که این نوع از پیچکاری، روزه را باطل می‌سازد، زیرا برای باطل کردن روزه دخول به شکم شرط نیست، بلکه حصول تغذیه برای بدن از هر طریقی که باشد روزه را باطل می‌کند.

یادداشت ضروری :

پیچکاری که از راه رک و یا ورید غرض بیهوشی (**Anesthesia**: انستزی) مورد استفاده قرار می‌گیرد، روزه را باطل نمی‌سازد.

ولی باید خاطر نشان ساخت که بیهوشی به چند نوع است :

الف- بی حسی جزئی از طریق بینی:

که در این حالت بیمار یک ماده گازی را بو می‌کند و آن ماده بر اعصاب وی تأثیر گذاشته و شخص بی حس می‌شود. این گونه بی حسی روزه را باطل نمی‌کند زیرا ماده گازی وارد شده به بدن نه وزنی دارد و نه محتوی مواد مغذی است.

ب- بی حسی جزئی چینی:

این نوع بی حسی به چین منسوب است و به این ترتیب انجام می‌گیرد که سوزن خالی به مراکز احساس در زیر پوست زده می‌شود و نوعی از غده‌های موجود را به ترشح مورفین طبیعی که در بدن وجود دارد، تحریک می‌کند. و به اثر آن مریض قدرت احساس را از دست می‌دهد.

این گونه نیز به شرط اینکه موضعی باشد و نه کلی، روزه را باطل نمی‌کند، زیرا چیزی وارد شکم نمی‌شود.

ج- بی حسی از طریق توقف جریان خون:

به این ترتیب که به کمک یک داروی گیاهی - که سریع تأثیر می‌کند - جریان خون متوقف شده و برای چند ثانیه مریض بی حس می‌شود.

این گونه نیز به شرط اینکه موضعی باشد و تمام بدن را بی حس نکند روزه را باطل نمی‌سازد، زیرا چیزی وارد شکم نمی‌شود.

د- بی حسی کلی:

در مورد بی حسی کلی علماء اختلاف نظر دارند. و علمای متقدم نیز در بحث از «مغمی علیه = بیهوش» به آن پرداخته‌اند.

در مورد بیهوش گفته شده که دو حالت دارد:

1- شخص تمام روز را بیهوش باشد و هیچ لحظه‌ای از روز را هوشیار نباشد: که روزه چنین شخصی از دیدگاه جمهور علماء صحیح نیست.

زیر پیامبر صلی الله علیه وسلم در یک حدیث قدسی از خدا نقل می‌فرماید که: «بدع طعامه

وشهوته من أجلي» یعنی: ... طعام و شهوت (و اشتهايش) را به خاطر من رها می‌کند. در حالی که در مورد بیهوش نمی‌توان گفت: به خاطر خدا روزه گرفته، چون بیهوش بوده و اصلاً قدرت تصمیم‌گیری ندارد.

2- شخص تمام روز را بیهوش نباشد: علماء در این باره اختلاف نظر دارند: دیدگاه صحیح این است که اگر بخشی از روز را به هوش بیاید، روزه‌اش صحیح است و امام احمد و امام شافعی بر این رأی بوده‌اند. امام مالک، روزه چنین شخصی را به طور مطلق باطل می‌داند. **امام ابوحنیفه می‌گوید:**

اگر قبل از زوال آفتاب (از وسط آسمان) به هوش آید، تجدید نیت نموده و روزه‌اش صحیح می‌باشد.

رأی امام احمد و امام شافعی درست است زیرا نیت روزه‌ای که امام ابوحنیفه از آن صحبت می‌کند، برای بخشی از روز خواهد بود.

یادداشت فقهی در مورد پیچکاری انزولین :

استعمال پیچکاری انزولین، برای مریضان شکر که در زیر پوست بعمل می‌آید، به هیچ وجه، روزه را باطل نمی‌سازد، از طرف دیگر پیچکاری انزولین، از جمله پیچکاری خوراک و نوشیدنی نیست و بمعنی خوردن و نوشیدن هم نیست. بناً اگر مریض دیابت از پیچکاری انزولین در طول روز جهت مداوا مریضی خویش استفاده کند، روزه‌اش باطل نمی‌گردد و قضای روزه نیز بر آن واجب نیست. همچنان پانسمان کردن زخم‌ها روزه را باطل نمی‌کند. ولی اگر زخم عمیق در شکم که دوا به معده برسد، در این صورت روزه می‌شکند.

حجامت :

حجامت اصطلاحاً به روشی از خونگیری اطلاق می‌شود که جهت معالجه برخی از امراض بکار می‌رود. در برخی از انسانها خون به مرور زمان در ناحیه پشت و کمر و در نقاط دیگری از بدن جمع شده که در فرصتهای مناسب به تدریج توسط بدن خارج می‌شود اما در بسیاری از مواردی اتفاق می‌افتد که عملیه افزاز بدن در این زمینه بسیار به کندی اجرا می‌گردد، طوریکه به مرور زمان بر تراکم این خونهای آلوده در بدن انسان بخصوص در پشت افزوده می‌شود و در نهایت صحت و سلامتی انسان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در این حالت است که دست به عملیه حجامت می‌زنند.

می‌گویند عملیه حجامت بیش از ۷۰۰۰ سال در بین بشریت قدمت داشته و دین مقدس اسلام هم آنرا تایید و برای پیروان خویش مورد سفارش قرار داده است.

در منابع طب اسلام و طب سنتی حجامت به عنوان یکی از وسایل مهم معالجه ذکر گردیده است و توسط این طریقه بسیاری از امراض مورد تداوی و معالجه قرار می‌گیرد. طب یونانی بدین باور و عقیده است که حجامت برای پیشگیری بسیاری از امراض بخصوص امراض خونی مفید و موثر شمرده میشود. ابو علی سینا معتقد است که توسط عملیه حجامت حتی

امراض صفرا و سودا نیز قابل دفع است و تداوی میباشد .

حجامت در کدام امراض بکار گرفته میشود :

همانطوریکه که گفته شد عملیه حجامت در امراض چون (هایپرلیپیدمی) (چربی خون بالا)؛ دیابت غیر وابسته به انسولین ؛ دردهای عضلاتی ؛ سردردهای عصبی ؛ و میگرنی ؛ امراض جلدی مانند مرض آکنه ؛ پسوریازیس ؛ آلرژی های ناشی از دوا ، ناضی از مواد غذایی ، آلرژی های فصلی ؛ اعتیاد به مواد مخدر ؛ امراض انسدادی عروق کرونر ؛ عوارض بعد از یائسگی (منوپوز) دردهای قاعدگی در زنان و دختران (دیسمونوره) و برخی دیگر مریضی های عفونی ؛ هورمونی و غدد ، میتوان بکار برد .

بطور کل گفته میتوانیم که عملیه حجامت دارایی هیچگونه عوارض جانبی نبوده ، و اگر این عملیه به صورت تخصصی و فنی مورد استفاده قرار گیرد ، فایده آن بیشتر و موثرتر از دوا های کمیای که توسط طب امروزی بکار گرفته میشود ، میباشد .

حکم شرعی در مورد حجامت :

اگر شخصی روزه دار در ماه مبارک رمضان بخاطر معالجه و تداوی دست به عمل حجامت یا خون گرفتن (از سر و یا ، انگشت ، و یا ورید و یا هر عضو دیگر بدن بزند) طوریکه که گفتیم ، به اتفاق همه علماء روزه اش فاسد نمیگردد . و حکم خویش را بر حدیث ذیل مستند می سازند .

در حدیث شریف از ابن عباس (رض) روایت است : « احتجم النبی (ص) وهو صائم » (پیامبر صلی الله علیه وسلم در حالی که روزه بود حجامت کرد) (صحیح سنن ابو داود : ۲۰۷۹) ، (صحیح امام بخاری : ۱۷۴/۴ : ۱۹۳۹) ، (سنن ابو داود ۴۹۸/۶ : ۲۳۵۵) ولی اگر در عملیه حجامت بدن روزه دار ضعیف و سست گردد ، و بیم خطرات بیهوشی را برای روزه دار پیش آورد ، علما و مفسران به بر استناد حدیث ذیل بر مکروه بودن آن حکم فرموده اند . از ثابت بنانی روایت است « سئل انس بن مالك أکنتم تکرهون الحجامه للصائم ؟ قال : لا ، إلا من أجل الضعف » « از انس بن مالك سؤال شد آیا شما حجامت را برای روزه دار مکروه می دانستید ؟ گفت نه ، مگر به خاطر ضعف و سستی » (صحیح امام بخاری : ۱۷۴/۴ : ۱۹۴۰)

مرض کم خونی و روزه

خواننده محترم کم خونی چیست ؟

قبل از همه باید گفت زمانیکه در خون اندازه کافی از هموگلوبین تقلیل یابد ، انسان دچار آنمی یا به اصطلاح کم خونی میگردد .

هموگلوبین کمک میکند که گلبولهای سرخ خون ، اکسیژن را از رگ ها به همه قسمتهای بدن برسانند .

کم خونی فقر آهن (IDA) مشهور ترین نوع کم خونی است ، که تقریباً یک پنجم زنان ، از جمله نیمی از زنان حامله و سه درصد مردان مبتلا به مریضی کم خونی ناشی از فقر آهن است .

رمضان المبارک

وطوریگه یاد اور شدید علت اصلی این نوع کم خونی، کمبود آهن در بدن است. مغز استخوان انسان برای ساختن هموگلوبین به آهن ضرورت دارد. بدون آهن کافی بدن نمیتواند هموگلوبین مورد ضرورت گلبولهای سرخ را بسازد. به همین دلیل بدن انسان دچار کم خونی فقر آهن می‌شود.

از عوامل دیگری که موجب کم خونی در انسان میگردد، میتوان از کمبود ویتامین، کم خونسازی از امراض مزمن (مانند سرطان، آرتریت روماتوئید، بیماری کرون و سایر بیماریهای مزمن التهابی) کم خونی ناشی از ساخته نشدن سلول خونی (این نوع کم خونی تهدید کننده‌ی حیات است و در اثر کاهش توانایی مغز استخوان در تولید همی انواع سلولهای خونی شامل گلبولهای سرخ گلبولهای سفید و پلاکتها ایجاد می‌شود.)، کم خونی مرتبط با امراض مغز استخوان (مانند امراض چون سرطان خون می‌تواند منجر به اختلال در تولید گلبولها شده و کم خونی ایجاد کند.)

عوامل مستعد کننده کم خونی در انسان عبارت است: رژیم غذایی، اختلالات روده‌ای، عادت ماهور زنانه (حیض) حمل، امراض مزمن و غیره... مهمترین علایم کم خونی احساس خستگی و بی حالی وضعف در انسان است. از علایم دیگر کم میتوان از رنگ پریدگی پوست، ضربان نامنظم یا تند قلب، کوتاهی نفس، سرگیچی خفیف، سردردی و غیره...

مریض کم خونی و رمضان :

اگر طبیب مسلمان، معتمد و عادل تشخیص دهد که واقعاً گرفتن روزه برای وضعیت جسمانی روزه دار زیان آور است، و لازم است که مریض حتماً هر روز (در فاصله بین اذان مغرب و عشاء) دارومقداری مواد و غذای ویتامین دار را بگیرد، در غیر آن مریضی اش تشدید می‌یابد، در اینصورت مریضی مبتلا به کم خونی میتواند از رخصت الله تعالی که میفرماید: «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ» البقرة/ 184. (یعنی: پس هرکسی از شما بیمار یا در سفر باشد، تعدادی از روزهای دیگر را روزه بگیرد.) استفاده نماید روزه خویش را افطار نماید.

امام ابن کثیر در تفسیر این آیه مینویسد: «یعنی مریض و مسافر می‌توانند در هنگام مرض یا سفر روزه نگیرند، زیرا این امر موجب مشقت بر آنها خواهد شد، بلکه افطار کنند و بعداً در روزهای آتی آنرا قضاء نمایند». «تفسیر ابن کثیر» (1/ 498). و در عوض در زمان دیگری که اوضاع جسمانی او بهتر می‌شود آنروزها را قضاء کند، اما اگر او تا آخر عمر بر همین منوال - که در ابتدای مطلب توضیح داده شد - می‌ماند، در آنصورت روزه رمضان بر او لازم نیست ولی فدیة بر او لازم است، یعنی باید در بدل هر ماه رمضان - در هر سال - سی نفر مسکین را طعام دهد. یعنی به هر مسکین یک وعده غذای رایج بدهد تا سیر شود. به دلیل فرموده خداوند متعال: «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فُدْيَةٌ طَعَامٍ مَسْكِينٍ» (بقره: 184). «و بر کسانی که توانایی انجام آن (روزه) را ندارند (همچون پیران ضعیف و بیماران همیشگی) لازم است فدیة بدهند و آن خوراک مسکینی

است».

علامه ابن عثیمین رحمہ اللہ می گوید: «کیفیت اطعام به دو صورت است: اول: غذایی درست کند و مساکین را دعوت نماید، بر حسب روزهایی که باید فدیہ بدهد، همانگونه که انس بن مالک رضی اللہ عنہ چنین کرد. دوم: غذای غیر آماده (پخته نشده) به آنها بدهد». الشرح الممتع (335/6).

اما اگر کسی بخواهد که در عرض سی روز به یک نفر غذا دهد، یعنی هر روز به او طعام دهد، جایز است چنانکه جمهور علمای مذاہب از جمله شافعیہ و حنابلہ و گروہی از علمای مالکیہ بر جواز آن تاکید کرده اند، مولف کتاب الانصاف گفته: «جایز است طعام را کلا به یک مسکین واحد داد». الانصاف (291/3)، و نگاه کنید به: تحفة المحتاج 3 / 446، کشاف الفتاوی 2 / 313، و "فتاوی اللجنة الدائمة" (198/10).

یادداشت ضروری :

اگر با جود مریضی کم خونی، روزه گرفتن زیانی به او نمی رساند و او را در مشقت نمی اندازد، و امکان تاخیر در خوردن دوا کم خونی را دارد، در اینصورت لازمست که خوردن دوا خویش را تا افطار به تاخیر اندازد و روزه اش را بگیرد، ولی اگر این امر مقدور نباشد ایرادی ندارد که روزه نگیرد.

مریضی سنگ کرده و رمضان

قبل از همه باید گفت که مریضی سنگ کرده مریضی جدید در بشریت نمی باشد، حتی میگویند، فرعون هم به مریضی سنگ کرده مبتلا بود. اگرچه سنگ کرده در طب امروزی از جمله مریضی ساده بشمار میرود. ولی همین مریض ساده دارایی درد شدید، طاقت فرسا و وحشتناک میباشد، به اصطلاح بعضی ها این درد چنان وحشتناک است، که مقدار درد اش کمتر از درد زایمان در حین ولدت مادران میباشد، بطور خلاصه درد سنگ کرده بی نهایت زجر دهنده است. این درد زمانی شدت می یابد وقتی که سنگ از محل خویش بیجا شود، ولی اگر سنگ دوباره در جای اش مستقر گردد درد دوباره آرام می یابد. یکی از علائم سنگ کرده، تغییر رنگ ادرار به صورت خونی یا رنگ چای میباشد. هنوز دلیل قطعی شکل گیری سنگ کرده (کلیه) از نظر طبی با قطعیت اثبات نشده. در حالت طبیعی کلیه ها مواد ضد رسوب ترشح می کنند که مانع از تجمع کریستالها و پیدایش سنگ کرده در داخل بدن میشوند. اما گاه این مواد کارایی خود را از دست می دهند. برای جلوگیری از تشکیل سنگ کرده باید این غلظت مواد را در بدن کم کنیم به عبارتی دیگر باید ادرار را تا می توانیم، رقیق کنیم. یعنی شخصیکه مبتلا به مرض کلیه سنگ ساز دارد، باید آب و مایعات زیادی نوش جان کند. ویگانه توصیه دکتوران برای این مریضان اینست که از خوردن نمک باید پرهیز کنند. بخاطر آنکه نمک عاملی است که به ساخته شدن سنگ های کلسیمی کمک می کند. نمکی که از روده جذب می شود، از طریق کلیه باید دفع شود. اما مشکل همین جاست چرا که وقتی نمک می خواهد از کلیه را وارد ادرار شود، با خودش کلسیم را وارد ادرار می کند و به این ترتیب غلظت کلسیم ادرار افزایش می یابد.

رمضان المبارک

مریضان که مبتلا به مریضی سنگ کرده است نباید هیچ وخت احساس تشنگی کنند و کوشش اعظمی بخرج دهد، تا قبل از تشنگی اب و مایعات به اندازه کافی و در اوقات مختلف، نوش جان کند.

مریض سنگ کرده :

شخصیکه مبتلا به مریضی سنگ کرده باشد، و روزه گرفتن برایش سخت تمام شود، و روزه موجب افزایش درد و مریضی اش گردد، و به اصطلاح سلامتی کلی آن را بخطر مواجه سازد، و داکتر معالج مسلمان و مورد اعتماد مرض و سختی و خطر مرض را تشخیص داده باشد، و اطباء توصیه نموده باشند که معایات زیاد مصرف نماید، در اینحالت مریض که مبتلا به سنگ کرده است، میتواند به رخصت الله تعالی عمل کرده و روزه خویش را افطار نماید. و در مقابل هر روز به یک مسکین خوراک بدهد و قضای روزه بر وی لازم نمی باشد. چون قضای روزه برای همچو مریضان ممکن و میسر نیست؛ زیرا بعلت مریضی که دارد نمیتواند روزه بگیرد. اما بر فرض در صورت بر طرف شدن مریضی و بازگشت سلامتی دوباره، شخص متذکره باید در سال آینده روزه بگیرد و قضای سالهای گذشته که افطار کرده است و کفاره ی آنها را پرداخت کرده، بالای اش لازم نمی باشد.

پروردگار با عظمت ما میفرماید: « فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ » (سوره البقرة آیه: 184) (پس هرکسی از شما بیمار یا در سفر باشد، تعدادی از روزهای دیگر را روزه بگیرد).

ابن کثیر در تفسیر این آیه متبرکه مینویسد: «یعنی مریض و مسافر می توانند در هنگام مرض یا سفر روزه نگیرند، زیرا این امر موجب مشقت بر آنها خواهد شد، بلکه افطار کنند و بعدا در روزهای آتی آنرا قضاء نمایند». «تفسیر ابن کثیر» (1/ 498).

و لازم نیست که حتما انسان در سختی زیادی بیافتد تا از این رخصت استفاده کند، و پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: « إِنْ اللَّهُ يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى رُحْصُهُ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ تُؤْتَى مَعْصِيَتُهُ » روایت أحمد (5832) و البانی در "صحيح الجامع" (1886).

یعنی: همانا خداوند متعال دوست دارد که از رخصت استفاده کنی همانطور که ناخوش می دارد که معصیت کنی.

اما بعد از رمضان؛ اگر مرض بیمار بهبودی یافت او بایستی آنروزها را قضاء کند، اما اگر بهبود نیافت و امید بهبودی هم وجود نداشت، نیازی به قضای آنروزها نیست و کافیسیت تا به ازای هر روز فدیة دهد، بدین صورت که به ازای هر روز مسکینی را طعام دهد.

علامه ابن عثیمین رحمه الله می گوید: « اهل علم مرض را به نسبت بیمار به دو قسم تقسیم کرده اند: قسمی که امید بهبودی می رود که چنین بیماری در وقت مرض افطار کند و بعد از بهبودی آنرا قضا می کند، و قسم دیگر که امید بهبودی بیمار نمی رود که به ازای هر روز یک مسکین را طعام می دهد، و این اطعام (فدیة) جایگزین روزه ای است که افطار کرده است». (فتاوی نور علی الدرب) - لابن عثیمین (216/ 48)

دندان کشی در رمضان

اول : درد دندان :

اگر کسی در ماه مبارک رمضان به درد دندان دچار است و ضرورتی به افطار پیش آید ، روزه دار میتواند بنابر بر درد شدید ، روزه خویش را افطار نماید ، زیر او در اینحالت جزو مریضی است که خداوند متعال برای آنها رخصت روزه نگرفتند داده است .
در این مورد میتوان به فتاوی (شیخ عبد العزیز بن عبد الله بن باز .. شیخ صالح الفوزان .. شیخ عبد العزیز آل الشیخ .. شیخ بکر أبو زید .) مراجعه کرد «فتاوی اللجنة الدائمة . المجموعة الثانية» (203/9)

دوم دندان کشی :

قبل از همه گفت که روزه دار اگر امکان داشته باشد ، حد اعظمی کوشش کند تا دندان خود را در رمضان نه کشد ، ولی با آنهم اگر قرار شد که در ماه مبارک اقدام به کشیدن دندان ویا پر کردن دندان نماید ، در شرع اسلامی در وقت ضرورت و دفع درد ، کدام ممانعتی در آن دیدیه نمیشود و جایز است .

همچنان پر کردن دندان و استعمال پیچکاری برای رفع درد ، در صورتیکه مواد آن از حلق فرو نرود ، نیز کدام ممانعتی ندارد ، ولی احتیاط باید کرد تا خون و داروی استفاده شده به داخل حلق نکرده ، بنابر همین احتیاط و خوف رفتن مواد و خون به داخل حلق است که ، برخی علماء کشیدن دندان بدون ضرورت را در ماه مبارک رمضان مکروه میدانند و میگویند که اگر : خون یا دوائی استعمال شده در دندان به داخل شکم برسد روزه را فاسد میگردد .

البته ناگفته نماند که اگر اندازه خون مساوی با آب دهان باشد یا غالب (بیشتر) از آن و یا مزه اش محسوس بشود روزه را فاسد می سازد ، در غیر این صورتها مفسد صوم نیست .
در حاشیه رد المختار علی الدر المختار شرح تنویر الأبصار فقه أبو حنیفة آمده است :
« أو خرج الدم من بین أسنانه و دخل حلقه یعنی و لم یصل إلى جوفه ، أما إذا وصل فان غلب الدم أو تساویا فسد و إلا ، لا ، إلا إذا وجد طعمه . بزازیة» .

و فی الرد :

« ومن هذا یعلم حکم من قلع ضرسه فی رمضان و دخل الدم إلى جوفه فی النهار و لو نائما فیجب علیه القضاء إلا أن یفرق بعدم إمكان التحرر عنه فیکون کالقیئ الذی عاد بنفسه فلیراجع» (رد المختار: 2/107)

در درمختار به نقل از فتاوی بزازیة آمده است :

وقتی که خون از میان دندان ها بیرون شود و داخل حلق شود و لکن به شکم نرسد (روزه نمی شکند) و اگر به شکم برسد در صورتی که خون مساوی با لعاب دهن باشد و یا خون به نسبت لعاب دهن بیشتر و غالب باشد روزه فاسد می شود و اگر کم از لعاب دهن باشد روزه فاسد نمی گردد مگر وقتی که مزه آن را حس نماید . و درمختار می افزاید که از این مسئله حکم کشیدن دندان در ماه مبارک رمضان نیز دانسته می شود . (برای معلومات مزید مراجعه شود : رد المختار علی الدر المختار شرح تنویر الأبصار فقه أبو حنیفة کتاب حاشیه

ابن عابدین یا به تعبیری دیگر حاشیه ردالمحتار کتابی است در فن فقه، مذهب امام ابوحنیفه النعمان رحمه الله که توسط محمد امین مشهور به ابن عابدین نوشته است. (

غسل جنابت ویا غسل تبرد :

غسل جنابت ویا غسل تبرد از گرمی، اگر روزه دار در ایام روزه غسل نماید، ویا بخاطر دفع برودت هوای گرم را اشتنشاق نماید روزه اش فاسد نمی گردد. در حدیث شریف از ابو بکر بن عبد الرحمن روایت است: «رأیت النبی (ص) یصب الماء علی رأسه من الحر وهو صائم» «دیدم پیامبر صلی الله علیه وسلم را که می ریخت آب را بر سر خود از گرمی در حالیکه روزه دار بود.» (سنن ابو داود: ۲۰۷۲، و عون المعبود: ۲۳۴۸/۴۹۲/۶)

همچنان اگر روزه دار برای دفع تشنگی غسل نماید، در صورتیکه آب به معده او داخل نگردد، روزه اش فاسد نمیگردد.

حکم بوسه کردن در روزه :

از ام سلمه رضی الله عنه روایت شده است: «أن النبی (ص) کان یقبل وهو صائم» «پیامبر صلی الله علیه وسلم بوسه میکرد در حالیکه روزه می بود» متفق علیه. از عائشه (رض) روایت شده است که: «کان رسول الله (ص) یقبل وهو صائم ویباشر وهو صائم ولكنه کان املکم لاریه» «پیامبر اسلام (ص) می بوسید در حالیکه روزه می بود و مباشره میکرد در حالیکه روزه می بود اما بود مالک ترین شما حاجت خود را.» (فتح الباری: ۱۹۲۷/۱۴۹/۴)، (صحیح مسلم: ۱۱۰۶ - ۶۵ - ۷۷۱/۲)

در مورد این که بوسه روزه را باطل نمی سازد، هیچگونه اختلاف نمی باشد. ولی اگر این بوسه، هدف و مقصود روزه را برای روزه دار متزلزل سازد فقها نظریات خاص خویش را در مورد ابراز داشته اند. که توجه شما را به حدیث متبرکه که از ابی هریره (رض) روایت گردیده است جلب مینمایم:

ابی هریره (رض) فرموده است: «أن رجلاً سأل النبی (ص) من المباشرة للصائم فرخص له و آتاه آخر فنها عنها، فإ لذی رخص له شیخ وإذا الذی نهاه شاب» (مردی پرسید از پیامبر (ص) از مباشرت روزه دار پس رخصت داد او را و آمد مرد دیگری پس منع کرد او را از آن. پس کسیکه رخصت داد او را پیر بود و کس که منع کرد او را جوان بود.) (ابو داود)

فقها میگویند برای کسیکه پیامبر صلی علیه وسلم بوسه را جایز دانسته، آن شخص، شخص پیر بود و برای آن کسیکه آنرا از بوسه نهی فرمود آن شخص، شخص جوان بود. بادر نظر داشت همین تعبیرها از حدیث متبرکه برخی از فقها بوسه را برای پیرها جواز شمرده و برای جوانان ویا کسانی که قدرت اداره خود را ندارند جایز نه شمرده اند. اما در مورد ملاعبه با همسر هنگام روزه، در صورتیکه جماع ویا انزال منی صورت نگیرد اشکالی ندارد، طوری که در حدیث متبرکه از عایشه رضی الله عنها روایت شده است که

رمضان المبارک

گفت: « پیامبر صلی الله علیه و سلم هنگام روزه (زنش) را بوسه میداد و ملاعبه میکرد» (صحیح بخاری 1927 و صحیح مسلم 1106)، لذا ملاعبه بین زوجین هنگام روزه جائز است ولی بشرطی که زوجین متأكد باشند که این ملاعبه شان به جماع منجر نشود و یا منی انزال نشود وگرنه اگر در برابر شهوت ضعیف باشند این امر برای آنها جائز نیست و باید دوری کنند زیرا ممکن است منی انزال شود و روزه شان باطل شود و یا به جماع منجر شود که کفاره روزه دو ماه پی در پی بر آنها واجب میگردد.

ابن قدامه در کتاب «المغنی» گفته است: کسی که به همسرش بوسه میزند از سه حالت خارج نیست:

- 1- منی انزال نشود، که در اینصورت بدون خلاف اهل علم روزه باطل نمیشود.
 - 2- منی انزال شود، که در اینصورت بدون خلاف اهل علم روزه باطل میشود.
 - 3- مذی خارج شود، که نزد امام احمد بن حنبل و امام مالک روزه باطل میشود و نزد امام ابو حنیفه و امام شافعی و حسن و شعبی و اوزاعی روزه باطل نمیشود زیرا در خروج مذی غسل واجب نیست، و این قول (یعنی عدم بطلان روزه هنگام خروج مذی) راجح میباشد.
- و ابن تیمیه نیز قول عدم بطلان روزه هنگام خروج مذی را ترجیح میداند و میگوید هیچ دلیلی از شریعت بر بطلان روزه هنگام خروج مذی وجود ندارد و در شرع برای باطل شمردن روزه نیاز به دلیل است ولی دلیلی نیست.

نتیجه کلی:

بوسه برای روزه دار خواه جوان باشد یا پیر مباح است، و فرق میان بوسیدن رخسار، دهن، لمس توسط دست و معانقه وجود ندارد البته این اباحت برای کسانی میباشد که میتوانند خود را اداره کنند.

اما اشخاصی که میدانند بدین ترتیب شهوتش به حرکت در آمده یا خوف جماع یا انزال وجود داشته باشد، طوریکه احناف و شوافع هر دو در مورد متفق القول اند اینکار برای روزه دار مکروه است.

باید بدانیم که شب دراز بوده و مسلمانان در روزه رمضان مانند سائر ایام در عمل مداوم میباشد، و احتمال اینکه همچو کار منجر به انزال و وقوع آنچه که در شریعت مکروه است نگردد بهتر خواهد بود، در ماه مبارک رمضان اصلاً دست به چنین کاری نزنند.

استنتاج فقهی:

با همسر خود یکجا خوابیدن، ملاعبه کردن و بوسه و کنار، تا زمانیکه خطر انزال منی و یا وقوع جماع نباشد، همه درست است. (ولی اگر به بوسه کردن و یا لمس و یا جماع در غیر فرج و دبر انزال گردد، روزه اش فاسد گردیده، بر آن قضا واجب میشود، نه کفاره.)

استمناء:

استمناء آنست که عمدآ با دست یا هر وسیله دیگر منی از بدن بیرون آورده شود. همچنان سبب استمناء اگر بوسیدن باشد یا به آغوش گرفتن اگر انزال صورت گیرد روزه

رمضان المبارک

باطل میشود، اما اگر انزال به مجرد فکر یا نظر صورت گیرد روزه باطل نمی‌گردد و حکم مذی نیز چنین است. دیدن عضو مخصوص زن و یا تفکر در امور جنسی انزال شود روزه اش مکروه نمیشود.

احتلام در روزه :

دیدن خواب یا احلام و احتلام شدن در خواب، روزه را فاسد نمی‌سازد. اگر کسی در روز رمضان در خواب محتلم شود، و منی هم از او بدون اختیار خارج گردد روزه اش فاسد نمی‌شود. ولی اگر منی به سبب بوسیدن، مباشره یا تفکر طولانی خارج گردد روزه اش فاسد شده و قضا بر او هم لازم میشود. کسی که در شب جماع نموده و تا روز غسل نکرده روزه اش فاسد نمی‌گردد، زیرا غسل امریست که به انزال واجب شده است، میدانیم که اگر روزه دار در روز محتلم شود غسل بروی لازم بوده و روزه اش فاسد نمی‌گردد پس کسکه در شب انزال شده و بعد از صبح بیدار گردیده روزه اش این شالله صحیح است.

یاد فراموشی :

یاد فراموشی یا روزه دار در مهمانی الله در رمضان : اگر روزه دار در حالت یاد فراموشی، چیزی بخورد و یا بیاشامد، روزه اش باطل نمیشود، زیرا او مهمان خداوند است. طوریکه این موضوع در حدیثی که اَبی هُرَیْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت گردیده چنین بیان گردیده است : «إِذَا نَسِيَ فَأَكَلَ وَشَرِبَ فَلَيْتَمَّ صَوْمَهُ فَإِنَّمَا أَطْعَمَهُ اللهُ وَسَقَاهُ». (ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «اگر کسی در حال فراموشی، چیزی خورد و یا نوشید، روزه اش را کامل کند، زیرا خداوند به او آب و غذا داده است.» (بخاری: 1933)

یادداشت :

برخی علماء میگویند اگر روزه دار در حالت یاد فراموشی با همسر خود همبستر (جماع) کند، روزه اش باطل نمیشود.

داخل شدن گرد و خاک و یا مکس در دهن :

اگر مکسی و یا گرد و یا خاک و یا دوابی اختیار از حلق فرورود، در صورتیکه عمدی نباشد روزه، مکروه نمیشود.

داخل شدن آب در گوش :

اگر آب در گوش داخل شود و از روی قصدی هم باشد روزه مکروه نمیشود.

حکم غذای باقی مانده در لای دندان ها :

اگر پارچه غذای باقی مانده در لای دندان ها در صورتیکه مقدار آن از دانه نخود کمتر باشد و از حلق پائین رود، روزه فاسد نمی‌گردد.

قی و استفراق در ماه مبارک رمضان :

رمضان المبارک

در این مورد علماء مذاهب چهار گانه متفق رای اند ، که اگر قی بر کس غلبه کند ، و روزه دار بی اختیار قی کند و جلو قی خود را گرفته نتواند ، هر چند که قی پر دهن باشد بیشتر و یا کمتر باشد و حتی اینکه بخش آن دوباره از حلق پایین رود ، روزه اش ناقص نمی گردد .

ولی اگر قی بصورت قصدی صورت گیرد ، و دهن پر باشد ، روزه اش فاسد ، باید قضاء بیاورد. در حدیث که از حضرت ابو هریره روایت است میفرماید : « من ذرعه القی فلیس علیه قضاء، ومن استقاء عمدا فلیقض » « هر کسی که قی براو غالب شود پس بر او قضا نیست و هر کس که عمداً قی کند پس قضا نماید . » (احمد ، ابو داود ، ترمذی ، ابن حبان ، دارقطنی و حاکم).

استعمال مسواک :

استعمال مسواک برای روزه دار و غیر روزه دار در تمام اوقات مستحب است و همین برای روزه دار، قبل از زوال و بعد از آن جایز است. به دلیل حدیث عامر بن ربیع «رضی الله عنه» که در سنن آمده است: رأیت رسول الله ما لا أُحْصِي يَتَسَوَّكُ وَهُوَ صَائِمٌ مسند احمد (445/3)، ابوداود (2364)، ترمذی (725) «چندین بار که نمی توانم آن ها را بشمارم مرتب می دیدم که پیامبر صلی الله علیه و سلم در حال روزه مسواک می زد.» در این جا این صحابی مشخص نکرده است که آیا قبل از زوال ایشان را در حال مسواک دیده است یا بعد از آن، بلکه مطلقاً مسواک زدن ایشان را روایت کرده است. ولی به احتمال غالب ایشان را بعد از زوال دیده چون نماز ظهر و عصر بعد از زوال هستند، و از آن جا که رسول الله صلی الله علیه و سلم مسواک را برای نماز تأکید کرده احتمال می رود که برای نماز ظهر و عصر مسواک می زده است.

اما آنان که مسواک را بعد از زوال مکروه دانسته اند از این حدیث استدلال کرده اند: إِذَا صُمْتُمْ فَاسْتَاكُوا أَوَّلَ النَّهَارِ وَلَا تَسْتَاكُوا آخِرَهُ بِيَهْقِي فِي الْكَبْرِيِّ (8120، 8121) هر وقت روزه گرفتید در ابتدای روز مسواک بزنید و در آخر آن مسواک نزنید. حدیث مذکور ضعیف و غیر قابل استدلال می باشد. اینان همچنین از گفتار پیامبر صلی الله علیه و سلم استدلال می کنند که فرموده است: «لَخُلُوفٌ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمَسْكِ» (متفق علیه)، یعنی: « بوی دهان روزه دار نزد الله تعالی از بوی مشک خوشبوتر است.»

روش استدلال این ها بدین صورت است که چون مسواک بوی دهان را تغییر می دهد، از زدن مسواک خود داری نمود. این توجیه نادرست است، زیرا مسواک بوی مخصوصی را که در اثر روزه به وجود می آید از بین نمی برد، زیرا بوی دهان در اثر عدم رعایت بهداشت دهان و دندان نیست، بلکه نشأت گرفته از معده می باشد، و با خالی بودن معده از خوراک بد بویی از دهان خارج می شود و این بو از نظر مردم ناپسند است ولی از نظر خداوند بسیار دوست داشتنی و پسندیده است. پس مسواک بوی دهان روزه دار را از بین نمی برد بلکه صرفاً دندان ها را تمیز نموده و بد بویی دندانها را از بین می برد نه بویی را که از معده بیرون می آید.

رمضان المبارک

اگر در وقت مسواک زدن و غیر مسواک کردن دهن خون شود و بالعاب دهن از حلق پایین رود، اما مقدار آن از لعاب دهن کمتر بوده و طعم آن در حلق احساس نشود روزه را نمی شکند.

چشیدن طعم اشیا ء :

چشیدن طعم اشیا ء ، با دهن نرم کردن و جویدن یکنوع چوبیکه بوسیله آن دندان ها را پاک میکند ، البته بدون مسواک روزه را مکروه میگرداند.

نرم کردن و جویدن نان :

برای زن جویدن و نرم کردن طعام به طفلش ، مکروه بوده ولی در صورتیکه چاره ای دیگر وجود نداشته باشد ، روزه اش مکروه نمیگردد.

کشیدن نصور و سگریت در ماه مبارک رمضان

درباره استعمال سیگار و نصور در ماه مبارک رمضان ، علماء و فقها بعد از تحقیق و نظر در مورد اثرات آنها بر وجود انسان، به چنین به نتیجه رسیده اند : و میفرمایند که : هر دو آن روزه را نقض میکند. زیرا علماء به روی یک قاعده کلی این حکم را صادر کرده اند که آن قاعده عبارت از است: هر چیزیکه به جوف معده یا به جوف دماغ داخل شود و انسان را تقویه و آرامش بخشد، روزه را نقض می نماید، سیگار و نصور از همان چیزهای است که هم به جوف دماغ داخل میشوند و هم انسان را تقویه میبخشد. بناء هر دو سبب برای نقض و فساد روزه می شود.

از جانب دیگر کشیدن سگریت و استعمال نصور اساساً برای صحت و سلامتی انسان مضر است لذا استعمال مواد مخدره در دین مقدس اسلام حرام اعلان شده است . استعمال مخدرات چه در رمضان باشد و چه در غیر رمضان ناجایز و حرام است. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است: «لا ضرر و لا ضرار» ، یعنی: (نه ضرر به خود برسانید و نه به دیگران)، (حدیث : صحیح از روایت ابن ماجه) پس استعمال مواد مسکرات و مخدرات که برای صحت انسان و دیگران مضر میباشد جائز نیست. همچنان در ضمن باید گفت : کسیکه در هنگام روزه نصور را استعمال و یا هم سیگار میکشد ، مخالف روح و آداب ماه مبارک رمضان عمل مینماید ، بدون شک و به حکم انفاقی همه ای علماء و فقهای اسلامی نه تنها روزه اش باطل میگردد بلکه گنهگار هم میگردد .

آداب روزه :

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است : « إن فی الجنة باباً یقال له : الریان یدخل منه الصائمون یوم القيامة ، لا یدخل منه احد غیرهم ، فاذا دخلو اغلق ، فلم یدخل منه احد » - ماه مبارک رمضان متبرک ، ماه عبادت ، ماه تقوا و ماه مبارک است که مسلمانان به تجدید توبه پرداخته و در این ماه توبه ها قبول میگردد.

- بر روزه دار لازم است که اخلاق بد را ترک گفته و خود را با خلق نیکویی متمسک

رمضان المبارک

ساخته و خود را از غیبت و سخنان بیهوده نگهدارد تا خداوند (ج) روزه اش را قبول نماید.

- مسلمانان در ایام متبرکه روزه باید خود را از شهوت، دروغ، غیبت، و از گفتار زاید نگاه داند.

- مسلمانان باید در ماه مبارک رمضان به دادن صدقه و خیرات بپردازند از جنگ پیر هیزند و با حسن معاملات با اهل بیت و کافه انسانها رفتار کند.

از ابو هریره (رض) روایت گردیده است: که پیامبر (ص) فرمود: «إِذَا كَانَ يَوْمٌ صَوْمٌ أَحَدِكُمْ فَلَا يَرْفُثْ وَلَا يَصْخَبْ، فَإِنْ شَاءَ تَمَهُ أَحَدٌ أَوْ قَاتَلَهُ فَيَلْقَى إِيَّاهُ صَائِمٌ، وَالَّذِي نَفَسَ مُحَمَّدٌ بِيَدِهِ لَخُلُوفِ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمَشْكَ، وَاللَّصَائِمُ فَرِحْتَانِ: إِذَا أَفْطَرَ فَرِحَ بِفِطْرِهِ؛ إِذَا لَقِيَ رِبَةً فَرِحَ بِصَوْمِهِ» «اگر یکی از شما روزه دار باشد، باید از گفتن پوچ و صحبت های لهو و لعب جلوگیری کند، و به کسی دشنام ندهد، و اگر کسی او را مجبور به دشنام دادن سازد، باید در جوابش بگوید من روزه دار هستم. و قسم به ذاتی که نفس محمد صلی الله علیه وسلم در دست او است که بوی دهن روز دار خوشبو تر است نزد خداوند از بوی مشک.»

خوشی های روزه:

روزه دار دارای دو خوشی میباشد، اولین آن افطار است، زمانیکه روزه خویش را افطار میکند و به افطار خود خوشحالی خاصی برایش رخ میدهد. دومین خوشحالی زمانی است که شخص روزه دار پروردگار خود را ملاقات میکند به روزه خویش می بالد و افتخار میکند.

در حدیثی از ن ابی هریره (رض) روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: «مَنْ لَمْ يَدَعْ قَوْلَ الزُّورِ وَالْعَمَلَ بِهٖ فَلَيْسَ لَهِ حَاجَةٌ اِنْ يَدَعَ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ» (مسلم و نسائی) «کسیکه ترک نکند سخن دروغ و عمل به آنرا پس نیست خداوند را حاجتی در این که ترک کند طعام و نوشیدنی خود را» از فحوای حدیث متبرکه معلوم میشود که چنین شخصی از روزه خود ثواب هم نمی برد.

روزه ی اعضا

بدن روزه دار به کسی اطلاق میگردد که تمام اعضای بدون در فضیلت روزه سهیم شوند. در تعریف فلسفه روزه ی کامل آمده است که تمامی اعضای بدن باید با شرایط روزه برابر باشد. طوریکه پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید: «هرگاه کسیکه سخنان بد و عمل به بدی ها را ترک نکند، الله (جل جلاله) هیچ نیازی به ترک خوراک و نوشیدنی هایش ندارد.» انسان مسلمان کوشش می کند که در ماه مبارک رمضان با تمامی اعضای بدن خویش الله (جل جلاله) را عبادت کند از جمله:

زبان روزه دارد:

مسلمان با زبان خود روزه میگیرد، شخص روزه دار باید زبان خود را از گفتن سخنان ناجایز

رمضان المبارک

مانند غیبت، سخن چینی، مزاح های بیجا، زیاد سخن گفتن، ریشخند بر دیگران حفظ کند، تا زبانش به دوری از بدیها عادت نموده و به برکت روزه ماه مبارک رمضان در سایر ماهها نیز زبان خود را به عبادت الله (جل جلاله) عادت دهد.

شخص روزه دار نه تنها خودش با کسی جنگ و تجاوز و بی ادبی نمیکند، بلکه حتی در حالاتیکه شخص دیگری برایش اذیتی برساند و یا دشنامش دهد نیز صبر میکند. پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید که هرگاه کسی با روزه دار جنگ کند و یا او را دشنام دهد او برایش میگوید که من روزه دار هستم.

فلسفه بوی دهان روزه دار :

بوی دهان روزه دار، به نزد الله از مشک بهتر تر است، اگرچه الله انسانرا به نظافت و پاکي امر نموده و پیامبر صلی الله علیه وسلم برای پاکي دهان مسواک نمودن و شستن دهان را سنت قرار داده است، تا دهان کسی مکروبی نشده و بوی ندهد و همچنان پیامبر صلی الله علیه وسلم کسانی را که سیر و پیاز خام خورده باشند، از رفتن به مسجد منع نموده است، تا بوی دهان آنان سبب اذیت نماز گزاران نکردد، ولی دهان انسان روزه دار، در جریان روزه، شاید بویی دهد، که این بوی ولو که خوشایند هم نباشد، به نزد الله بی نهایت باارزش بوده و نسبت به مشک برتر است، زیرا علت این بوی، بی توجهی در نظافت نه، بلکه روزه داشتن مطابق حکم الهی است. (حدیث بخاری 1761)

چشمان روزه دار:

انسان روزه دار سعی و تلاش میورزد، تا چشمان خود را از دیدن محارم حفظ نموده و هر لحظه چشمان خود را به دیدن قرآن و مطالعه کتب و نشستن با صالحان و دانشمندانیکه او را به نیکی ها تشویق میکند عادت میدهد.

گوش روزه دار:

بر اساس ارشادات الهی و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم انسان روزه دار گوش خود را روزه دار میسازد و از شنیدن تمامی اموریکه در آن رضایت الله (جل جلاله) نبوده اجتناب میورزد، گوش خود را به شنیدن تلاوت قرآن، احکام الهی، نصیحت ها، و سایر امور مثبت مشغول میسازد.

دست روزه دار:

هرگاه کسی دستانش را به نیکی ها عادت داده و برای دسترسی به فقراء مصروف سازد و برای رفع مشکلات انسانهای مظلوم سعی و کوشش ورزد.

قلب روزه دار:

قلب انسان زمانی روزه دار مییاشد که فکر و اندیشه اش را بسوی نیکی ها داشته باشد، او هیچگاهی برای بدی ها فکر نمیکند، بلکه کوشش میکند که با داشتن روزه، اندیشه خود را به مثبت گرایی توجیه نماید. از اشتباهات قبلی دیگران که در حق وی نموده اند گذشت نموده و خود را آماده دوستی و محبت با دیگران سازد.

نفس روزه دار:

انسان روزه دار کوشش میکند که نفس خود را تربیه نموده، او را از نفس اماره بالسوء به نفس لوامه و از آن به بعد به نفس مطمئنه مبدل سازد. و در نهایت باید که شکم روزه دار خوردن غذا و نوشیدن حرام در امان باشد، و شر مگه از زنا امتناع کرده و خود را به آنها الوده نسازند در این وقت است که گفته میتوانیم که اعضاء بدن ما واقعاً روزه هستند.

نماز تراویح

یکی از خصوصیات ماه مبارک رمضان، بمثابة عبادت مسمی میباشد، خواندن نماز تراویح با جماعت در شبهای مبارک رمضان میباشد.

ابن حجر عسقلانی در معنای « تراویح » میفرماید:

کلمه « تراویح » جمع « ترویحة » است، یعنی « یک راحتی »، مانند کلمه « تسلیمه » که بمعنای « یک سلام » میباشد و از کلمه سلام گرفته شده، و نمازهای جماعت شبهای رمضان را « تراویح » میگویند، زیرا اولین باری که نماز « تراویح » بصورت جماعت شروع شد نماز گزاران بین هر دو سلام نماز کمی استراحت میکردند.

پیامبر صلی الله علیه و سلم در مورد مقام و منزلت نماز تراویح فرموده اند: « مَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ ». (بخاری 2009) (هر کسی که قیام رمضان را از روی ایمان و اخلاص بجای آورد، گناهای گذشته اش بخشیده میشود). شیخ الاسلام امام نووی رحمة الله علیه فرمودند: «منظور از قیام رمضان نماز تراویح میباشد».

مشروعیت نماز تراویح :

مستحب است که نماز تراویح در مساجد و بصورت جماعت برگزار گردد. هر چند اگر بصورت تنهای در منزل و در مسجد نیز خوانده شود، مشروع و جایز است. در اوایل پیامبر صلی الله علیه و سلم نماز تراویح را در مسجد و بصورت جماعت با اصحاب خود رضی الله عنهم برگزار می نمود ولی بعداً اصحاب نماز را بصورت تنها و انفرادی در مسجد برگزار می کردند. زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم می ترسیدند که با ادامه این روند یعنی برگزار نمودن منظم جماعات تراویح، این امر برای اصحابشان پیش بیاید که نماز تراویح فرض است در حالیکه نماز تراویح فرض نیست و سنت است. لذا پیامبر صلی الله علیه و سلم بعضی از شبها را جماعت می خواند و بعضی دیگر در منزل می خواندند و به مسجد نمی رفتند و جماعت برگزار نمی شد و هر کدام از اصحاب تنهایی نماز تراویح را می خواندند.

چنانچه حدیثی از عایشه رضی الله عنها روایت است که در آن اشاره دارد به اینکه پیامبر صلی الله علیه و سلم فقط دو شب در مسجد با اصحابشان نماز تراویح را بصورت جماعت خواندند و لی در شب سوم رسول الله صلی الله علیه و سلم به مسجد تشریف نیاوردند، صبح از ایشان در مورد غیابشان سوال می شود و ایشان صلی الله علیه و سلم می فرمایند: « رأیت صنیعکم فلم یمنعنی من الخروج الیکم الا ائی خشییت أن تُفرض علیکم »

رمضان المبارک

یعنی: «گرد آمدن شما را دیدم ولی چیزی مانع آن نشد که، برای نماز جماعت، به سوی شما بیایم مگر آنکه ترسیدم که، نماز تراویح، بر شما فرض گردد». (بخاری 1129).

بنابراین باید گفت که: جماعت برگزار کردن برای نماز تراویح سنت است و نه واجب، بعدها که بارحلت پیامبر صلی الله علیه وسلم و در نتیجه آن پایان تشریح در دین اسلام، ترس از اینکه نماز تراویح برای مردم واجب گردد، باقی نماند، اصحاب تصمیم گرفتند که نماز تراویح را بصورت جماعت و در مسجد بخوانند (به اقتدا به پیامبر که اوایل تشریح نماز تراویح چنین می کردند).

چنانکه در حدیثی دیگر از ام المومنین عایشه رضی الله عنها، بعد از اینکه حدیث فوق الذکر را روایت می کنند آمده است که: «فتوفی رسول الله صلی الله علیه وسلم والامر علی ذلک، ثم کان فی خلافة ابی بکر و صدر من خلافة عمر، حتی جمعهم عمر بن الخطاب علی ابی بن کعب، فقام بهم فی رمضان، وکان ذلک اول اجتماع الناس علی القاری واحد فی رمضان» (بخاری - 924) یعنی: «و پیامبر صلی الله علیه وسلم فوت کردند و روال بر همین بود، سپس در زمان خلافت ابوبکر و همینطور در اوایل خلافت عمر نیز همان گونه بود، تا اینکه عمر مردم را برای نماز تراویح به امامت ابی بن کعب جمع نمود، و نماز تراویح را به آنها در رمضان اقامه نمود، و این اولین جماعت مردم بر یک قاری و امام واحد بود.»

کسانیکه می گویند جماعت خواندن نماز تراویح بدعتی بود که عمر ابن خطاب رضی الله عنه ایجاد نمود، به خطا رفته اند و استدلال شان از حقیقت دور است. زیرا همانطور که قبلاً یادآور شدیم در زمان حیات رسول الله صلی الله علیه وسلم بعضی از شبها نماز تراویح با جماعت برگزار می شد و دلیل ترک جماعت نماز تراویح از سوی پیامبر، فقط ترس از فرض دانستن مردم بود.

تعداد رکعات نماز تراویح:

چون هیچ حدیثی از شخص رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد تعداد مشخص رکعات نماز تراویح روایت نشده، و آنچه که به آن استناد می شود فقط قول و عمل اصحاب رضی الله عنهم است، لذا علما در تعداد رکعات تراویح اختلاف دارند، از جمله گفته اند که:

- نماز تراویح یازده رکعت است.

- برخی از علماء میگویند نماز تراویح بیست رکعت بدون نماز وتر است از جمله (امام شافعی و ابن مبارک و روایتی از عمر و علی رضی الله عنهما)

- برخی از علماء میگویند نماز تراویح سی و شش رکعت تراویح و سه رکعت وتر. (از جمله امام مالک).

- برخی از علماء میگویند که نماز تراویح چهل رکعت نماز تراویح و هفت رکعت وتر.

و اقوال متعدد دیگری در زمینه وجود دارد، که هیچ کدام برای اثبات ادعای خود حدیثی از خود پیامبر صلی الله علیه وسلم ذکر نکرده اند الا قول و فعل صحابی، البته هر چند که در بین مسلمانان یازده رکعت بیشتر رواج دارد و بعضی کوشیده اند تا آنرا اثبات کنند، چنانکه عمر ابن خطاب رضی الله عنه به ابی بن کعب رضی الله عنه امر نمود که یازده رکعت برای مردم

رمضان المبارک

امامت کند و همینطور حدیثی از عایشه رضی الله عنها که می گوید پیامبر صلی الله علیه وسلم از یازده رکعت بیشتر خوانده اند (در بخاری 1147) - ولی با توجه به اینکه بیشتر از این مقدار هم خوانده شده است، بستگی به طاقت شخص هر چقدر که توانست بصورت دور رکعت دور رکعت بخواند، و این قول امام احمد حنبل و ابن تیمیه رحمهم الله است. (کشاف القناع - 425/1 و مجموع الفتاوی ابن تیمیه - 272/22).

ابن تیمیه در کشاف القناع مینویسد: « بنابر این کسانی که گمان می برند که نماز تراویح در شبهای رمضان مقدار مشخصی داشته که نه کم می شود و نه زیاد، دچار اشتباه شده اند». همچنین دار الافتا کشور عربستان سعودی در مورد رکعت های نماز تراویح طی فتاوی مینویسد:

« باید دانست که بیشتر از یازده رکعت و سیزده رکعت خواندن هیچ مانعی ندارد؛ زیرا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نماز شب را محدود به رکعات مشخصی نکرده اند، بلکه بر عکس زمانی که از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مورد نماز شب پرسیده شد، فرمودند: « مَثْنَى مَثْنَى؛ فَإِذَا خَشِيَ أَحَدُكُمْ الصُّبْحَ صَلَّى رَكْعَةً وَاجِدَهُ تُوتِرُ لَهُ مَا قَدْ صَلَّى » (متفق علیه، بخاری (990/472)، مسلم).

(نماز شب دو رکعت، دو رکعت است، پس هر گاه یکی از شما بيم آن را داشت که وقت نماز صبح فرا برسد يك رکعت نماز بخواند و با آن نمازهای قبلیش را وتر کند).
(البته با توجه به بقیه احادیث جایز است نماز وتر، سه یا پنج یا هفت یا نه رکعت خوانده شود) با این توضیح به این نتیجه می رسیم که نماز شب، تراویح، محدود به عدد مشخص نیست، بنابراین نماز شب در رمضان و غیر رمضان محدود نیست بلکه امر، وسیع است و به هر تعداد که می توانند بخوانند.»

بر این اساس شما می توانید در مسجد خود یازده یا بیست رکعت بخوانید و بهتر است برای هماهنگی و عدم تفرقه همان بیست رکعت را بخوانید، زیرا به طور قطع نمی توان گفت که یازده رکعت سنت است یا بیست رکعت! (هر چند که بنظر یازده رکعت به رای صواب نزدیکتر است).

در ضمن عمل اهل مکه یا مسجد الحرام برای ما مسلمانان حجت نیست بنابراین ما باید تابع کتاب و سنت باشیم نه تابع گروه یا سرزمینی خاص، هر چند که آنها در مسجد الحرام بیست رکعت می خوانند!

استراحت در نماز تراویح:

علماء اتفاق دارند که بعد از هر دو بار دو رکعتی، یعنی چهار رکعت، می توان استراحت نمود چرا که سلف صالح نیز چنان کرده اند، آنها نماز طویلی داشته اند و بعد از هر چهار رکعت برای استراحت مقداری می نشستند.

دلیل استراحت بعد از هر چهار رکعت را میتوان در این روایت از عایشه رضی الله عنه ربط داد: « عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا: أَنَّهَا سُئِلَتْ عَنْ صَلَاتِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي رَمَضَانَ، فَقَالَتْ: مَا كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَزِيدُ فِي رَمَضَانَ وَلَا فِي غَيْرِهِ عَلَى إِحْدَى عَشْرَةَ

رمضان المبارک

رُكْعَةً، يَصَلِّي أَرْبَعًا، فَلَا تَسَلُّ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَطُولِهِنَّ، ثُمَّ يَصَلِّي أَرْبَعًا، فَلَا تَسَلُّ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَطُولِهِنَّ، ثُمَّ يَصَلِّي ثَلَاثًا...» (بخاری: 1147).

(از عایشه رضی الله عنها درباره نماز شب رسول الله صلی الله علیه وسلم در رمضان، سؤال شد. فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم در رمضان و غیر رمضان، بیشتر از یازده رکعت، نمی خواند.

ابتدا چهار رکعت می خواند و آنها را بسیار زیبا و طولانی می نمود. سپس، چهار رکعت دیگر میخواند. و آنها را نیز بهمان زیبایی رکعات اول، ادا می کرد. و در پایان، سه رکعت دیگر می خواند. (البته فراموش نشود که ذکر این یازده رکعت یکی از استنادات علما عبه تعداد رکعات تراویح است).

چنانچه ملاحظه می شود، حدیث اشاره به چهار رکعت چهار رکعت دارد و این فهم را می رساند که پس از هر چهار رکعت، که در واقع بصورت دو بار دو رکعتی است، استراحتی صورت گرفته است.

مقدار قرائت قرآن در نماز تراویح:

در مورد اینکه در رکعت های نماز تراویح به چه مقدار قرائت از قرآن کریم بعمل آید، در شرع در این مورد هم مقدار مشخصی برای خواندن قرآن در سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نگردیده است. آنچه که وجود دارد آنست که پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز شب را طولانی نموده اند.

بنابراین بستگی به طاقت نمازگزاران تا هر جایی که توانایی داشتند نماز را طولانی کنند. اما برخی از علمای از جمله امام حنبل و امام ابوحنفیه ختم قرآن عظیم الشان را در نماز تراویح در طول ماه مبارک رمضان، مستحب دانسته اند. (توضیح بیشتر را میتوان در فتح القدیر 335/1 و المغنی ابن قدامه 169/2 مطالعه فرماید).

یادداشت:

در رکعت نماز تراویح چه بشکل انفرادی ادا گردد و یا بشکل نماز جماعت ادا گردد، خواندن سوره فاتحه و بعد از آن چند آیه کوتاه خوانده شود کدام ممانعتی ندارد، نباید بصورت حتمی در آن ختم قرآن عظیم الشان صورت گیرد، ولی خواندن سوره فاتحه که رکن نماز است و یک سوره دیگر کفایت میکند.

در ضمن هیچ دلیلی وجود ندارد که دعاهای شب قدر تماما مستجاب خواهند شد ولی مستحب است که در این شب به ذکر و تلاوت قرآن و دعا و نیایش پرداخت:

طوریکه در فوق یاد آور شدیم: در حدیث شریف آمده است: « من قام ليلة القدر إيمانا واحتسابا، غفر له ما تقدم من ذنبه » (هر کس از روی ایمان و به قصد قربت شب قدر را (برای نماز و نیاز) به پا خاست، آنچه که از گناهانش گذشته است بر وی آمرزیده می شود. » و اگر هم دعای فرد معتکف در این شب اجابت نشد، باز اجر زیادی به سبب آن دعا ها می برد زیرا دعا خود عبادت است بنابراین جدای از اینکه اجابت می شود یا خیر، به سبب این عبادت دارای اجر و ثواب خواهد شد ان شاء الله.

ختم قرآن عظیم الشان در نماز تراویح:

در دین مقدس اسلام ماه مبارک رمضان به ماه قرآن شهرت دارد، چرا که قرآن عظیم الشان در این ماه و آنهم در شب لیلة القدر نازل شده، و اجر عبادت یکجا با تلاوت و ختم قرآن عظیم الشان در این ماه چند برابر میشود، لذا یکی از بهترین اعمالی عبادی که يك شخص مسلمان در این ماه باید انجام دهد کثرت تلاوت قرآن عظیم الشان است، خواه این قرائت در نماز تراویح صورت گیرد و چه خارج از نماز تراویح.

بنابراین، در نماز تراویح و یا تهجد نیز میتوان قرآن عظیم الشان را خواند تا اینکه ختم کرد، و در حدیث صحیح از ابن عباس وارد شده است که: «کان النبی صلی الله علیه و سلم أجود الناس بالخیر، و کان أجود ما یکون فی رمضان حین یلقاه جبریل، و کان جبریل علیه السلام یلقاه کل لیلة فی رمضان حتی ینسلخ، یرض علیه النبی صلی الله علیه و سلم القرآن، فإذا لقیه جبریل کان أجود بالخیر من الريح المرسله» (متفق علیه)

یعنی: «پیامبر صلی الله علیه و سلم سخاوتمندترین مردم از لحاظ خیر بود و در ماه رمضان وقتی که جبرئیل او را ملاقات می‌کرد بیشتر سخاوتمند می‌شد، و جبرئیل هر شب در ماه رمضان تا پایان ماه با او ملاقات می‌کرد و پیامبر صلی الله علیه و سلم قرآن را بر او می‌خواند و وقتی که جبرئیل با او ملاقات می‌کرد، او برای بخشش خیر، از تندباد سریع‌تر می‌شد». و میتوان گفت که قرائت کل قرآن در نماز تراویح يك نوع از این مدارسه بشمار میرود زیرا تمامی قرآن را مرور میکند، لذا امام احمد بن حنبل دوست داشت کسی که امامت را بعهده بگیرد تمامی قرآن را در نماز تراویح ختم کند، لذا اگر تمامی قرآن در نماز مراجعه و ختم شود بهتر است زیرا تمامی آیات قرآن مرور میشود، ولی نباید بحجت ختم کردن قرآن به سرعت قرائت طوری افزود که معلوم نشود امام چه می‌خواند و خشوع را از بین ببرد، وگرنه آرام‌تر خواندن و کمتر خواندن قرآن از این بی‌خشوعی بهتر است و لو اینکه قرآن را با آن بی‌خشوعی ختم کند.

نا گفته نماند که ائمه اربعه در ماه رمضان معمولاً دروس علمی و حدیث را تعطیل میکردند و فقط مشغول خواندن قرآن میشده اند.

تلاوت قرآن برای امام از روی مصحف در نماز تراویح :

علماء بدین عقیده اند که در قیام رمضان خواندن قرآن عظیم الشان از روی مصحف کدام ممانعت شرعی ندارد، چون از این طریق مقتدیان تمام قرآن را می‌شنوند و دلایل شرعی کتاب الله و سنت رسول الله از مشروعیت قرائت قرآن در نماز حکایت دارند و این دلایل عام است و قرائت قرآن را در نماز چه از حفظ و چه از روی مصحف شامل می‌شود. ثابت شده که ام‌المؤمنین عائشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا به برده‌ی آزاد شده‌اش (ذکوان) دستور داد تا او را در قیام رمضان امامت دهد و ذکوان در نماز از روی مصحف قرآن می‌خواند. برای معلومات مزید مراجعه شود: (بخاری. کتاب الجماعة و الامامة، باب امامة العبد و المولى. بعد (691)).

حضرت عمر و نماز تراویح:

در نزد تعداد از مسلمانان شایع طوری است که حضرت عمر بن خطاب، رضی الله عنه، در مورد نماز تراویح فرموده که: «نعمت البدعة هذه» این بدعت خوبی است؟ اگر واقعاً این فرموده حضرت عمر (رض) باشد پس چرا ما سایر بدعت ها را گمراهی بنامیم؟ حتی برخی از متأخرین به این سخن حضرت عمر رضی الله عنه استدلال کرده و آن را مخصص «کل بدعة ضلالة» یعنی هر بدعتی گمراهی است، قرار داده اند. در جواب باید گفت: این استدلال مردود است؛ چرا که مشروعیت نماز تراویح به نص حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده است.

از جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده که «وقتی که پیامبر صلی الله علیه وسلم به همراه مردم یکی از شبهای ماه رمضان را احیا می کرد، هشت رکعت نماز (تراویح) می خواند و (بعد از آن) نماز وتر را بجای می آورد». (این حدیث صحیح است که طبرانی در «المعجم الصغير» و ابن حبان در صحیح خود آن را روایت کرده اند و این حدیث به صراحت نشان می دهد که نماز تراویح بدون نماز وتر هشت رکعت است.)

مشروعیت به جماعت خواندن نماز تراویح هم بدین خاطر است که پیامبر صلی الله علیه وسلم سه شب آن را با اصحاب به صورت جماعت خوانده است، ولی پیامبر صلی الله علیه وسلم از ترس اینکه مبدا نماز تراویح بر مسلمانان واجب گردد از آن پس آن را به صورت جماعت نخوانده است.

دلیل این امر حدیثی است که مسلم و بخاری از حضرت بی بی عایشه رضی الله عنها روایت کرده اند که در آن آمده است: «ولکن خشیتُ أن تفرض علیکم فتعجزوا عنها» «ولی ترسیدم که (نماز تراویح) بر شما واجب گردد و از عهده آن بر نیایید». اما با تمام شدن وحی ترس واجب شدن نماز تراویح منتفی گردید، و در نتیجه مستحب بودن به جماعت خواندن آن به حالت خود باقی ماند؛ چرا که علت و معلول در وجود و عدم با یکدیگر مرتبط هستند.

با توجه به آنچه گفته شد در می یابیم که بدعت به اصطلاح شرعی تنها در موارد مذموم به کار می رود ولی در لغت هر چیزی که بدون نمونه قبلی به وجود بیاید، بدعت نامیده می شود؛ خواه محمود و پسندیده باشد و یا مذموم و ناپسند.

شیخ الاسلام ابن تیمه رضی الله عنه در این باره گفته است: «اما قول عمر رضی الله عنه که گفته است: نعمت البدعة هذه، اکثر کسانی که به آن استدلال کرده اند اگر بخواهیم چیزی را که هیچ مخالفتی با سنت نبوی ندارد با سخن عمر رضی الله عنه ثابت کنیم، می گویند قول صحابی حجت نیست. پس اگر قول عمر رضی الله عنه مخالف حدیث نبوی باشد به طریق اولی نباید به آن اعتقاد داشت.

ولی در هر دو صورت معارضه حدیث با قول صحابی صحیح نیست بلی، تخصیص عموم حدیث (که به دو صورت روایت شده است) با قول صحابی که با یکی از ده روایت حدیث مخالفتی ندارد، صحیح است و این تنها ب حسن بدعت مورد نظر صحابی دلالت می کند نه

غیر آن. و تنها چیزی که در سخن عمر وجود دارد این است که به جماعت خواندن نماز تراویح را بدعت حسنه نامیده است، و این نامگذاری یک نامگذاری لغوی است نه شرعی. و این بدین خاطر است که بدعت لغوی بر هر چیزی که بدون نمونه ی قبلی انجام گرفته باشد اطلاق می شود در حالی که بدعت شرعی آن است که مستند به یک دلیل شرعی نباشد. پس اگر نصی از رسول الله صلی الله علیه وسلم وجود داشته باشد که بر مستحب بودن و یا وجوب کاری بعد از مرگ پیامبر صلی الله علیه وسلم و یا به طور مطلق دلالت کند و تنها بعد از مرگ پیامبر بدان عمل شود مانند صدقه (بردن میراث پیامبران) که ابوبکر رضی الله عنه آن را روایت کرده است، پس اگر کسی بعد از مرگ پیامبر صلی الله علیه وسلم آن کار را انجام دهد، می تواند کار او را در لغت بدعت نامید؛ چرا که از ابتدا و بدون نمونه ی قبلی آن را انجام داده است.

همان طور که دینی که پیامبر صلی الله علیه وسلم آورده است در لغت بدعت و محدث نامیده می شود. « شاهد این امر آیه 2 از سوره ی انبیا است که می فرماید: « مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مَنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ » هیچ بخش تازه ای از قرآن از سوی پروردگارشان بدیشان نمی رسد مگر اینکه آن را (به شوخی) می شنوند و به بازی می گیرند». در این آیه هیچ دلیلی مبنی بر مخلوق بودن قرآن وجود ندارد. کاری که مستند به کتاب و سنت باشد، اگر چه در لغت بدعت نامیده شود، در اصطلاح شرعی بدعت به حساب نمی آید؛ چرا که لفظ بدعت در لغت عام تر از اصطلاح شرعی آن است. و معلوم است که منظور پیامبر از «کل بدعة ضلالة» هر کاری که از ابتدا و بدون نمونه ی قبلی انجام گیرد نیست، بلکه منظور وی اعمالی است که وی آن ها را تشریح نکرده است. (تفصیل موضوع: ابن تیمیہ، اقتضاء الصراط المستقیم، مخالفة أصحاب الجحیم، ص 275-277).

اذکار وارده در نماز تراویح:

در مورد اینکه در فاصله چهار رکعتی در نماز تراویح چه اذکار و اوراد خوانده شود، مطابق روایات اسلامی هیچ ذکر و اوراد مشخص و معینی در این استراحتها وجود ندارد و تشریح نشده است چنانکه برخی از مسلمانان بنا بر به ابتکار و زعم خویش در بین این استراحتها به خواندن بعضی از اوراد و اذکار بدعی مبادرت می ورزند.

ولی مصلین میتوانند در بین این استراحت اذکاری مانند: استغفر الله، سبحان الله، الحمد لله، و غیره، با خود بخوانند تا اینکه امام دوباره شروع به نماز کند، ولی اگر خواندن این اذکار با صدای بلند باشد و یا با هم بصورت جماعی باشد، بدعت است، زیرا از پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحابش چنین چیزی وارد نشده است.

اما در مورد «سبحان الملك القدوس» سنت است که بعد از نماز وتر 3 مرتبه خوانده شود ولی در دفعه سوم این جمله را اضافه میکنید (رب الملائكة و الروح) و کمی با صدای بلند تر آنرا میگویید و صدایت را کمی میکشید (روایت نسائی و دار قطنی).

خوانندگان محترم!

غرض معلومات باید به عرض برسانم که در افغانستان عزیز ما معمولاً دعای ذیل توسط

رمضان المبارک

یکتن از نماز گزاران به آواز بلند خوانده میشود: « سبحان ذی الملك و الملکوت ، سبحان ذی العزة و العظمة و القدرة و الکبریاء و الجبروت ،سبوح ، قدوس ربنا و رب الملائكة و الروح». ویا دعای ذیل:

سبحان ذی الملك و الملکوت، سبحان ذی العزه و العظمه و القدره و الکبریاء و الجبروت، سبحان الملك الحی الذی لاینام و لایموت، سبوح قدوس ربنا و رب الملائکه و الروح، لا اله الا الله نستغفر الله نسلک الجنه و نعوذ بک من النار، سبحان ذی الملك و الملکوت، سبحان ذی العزه و العظمه و القدره و الکبریاء و الجبروت، سبحان الملك الحی الذی لاینام و لایموت، سبوح قدوس ربنا و رب الملائکه و الروح، لا اله الا الله نستغفر الله نسلک الجنه و نعوذ بک من النار، سبحان ذی الملك و الملکوت، سبحان ذی العزه و العظمه و القدره و الکبریاء و الجبروت، سبحان الملك الحی الذی لاینام و لایموت، سبوح قدوس ربنا و رب الملائکه و الروح، لا اله الا الله نستغفر الله نسلک الجنه و نعوذ بک من النار، یا ارحم الراحمین یا ارحم الراحمین، یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام.

چرا نماز تراویح رابا جماعت خواند :

نماز تراویح به علتی در ماه مبارک رمضان به بصورت جماعت خوانده می شود، چون پیامبر صلی الله علیه وسلم سه روز در شبهای رمضان بعد از نماز عشاء، نماز تراویح (نماز شب) را در مسجد خواندند و مردم نیز به او اقتداء کردند و همراه او بصورت جماعت نماز شب (تراویح) خواندند، ولی شب چهارم که مردم منتظر بودند تا ایشان بیایند، ایشان خودداری کردند و هنگامی که علت نیامدن را از ایشان پرسیدند، فرمود: می ترسیدم اگر همچنان ادامه دهم، خدا آن نماز را بر شما فرض گرداند و شما نتوانید آنرا انجام دهید.

یعنی در آن چند شب آن قدر مردم برای نماز شب جمع شدند و رغبت نشان دادند که پیامبر صلی الله علیه وسلم نگران آن بود مردم آن را فرض تلقی کنند و بعداً از ادای آن عاجز شوند، پس پیامبر آن را در مسجد ترک کرد تا بدانند که جماعت خواندن نماز شب در ماه رمضان واجب نیست، بلکه مستحب است، سپس خود ایشان باقیمانده ماه رمضان را در خانه نماز خواند.

و چون قاعده اینگونه است که:

با وفات پیامبر صلی الله علیه وسلم وحی قطع می گردد، و لذا تشریح تمام می شود و دیگر ترس از تشریح باقی نمی ماند، و صحابه این موضوع را می دانستند که چون مانع نمانده پس اینبار انجام مداوم آن (جماعت خواندن نماز شب در رمضان) نیز بلامانع می شود.

برای همین بود که در زمان خلافت امیر المومنین حضرت عمر رضی الله عنه دید که مسلمانان در ماه مبارک در مسجد تعدادی بطور انفرادی نماز تراویح بجاء میاورند و تعدادی هم دو نفر دو نفر و سه نفر سه نفر کنار هم هستند و بطور نماز جماعت نماز تراویح بجاء میاورند.

بناءً به صحابه جلیل القدر «ابی بن کعب» رضی الله عنه گفت که شما بحیث امام نماز، نماز تراویح را بطور جماعت برای مسلمانان پیش ببر و اصحاب رسول صلی الله علیه وسلم

رمضان المبارک

بر آن اجماع کردند و کسی مخالفت هم نکرد و حضرت عمر مطمئن بود که دیگر مسلمانان آنرا فریضه تلقی نمی کنند.

بعبارتی چون دیگر خوف واجب شدن نماز باقی نمانده بود، لذا صحابه هم با خیال راحت آن نماز را برپا می داشتند چرا که مانعی را که در زمان حیات رسول الله صلی الله علیه وسلم وجود داشت، که مبادا نماز فرض شود، دیگر وجود نداشت.

پس نماز تراویح (نماز شب در رمضان) سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم بود، و قطعاً و بدون تردید اگر رسول خدا صلی الله علیه وسلم آن سه شب را در مسجد نماز نمی خواندند، صحابه نیز آنرا نمی دانستند و چیزی را با عنوان نماز تراویح در شبهای رمضان نمی خواندند، پس آنها به پیامبرشان اقتداء کردند و از او الهام گرفتند.

در ضمن علاوه بر نماز تراویح، احادیث صحیح دیگری نیز وجود دارند که دیگر نوافل را نیز می توان بصورت جماعت خواند. چنانکه عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می فرماید: «صَلَّيْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْلَةً، فَلَمْ يَزَلْ قَائِمًا حَتَّى هَمَمْتُ بِأَمْرٍ سَوْءٍ، قُلْنَا: وَمَا هَمَمْتَ؟ قَالَ: هَمَمْتُ أَنْ أَقْعُدَ وَأَذَرَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. (بخاری: 1135).

یعنی: شبی، با رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز شب، خواندم. ایشان قیام را به اندازه ای طولانی کرد که من تصمیم بدی گرفتم. پرسیدند: چه تصمیمی گرفتی؟ گفت: تصمیم گرفتم که بنشینم و رسول الله صلی الله علیه وسلم را تنها بگذارم.

ذکر لفظ « نماز تراویح » در احادیث:

قابل تذکر است که: در احادیث لفظ صریحی ذکری بنام « نماز تراویح » وجود ندارد. در حقیقت نمازی که تراویح نامیده می شود، و این لفظ بخاطر خصوصیت آن نماز بر آن گذاشته شده، همان نماز شب (صلاة اللیل) است که در ماههای رمضان بعد از عشاء (بصورت جماعت) خوانده می شود، و این اسم (تراویح) را به آن جهت بر نماز شب رمضان گذاشته اند چون نمازگزاران ابتدا چهار رکعت را می خوانند که در آن قیام و رکوع و سجود را طولانی می کند و هرگاه این چهار رکعت اول را تمام کردند اندکی استراحت می کنند، سپس چهار رکعت طولانی دیگر را می خوانند، بعد از آن دوباره اندکی استراحت می کنند، سپس سه رکعت نماز دیگر را می خوانند. یعنی چون نماز شبهای رمضان را طولانی می خوانند، چرا که فضیلت آن در رمضان بیشتر است، لذا برای آنکه انرژی لازم را برای کامل کردن یازده رکعت را داشته باشد، اندکی ما بین این رکعتها استراحت می کنند و از همین ویژگی آن است که به آن تراویح نام نهادند.

از عایشه رضی الله عنها درباره نماز شب رسول الله صلی الله علیه وسلم در رمضان، سؤال شد، ایشان گفتند: « مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَزِيدُ فِي رَمَضَانَ وَلَا فِي غَيْرِهِ عَلَى إِحْدَى عَشْرَةَ رَكْعَةً، يَصَلِّي أَرْبَعًا، فَلَا تَسَلُّ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَطُولِهِنَّ، ثُمَّ يَصَلِّي أَرْبَعًا، فَلَا تَسَلُّ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَطُولِهِنَّ، ثُمَّ يَصَلِّي ثَلَاثًا... ». (بخاری: 1147)

یعنی: رسول الله صلی الله علیه وسلم در رمضان و غیر رمضان، بیشتر از یازده رکعت، نمی خواند. ابتدا چهار رکعت می خواند و آنها را بسیار زیبا و طولانی می نمود. سپس، چهار

رمضان المبارک

رکعت دیگر میخواند. و آنها را نیز بهمان زیبایی رکعات اول، ادا می کرد. و در پایان، سه رکعت دیگر میخواند.

بنابر این ماهیت واقعی این نماز؛ همان نماز شب است که در شبهای رمضان بصورت جماعت اداء می شود. چنانکه وقتی که صحابه برای شب چهارم منتظر پیامبر صلی الله علیه وسلم بودند و از علت نیامدنش پرسیدند، ایشان فرمودند: «..ولکنی خشیت أن تُفرض علیکم صلاة اللیل فتعجزوا عنها». مسلم (1271). یعنی: ترسیدم که نماز شب بر شما فرض گردد و شما از خواندن آن ناتوان شوید. که در این حدیث از آن بعنوان « نماز شب» اسم برده شده است، ولی چون جماعت خواندن نماز شب مخصوص ماه رمضان است و در دیگر ماهها نماز شب را بصورت جماعت نمی خوانند، لذا اسم مجزائی بنام تراویح به خود گرفته است که بیانگر استراحتی است که نمازگزاران بین هر چهار رکعت طولانی می کنند.

خلاصه اینکه:

خصوصیت که نماز شب در ماه رمضان دارد اینست که: جماعت خواندن آن مستحب است، و نیز طولانی خواندن آن اجر و ثواب دارد، از اینرو این نماز (نماز شب) در ماه رمضان مشخصه ای بخود گرفته که در دیگر ایام سال چنین نیست، و هرگاه اسم تراویح ذکر شود، یعنی نماز شبی که جماعت خواندنش تنها مخصوص رمضان است.

نماز تراویح پیامبر صلی الله علیه وسلم:

همانطوریکه در فوق تذکر یافت: پیامبر صلی الله علیه وسلم این نماز را (بصورت جماعت) فقط سه شب در مسجد خواندند، ولی در دیگر شبها آنرا بصورت جماعت نخواندند و به مسجد نرفتند، زیرا از این بیم داشت که ادامه این روند موجب شود که خدای متعال آن نماز را بر امتش واجب گرداند ولی آنها نتوانند آن فرض را انجام دهند، و در احادیث صحیح وارد شده که ایشان تا سه روز این نماز را بصورت جماعت برپا داشتند و در شب چهارم نیامدند و هنگامی که علت را پرسیدند، فرمود: « رأیت صنعکم فلم یمنعنی من الخروج الیکم الا ائی حَشِیْتُ أَنْ تُفرض عَلَیْکُمْ ». (بخاری 1129).

یعنی: «گرد آمدن شما را دیدم ولی چیزی مانع آن نشد که، برای نماز جماعت، به سوی شما بیایم مگر آنکه ترسیدم که، نماز تراویح، بر شما فرض گردد».

همچنین در حدیث صحیح دیگری پیامبر صلی الله علیه وسلم به خواندن این نماز تشویق می کنند، چنانکه می فرمایند: « مَنْ قَامَ مَعَ الْإِمَامِ حَتَّى يَنْصَرِفَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ قِيَامَ لَيْلَةٍ ». صحیح النسائی (1604).

یعنی: هرکس همراه امام نماز شب بخواند تا آنکه تمام می شود، خداوند متعال اجر نماز شب را برای وی می نویسد.

بنابر این نماز تراویح (یا همان نماز شبهای رمضان) دارای اصلی ثابت است، و پیامبر صلی الله علیه وسلم حتی در غیر رمضان هم یازده رکعت خوانده اند، و تنها ویژگی این نماز این بوده که در ماه رمضان بعد از نماز عشاء و بصورت جماعت برپا می شود، درحالیکه نماز شب، این خصوصیت را در دیگر ایام سال ندارد و هرکس که خواست می تواند نماز شب

بخواند یا نخواند.

تعداد رکعت های نماز تراویح برویت احادیث:

طوریکه در فوق یاد اور شدیم که: پیامبر صلی الله علیه وسلم صرف به مدت سه روز در مسجد نماز تراویح را خواندند. بعد از سه شب نماز تراویح از خوف اینکه بر امتش فرض نشود در خانه خویش بجاء میاوردند.

از فهم این حدیثی طوری استنباد مینمایم که هدف نبی اکرم صلی الله علیه وسلم گرفتن آسانی در نماز تراویح بر امتش بود. و فلسفه کلی دین مقدس اسلام آسانی بر پیروان شان میباشد. طوریکه متذکر شدیم در زمان خلافت حضرت عمر (رض) بار دیگر نماز تراویح در مسجد به صورت جمعی از سر گرفته شد اما اینکه چند رکعت نماز تراویح بعمل آوردند به احادیثی ذیل مراجعه مینمایم:

اول:

در حدیثی که از حضرت عائشة (ص) روایت گردیده، آمده است « عن ابی سلمة بن عبدالرحمن انه سال عائشة رضی الله عنها کیف كانت صلوة رسول الله (ص) فی رمضان؟ فقالت ما کان رسول الله (ص) یزید فی رمضان و لا فی غیره علی احدى عشرة رکعة. (صحیح بخاری 1147) (از ابی سلمة بن عبدالرحمن نقل شده که از حضرت عائشة رضی الله تعالی پرسید: نماز رسول الله صلی الله علیه وسلم در ماه رمضان چگونه بود؟ حضرت عائشة (رض) جواب دادند: رسول الله صلی الله علیه وسلم در ماه رمضان و غیر از آن بیشتر از یازده رکعت نماز نمیخواند.)»

قابل توجه است که سوال ابی سلمه بصورت مشخص در باره نماز در ماه رمضان صورت پذیرفته است، که همان نماز تراویح میباشد. و توضیحات ام المومنین بصورت واضح همین بود که نماز پیامبر صلی الله علیه وسلم، بیشتر از یازده رکعت چیزی دیگری نبود. تعداد از علماء از این حدیث چنین نتیجه میگیرند که هدف از حکم این حدیث نماز تهجد است! که این استنباط از فهم حدیث مغایر میباشد، چرا موضوع سوال ابی سلمه نماز در رمضان، و هیچگونه ربطی به نماز تهجد ندارد. هدف از یازده رکعت همان هشت رکعت نماز تراویح و سه رکعت وتر است که تعداد کثیری از علماء بر این حکم اجماع دارند.

دوم:

در حدیثی که در نماز تراویح از عمر بن خطاب مشهور است آمده: « عن سائب بن یزید انه قال امر عمر بن خطاب رضی الله عنه ابی بن کعب و تمیما الداری ان یقوما للناس باحدى عشرة رکعة. (موطا امام مالک باب قیام الرمضان مع کشف الغطاء 98). (ترجمه: از سائب بن یزید روایت است که گفت: عمر بن خطاب به ابی بن کعب و تمیم داری دستور داد تا به مردم یازده رکعت نماز بخوانند.)»

این حدیث در کتاب موطا امام مالک در باب قیام ماه رمضان بیان شده و نشانگر کیفیت نماز در دوران عمر بن خطاب در ماه رمضان است به دلیل اینکه در این باب بیان شده است. امام محمد رحمة الله علیه که یکی از شاگردان ارشد امام ابوحنیفه رحمة الله علیه است و اکثر

رمضان المبارک

تصنیفهای احناف از همین امام است و در میان تصانیفش موطا امام محمد امتیاز و جایگاه خاصی دارد که در باب قیام شهر رمضان مولانا عبدالحی حنفی رحمة الله علیه حاشیه بنام تراویح آورده و برای بیان تعداد رکعات تراویح حدیث حضرت عائشه را که فوق ذکر شد، عنوان نموده « رسول صلی الله علیه وسلم نه در رمضان و نه در غیر آن بیشتر از هشت رکعت نماز نخوانده است » (موطا امام محمد 138 و در حاشیه صفحه 139) و در همین کتاب میگوید: (و بهذا کله ناخذ) یعنی به این عمل میکنیم . و اصلا هیچ ذکری از بیست رکعت تراویح نیست.

سوم:

علامه بدر الدین عینی حنفی رحمة الله علیه: یکی از علماء نامدار و یکی از مراجع عمده در مذهب حنفی میباشد، موصوف در مورد رکعات نماز تراویح در کتاب خویش بنام عمدة القاری شرح بخاری جلد هفت صفحه هفتاد و هفت مینویسد: « فان قلت لم یبین فی الروایات المذكورة عدد الصلوة التي صلاها رسول الله (ص) فی تلك اللیالی، قلت روی ابن خزیمة و ابن حبان من حدیث جابر رضی الله عنه قال صلی بنا رسول الله (ص) فی رمضان ثمان رکعات ثم اوتر » (اگر بگوئید که در روایتهای موجود تعداد رکعات تراویح که رسول الله صلی الله علیه وسلم شبهای رمضان آنها را خوانده بیان نشده جواب میدهم و میگویم که ابن خزیمة و ابن حبان از حدیث جابر (رض) از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم نقل کرده است که نبی صلی الله علیه وسلم در ماه رمضان ما را هشت رکعت نماز داد سپس وتر را خواند.)

چهارم:

روایت ابن همام حنفی رحمة الله علیه: ابن همام حنفی رحمة الله علیه در کتاب فتح القدر شرح الهدایة جلد 1 صفحه 334 طبع مصر و بع نولشکور جلد 1 صفحه 198 و مسالک الختام جلد 1 صفحه 288 در مورد تعداد رکعات تراویح مینویسد: « ان قیام رمضان سنة احدى عشرة رکعة بالوتر فی الجماعة فعله علیه السلام » (قیام رمضان سنتش یازده رکعت است همراه با وتر در جماعت که رسول صلی الله علیه وسلم بر آن عمل میکرد.) همچنین در حاشیه فیض الباری جلد 2 صفحه 420 مینویسد: « و فی فتح القدر ان ثمانية منها سنة موكدة و ما بقى فمستحب » (در فتح قدیر هشت رکعت سنت موكدة و باقی مستحب است.)

پنجم:

روایت مولوی محمد احسن نانوتوی رحمة الله علیه: مولوی محمد احسن نانوتوی رحمة الله علیه در حاشیه کنز دقائق ص 36 مینویسد: « لان النبی (ص) لم یصلها عشرین بل ثمانیا » (چون نبی صلی الله علیه وسلم بیست رکعت نخوانده بلکه هشت رکعت خوانده است.)

ششم:

روایت مولانا عبدالحی لکنهوی حنفی رحمة الله علیه: مولانا عبدالحی لکنهوی حنفی رحمة الله علیه یکی از علماء جلیل القدر مذهب احناف بوده، وی در کتاب عمدة الرعاية جلد 1 ص 207 مینویسد: « و اما العدد فروی ابن حبان و غیره

رمضان المبارک

انه صلى بهم في تلك الليالي ثمان ركعات و ثلاث ركعات و ترا « (اما تعداد ركعات از حديث ابن حبان و غيرش ثابت است كه رسول صلى الله عليه وسلم در آن شبها يعنى رمضان هشت ركعت تراويح و سه ركعت و تر بر جماعت نماز ميداد.)
هفتم :

روايت مولانا انورشاہ کشمیری دیوبندی رحمة الله عليه:
مولانا انورشاہ کشمیری دیوبندی رحمة الله عليه نیز از علماء معتبر و یکی از مراجع احناف بشمار میرود ، موصوف در مورد نماز تراويح در العرف شذی ص 309 مینویسد « و لا ناص من تسلیم ان تراويح (ع) کانت ثمانية ركعات و لم یثبت فی روایة من الروایات انه علیه السلام صلى تراويح و التهجد علحده فی رمضان » (بجز تسلیم و قبول این قول چاره ای دیگر نیست که تراويح نبی(ص) هشت ركعت بود و در هیچ روایتی هم ثابت نیست که رسول صلى الله عليه وسلم در ماه رمضان تراويح و تهجد را جداگانه خوانده است.)
هشتم :

روايت مولانا رشید احمد گنگوهی حنفی:
مولانا رشید احمد گنگوهی حنفی نیز یکی از علماء معتبر و مراجع مذهب احناف بشمار میرود ، موصوف در مورد تراويح در رساله الحق الصرح ص 22 به زبان اردو مینویسد :
« یازده ركعت تراويح با وتر از نبی صلى الله عليه وسلم ثابت و موكد میباشد.)
ولی آنده از علمای که معتقد به بیست ركعت نماز تراويح اند و بر حدیثی که به : حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه نسبت داده شده است ، باید گفت :
به اجماع محدثین راوی مرکزی این حدیث ابوشیبہ ابراهیم بن عثمان بوده که بالاتفاق سند آن را ضعیف و غیر معتبر و مجروح مطرح کرده اند. و همه علماء از جمله :
1-امام احمد بن حنبل 2-امام بخاری 3-امام مسلم 4-امام یحیی بن معین 5-امام ابوداؤد 6-امام ترمذی 7-امام نسایی 8-امام ابی حاتم 9-امام جوزجانی 10-امام ذهبی 11-امام دارقطنی 12-امام ابن عبدالبر 13-امام ابن حجر 14-امام بن عدی 14-امام نووی و غیره همه این حدیث بیست ركعت را بدلیل وجود ابی شیبہ ابراهیم بن عثمان ضعیف یا مجروح تلقی کرده اند.)
خواننده محترم :

تعداد کثیری از حدیثی در این باب وجود دارد که حکم مینمایند که تعداد ركعت های نماز تراويح هشت ركعت میباشد . ولی امروز مسلمانان حتی در مسجد مکه و مدینه بتعداد بیست ركعت نماز تراويح بجا میاورند که در مورد آن نباید مخالفت صورت گیرد .
در این هیچ جای شک نیست که مسجد مکه یعنی حرم شریف و مسجد نبوی در مدینه به تعداد بیست ركعت نماز تراويح میخوانند ولی در سایر مساجد در ماه مبارک رمضان به تعداد هشت ركعت نماز تراويح بجا میاورند ، خواندان نماز تراويح چه هشت ركعت باشد و یا بیست ركعت کدام مانعی ندارد . مهم آنست که ماه مبارک رمضان ماه عبادت و دوعا است و هرچه زیاد عبادت و دعا و تلاوت و ختم قرآن عظیم الشان صورت گیرد ثواب بیشتر نصیب انسان میگردد.
نماز تراويح بیست ركعت است :

رمضان المبارک

تعداد از علماء استدلال میاورند که نماز تراویح در زمان خلافت حضرت عمر بیست بعمل آمد و اجماع صحابه نیز بر بیست رکعت نماز بعمل آمد .
بنابر همین علت است که : کمتر از آن در زمان خلافت حضرت عثمان و حضرت علی رضی الله عنهما و بعد از آن در زمان تابعین و تبع تابعین که خیر القرون هستند ثبوتی ندارد وائمه مذاهب چهارگانه نیز بر این متفق اند که تراویح کمتر از بیست رکعت نیست . و از همان زمان که اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم بر این امر اجماع نمودند تا به امروز در جهان اسلام در همه مساجد بیست رکعت نماز تراویح با جماعت خوانده می شود .

مهمتر از همه اینکه در مسجد الحرام در مکه و مسجد النبی در مدینه نماز تراویح بیست رکعت خوانده می شود اگر پیامبر صلی الله علیه وسلم هشت رکعت می خواند و حضرت عمر رضی الله عنه هم بر آن همان تعداد عمل می کرد و به آن دستور می داد همان جاری می شد و مردم بر آن عمل می کردند .

اما جای تعجب است که برخی اصرار دارند که پیامبر صلی الله علیه وسلم با وتر بیش از یازده رکعت نخوانده و حضرت عمر رضی الله عنه هم همان تعداد را جاری ساخته پس بر آنان لازم است که ثابت کنند در زمان حضرت عثمان و حضرت علی رضی الله عنهما و در زمان تابعین رضی الله عنهم و بعد از آن هم مردم به همین تعداد قیام می کردند و مشخص کنند که بیست رکعت را چه کسی رواج داد و از چه زمانی شروع شد؟ و این سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم و حضرت عمر رضی الله عنه را چه کسی در مسجد الحرام و مسجد النبی تغییر داد؟

خداوند روزه را در روزهای ماه مبارک رمضان بر مسلمانان فرض کرد و به پاداشتن شب های رمضان از سنت های رسول الله صلی الله علیه و سلم می باشد . أبوهریره رضی الله عنه روایت می کند: که رسول الله مسلمانان را به نماز شب تشویق می نمود و می فرمود: (هرکس شبهای رمضان را با ایمان و برای کسب ثواب مشغول نماز شب باشد گناهان گذشته اش بخشیده می شود) و هرکسی که نماز تراویح آنچنان که شایسته است بخواند او شب های رمضان را برپا داشته است .

نماز تراویح همان نمازی است که مسلمانان آن را به جماعت بعد از نماز عشاء ادا می کنند . رسول الله نماز تراویح را سنت قرار داد و دو یا سه شب آن را به صورت جماعتی برگزار کرد و سپس از ترس اینکه مبدا این نماز بر مسلمانان فرض شود به صورت جماعتی خواندن را ترک کرد و صحابه نماز تراویح را تا اوایل خلافت عمر به صورت فرادی می خواندند . تا زمانیکه بار دیگر عمر رضی الله عنه تراویح را به صورت جماعتی به امامت اُبی بن کعب برگزار نمود .

تعداد رکعت های نماز تراویح در روایات اسلامی :

در روایت امام بخاری تعداد رکعات نماز اُبی بن کعب را ذکر نکرده است و در روایت های دیگری تعداد رکعات های نماز تراویح را در بین 11 و 13 و 21 رکعت (با وتر) ذکر شده است .

رمضان المبارک

حافظ ابن حجر می گوید احتمال دارد این تفاوت تعداد رکعات ناشی از طولانی و کوتاه بودن قرائت و نماز بوده است به گونه ای که هر چه قرائت طولانی تر بوده است تعداد رکعات کمتر بوده است.

گفته اند آنان سوره های طولانی را در نماز می خواندند، به گونه ای که به خاطر طولانی بودن نماز بر عصا تکیه می کردند.

در زمان عمر بن عبد العزیز در مدینه 36 رکعت تراویح و 3 رکعت وتر می خواندند. امام شافعی می گوید: در مدینه دیدم که 39 رکعت می خواندند و در مکه 23 رکعت و هیچ کدام آن هم ممانعتی ندارد.

و بعضی از سلف و گذشتگان 40 رکعت نماز تراویح هم خوانده اند. (تفصیل موضع را میتوان در کتاب فتح الباری به تفصیل مطالعه فرماید).
خواننده محترم!

تا زمانی که نماز دارای خشوع و آرامش است، هیچ کدام از این تعداد رکعت ها همچنان که امام شافعی گفت اشکالی ندارد و شایسته نیست کسی دیگری را رد کند.

اگر میخواهد 11 رکعت نماز تراویح بخواند او از روش رسول الله صلی الله علیه وسلم پیروی کرده است. طوریکه در حدیثی بی بی عائشه (رض) این موضوع با تمام صراحت بیان گردیده است که: «پیامبر صلی الله علیه وسلم در رمضان و غیر رمضان از 11 رکعت بیشتر نمی خواند.» (امام بخاری و دیگران این حدیث را روایت کرده اند).

کسی که 23 رکعت نماز تراویح میخوانند، از آنچه در زمان حضرت عمر (رض) رایج بوده است پیروی کرده است و ما در احادیث متعددی مکلف شده ایم که: از سنت و روش خلفاء راشدین متابعت کنیم.

و کسی که 39 یا 41 رکعت نماز تراویح میخواند نیز از عمل اهل مدینه در خیر القرون پیروی کرده است.

از یاد باید نبریم که نماز بهترین عبادت است، ولی تعداد رکعات نماز شب در رمضان و غیر رمضان تعیین و تحدید نشده است. لذا کسی نمی تواند بر کسانی که 20 رکعت نماز تراویح میخواند، انتقاد نماید. که گویا اینان با سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم مخالفت کرده اند. و هم چنین نمی توان بر کسانی که 8 رکعت نماز تراویح میخوانند انتقاد و اعتراض نمود که گویا اینان مخالف با سلف و خلفاء عمل می کنند.

گرچه بنظر من بهتر خواهد بود که مطابق به روش پیامبر صلی الله علیه وسلم باید نماز تراویح خویش را بجاء آوریم، چون خداوند جز بهترین را برای پیامبر راضی نمی شود و آن 11 رکعت با وتر همراه با طولانی کردن قرائت و نماز می باشد.

ولی امروز ما شاهد هستیم که در برخی از مساجد نمازگزاران ما در ماه مبارک رمضان نماز تراویح را با چنان سرعت میخوانند که حد اقل خشوع و خضوع در آن مراعات نمیگردد. در حالیکه خداوند پروردگار با عظمت ما می فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (سوره مؤمنون- 2 و 1).

رمضان المبارک

شیخ الاسلام ابن تیمیہ در خصوص مشروعیت و صحت همه این حالت ها و تعداد رکعت ها سخنان کامل و سودمندی دارد. ایشان می گوید: (ثابت شده است که اُبی بن کعب 20 رکعت تراویح و 3 رکعت وتر را امامت می کرده است، لذا بسیاری از علماء معتقدند که این تعداد رکعت سنت است، چون اُبی بن کعب در میان مهاجرین و انصار نماز خوانده است و هیچ کدام از آنها ایراد و انتقادی در مورد نگرفته اند و هیچ یکی از صحابه هم کار اُبی بن کعب را انکار نکرده اند. برخی دیگر از علماء با توجه به عمل گذشتگان اهل مدینه، 39 رکعت نماز تراویح را مستحب می دانند.

اعتکاف :

اعتکاف در لغت به معنای بند بودن، توقف یا درنگ کردن، در جایی میباشد. و در اصطلاح شرعی اعتکاف عبارت است: از اینکه انسان از همه تعلقات و مصروفیت های دنیوی از زن و از فرزندان خویش جدا گشته، از همه مصروفیت های خانوادگی و خواہشات نفسانی خویش ببرد، و فکر و عمل خویش را با تمام توانایی های خویش به عبادت خداوند مصروف سازد. اعتکاف در دهه اخیر رمضان سنت مؤکد بوده و اگر از یک قریه یک شخص نیز اعتکاف نماید، حکمش از دیگران رفع میگردد.

دلایل مشروعیت اعتکاف :

آیت قرآنی :

خداوند سبحانه و تعالی فرموده است: « وعهدنا إلى إبراهيم وإسماعيل أن طهرا بيتي للطائفين والعاكفين والركع السجود » « ووحی فرستادیم بسوی ابراهیم و اسماعیل که بر پا سازیدخانه مرا برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان و رکوع و سجده کنندگان » (سوره بقره آیت 125)

احادیث نبوی :

از عایشه (رض) روایت گردید است که گفت: « کان رسول الله (ص) یعتکف العشر الاواخر من رمضان حتی توفاه الله عزوجل » « بود پیا مبرصلی الله علیه وسلم که اعتکاف میکرد دهه اخیر رمضان را تا وقتی که وفات داد او را خداوند عزوجل » (متفق علیه).

همچنان از ابن عمر (رض) روایت است که گفت: « کان رسول الله (ص) یعتکف العشر الاواخر من رمضان » پیامبر (ص) « دهه اخیر رمضان را اعتکاف میکرد ».

حکمت مشر و عیت اعتکاف :

1- اعتکاف موجب فراغ قلب از امور دنیوی و مشاغل آن بوده و باعث روی آوردن به عبادت و ذکر خالص خداوند متعال میباشد.

رمضان المبارک

2- سپردن وتفویض امور خود به خداوند متعال و ایستادن بر دروازه ء فضل و رحمت .
3- اعتکاف به معنی تحصن به خداوند بر تر و توانا میباشد و کسی که به معتکف اراده بدی بنماید نمی تواند به او برسد و هیچ ظالمی نزدیکش شده نمی تواند که بروی ظلم کند.
معتکف توسط اعتکاف خویش را راحت نموده و قلب خود را هدایت می نماید پس اعتکاف عبارت از دوری از مخلوقات بوده که قوی ترین راه برای رسیدن به حق تعالی میباشد.

اقسام اعتکاف :

1- واجب :

عبارت از اعتکافی است که نذر شده باشد واجب است چه بدون شرط باشد و چه مشروط (مثلاً شخص بگوید که اگر در امتحان کامیاب شدم ، اعتکاف خواهم کرد . چنین اعتکافی واجب است .

وقت اعتکاف واجب :

همانطوریکه برای اعتکاف واجب روزه شرط است لذا حداقل وقت آن يك روز است برای کمتر از يك روز یعنی چند ساعت نذر کردن اعتکاف بی معنی میباشد زیرا وقت روزه از طلوع آفتاب تا غروب آن میباشد.

2- مستحب :

به جز اعتکاف دهه اخیر رمضان هر اعتکاف دیگری خواه در دهه اول و در دهه دوم رمضان صورت گیرد و یا در ماه های دیگر مستحب است.

3- اعتکاف سنت مؤکد :

اعتکاف در دهه اخیر رمضان المبارک سنت مؤکد کفایی میباشد . که مسلمانان باید به آن اهتمام بیشتر بعمل آرند.

خداوند پاک میفرماید : « ولا تباشروهن وأنتم عاکفون فی المساجد... » (البقره - 187)
« ومباشرت نکنید زنان را در حالیکه معتکف باشید در مساجد. »

شروط اعتکاف

برای صحت اعتکاف چهار شرط ضروری است :

۱- قیام در مسجد.

۲- نیت .

۳- پاک بودن از حدث اکبر (جنابت ، حیض و نفاس).

۴- روزه در اعتکاف واجب روزه بودن شرط است . اما در اعتکاف مستحب و مسنون روزه بودن شرط نیست .

کار های مستحب در اعتکاف :

رمضان المبارک

تلاوت قرآن مجید و تدبیر در آن ، اهتمام به درود و سائر انکار ، خواندن و یا تدریس علوم دینی و مصروفیت در تصنیف و تألیف و تحقیقات علمی .

صدقه فطر روزه

« والصدقة تطفي الخطيئة كما يطفى الماء النار » (الترمذي)

(صدقه گناهان را محو و نابود می کند همانطوریکه آب آتش را بی اثر می ماند .) معنی لغوی فطر روزه را باز کردن و معنی صدقه فطر: صدقه روزه باز کردن است . در اصطلاح مراد از صدقه آن صدقه واجبی است که با خاتمه یافتن رمضان و به خاطر باز کردن روزه پرداخته میشود .

قبل از همه باید گفت که فطریه یا زکات فطر هیچ رابطی به فدیة و کفاره روزه ندارد، این واجبی است که هر مسلمانی موظف است قبل از نماز عید فطر آن زکات را بپردازد، یا خود بپردازد یا سرپرست او .

زکات فطر بر هر مسلمان آزادی که بیش از قُوت یک شبانه روز خود و خانواده اش داشته باشد، واجب است. و همچنان زکات فطر بر شخص واجب است که از جانب خود و از جانب کسانی آنرا بپردازد که نفقه آنها بر عهده او است . مانند همسر و فرزندان و خدمتگارش در صورتیکه مسلمان باشند - باید پرداخته میشود .

از ابن عمر (رض) روایت است: «أمر رسول الله صلى الله عليه وسلم بصدقة الفطر عن

الصغير والكبير والحر والعبد ممن تمونون» (صحيح، بيهقي 4/161)

«پیامبر صلی الله علیه وسلم به دادن زکات فطر از کوچک و بزرگ و آزاد و برده، و کسانی که نفقه آنها بر عهده شما است امر فرموده است» .

دریک روایت دیگری از حضرت عثمان رضی الله عنه آمده است که در آن زمان زکات جنین (طفل در شکم مادر) را نیز میدادند و نزد مذهب حنبلی دادن زکات فطر برای جنین مستحب است ولی واجب نیست .

در حدیثی از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است « فَرَضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زَكَاةَ الْفِطْرِ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ أَوْ صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ، عَلَى الْعَبْدِ وَالْحُرِّ، وَالذَّكَرِ وَالْأُنْثَى، وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ، مِنَ الْمُسْلِمِينَ، وَأَمَرَ بِهَا أَنْ تُؤَدَّى قَبْلَ خُرُوجِ النَّاسِ إِلَى الصَّلَاةِ .

(بخاری: 1503) یعنی: ابن عمر رضی الله عنهما می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم صدقه فطر را بر مرد و زن، بزرگ و کوچک، برده و آزاد مسلمان، فرض قرار داد و مقدار آن را یک صاع خرما و یا یک صاع جو، تعیین فرمود. و دستور داد تا قبل از نماز عید فطر، پرداخت گردد.

حکمت صدقه فطر:

در مورد حکمت صدقه فطر در حدیث که از ابن عباس رضی الله عنهما روایت گردیده آمده است: « فَرَضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زَكَاةَ الْفِطْرِ طَهْرَةً لِلصَّائِمِ مِنَ اللُّغْوِ وَالرَّفَثِ وَطُعْمَةً لِلْمَسَاكِينِ مَنْ آدَاهَا قَبْلَ الصَّلَاةِ فَهِيَ زَكَاةٌ مَقْبُولَةٌ وَمَنْ آدَاهَا بَعْدَ الصَّلَاةِ فَهِيَ صَدَقَةٌ مِنْ الصَّدَقَاتِ » (صحيح سنن ابن ماجه 1480- ابوداود 1594) (رسول خدا صلی الله علیه وسلم

رمضان المبارک

زکات پایان یافتن رمضان را فرض نمود تا وسیله پاک کننده برای روزه دار از کارهای بیهوده و یا کلام ناپسند باشد که بر زبان رانده است و هم چنین طعامی برای فقرا و مساکین باشد، هرکس قبل از نماز عید آن را بپردازد زکاتش پذیرفته شده است و هرکس بعد از نماز عید آن را بپردازد زکاتی را پرداخته است» .

زمان پرداخت زکات یا صدقه فطر:

در مورد زمان پرداخت صدقه فطر حکم اکثریت مطلق از احادیث نبوی همین است که: صدقه فطر هنگام طلوع فجر روز عید رمضان است از جمله در حدیثی که از: ابن عمر رضی الله عنه، روایت شده آمده است: که پیامبر صلی الله علیه وسلم هدایت فرموده اند که: «زکات فطر قبل از خروج مردم برای نماز عید، پرداخت شود» (حدیث شماره 1503 امام بخاری).

لیکن تقاضای حکمت و نصب العین و جوب آن در این است که این وجبیه باید چند روز قبل از عید رمضان صورت گیرد تا صدقه فطر به مستحقین و نیازمندان برسد. در حدیث ابن عمر رضی الله عنه آمده است: «و كانوا يُعْطُونَ قَبْلَ الْفِطْرِ بِيَوْمٍ أَوْ يَوْمَيْنِ» (رواه بخاری 1511) یعنی: «آنها زکات فطر را یک یا دو روز قبل از عید پرداخت می کردند» قابل یاد آوری است، آنده از مسلمانان که صدقه فطر خویش را بعد از نماز عید فطر تادیه مینمایند، به عنوان صدقه فطر قبول نمی گردد.

و حکم آن در حدیثی که از ابن عباس روایت گردیده است چنین بیان گردیده است: «مَنْ أَدَّاهَا قَبْلَ الصَّلَاةِ فَهِيَ زَكَاةٌ مَقْبُولَةٌ وَمَنْ أَدَّاهَا بَعْدَ الصَّلَاةِ فَهِيَ صَدَقَةٌ مِنَ الصَّدَقَاتِ» (ابو داود 1609) و حاکم 409/1 (1488). (...پس هر کس قبل از نماز (عید) آن را بپردازد به عنوان زکات فطر قبول است و هر کس بعد از نماز آن را بدهد صدقه ای همچون سایر صدقات خواهد بود).

مقدار زکات فطر:

قبل از همه باید گفت که مقدر صدقه فطر بر شخص بالغ و نابالغ یکسان میباشد و آن عبارت از يك كيلو و یکصد و ده گرام کندم و یا قیمت آن مطابق نرخ روز است.

در حدیثی که: ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت گردیده است آمده است «ما در زمان رسول الله صلی الله علیه و سلم یک صاع از گندم یا جو یا خرما یا کشک یا کشمش را برای هر نفر زکات فطر می دادیم (حدیث شماره 1505 امام بخاری و حدیث شماره 985 امام مسلم)

همچنان ابو سعید خدری رضی الله عنه در حدیث دیگری میفرماید: «كُنَّا نُخْرِجُ فِي عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ الْفِطْرِ صَاعًا مِنْ طَعَامٍ، وَكَانَ طَعَامَنَا الشَّعِيرُ وَالزَّبِيبُ وَالْأَقِطُ وَالْتَّمْرُ.» (حدیث شماره 1510 بخاری) یعنی: ابوسعید خدری رضی الله عنه می گوید: ما در زمان رسول الله صلی الله علیه و سلم یک صاع از طعام را صدقه فطر میدادیم. و طعام ما در آن ایام، جو، کشمش، و خرما بود.

پس روشن می شود که زکات فطر باید یک صاع از طعام باشد و هر صاع برابر با چهارم

رمضان المبارک

است. و به (2 کیلو و 400 گرم تا 2 کیلو و 500 گرم) تعبیر شده است و این قول علمای مذهب شافعی و بعضی دیگر است.

شیخ الاسلام ابن تیمیہ رحمہ اللہ می فرماید:

زکات فطر پرداخت می شود از قوت بلد (منطقه) مانند برنج و غیره، اگرچه شخص توان پرداخت موارد مذکور در حدیث را هم داشته باشد و این قول اکثر علما و اصح اقوال است، که همانا اصل در دادن آن مساوات و برابری با فقرا است. (الفتاوی الکبری 4/455).

ابن قیم جوزی رحمہ اللہ می فرماید:

این چند مورد از حبوبات (گندم- جو- خرما و...) که در احادیث آمده نشانگر آن است که در آن زمان در مدینه غذای غالب مردم همین چیزها بوده و اگر درجایی یا زمانی دیگر قوت غالب چیز دیگری باشد باید از آن بپردازند اگرچه غذایشان غیر از حبوبات، مثل شیر و گوشت و ماهی باشد. و این قول جمهور علما و قول ارجح است و مقصود از پرداخت زکات فطر یکسانی با مساکین است، در طعام روز عید، یعنی غذای مسکین هم در آن روز همانند بقیه مردم باشد. (اعلام الموقعین 12/3).

و این ردی است بر عمل کسانی که فقط به دادن گندم بسنده می کنند و خودشان از بهترین طعام در طول سال و روز عید استفاده می کنند. اما دادن خوراکی های دیگر مانند لوبیا و روغن و نخود و غیره، چنانکه بعنوان غذایی معمولی در سرزمینی استفاده می شد، بطوریکه کسانی که از مساکین فطریه را دریافت می کنند، می تواند با آنها برای روز عیدشان غذایی درست کنند جایز است و گرنه بهتر است که طعامی داده شود که بتوانند با آن در روز عید برای خود غذایی فراهم آورند که با بقیه فرقی نداشته باشد.

و دادن پول به جای طعام به عنوان زکات فطر مخالفت صریح با نصوص است چون زکات فطر عبادت است و اصل در عبادت توقیفی بودن است و خدا و رسولش صلی الله علیه و سلم حکمت آنرا بهتر می دانند.

امام نووی رحمہ اللہ می فرماید: عامه فقها دادن قیمت (پول) به جای طعام را جایز ندانسته اند، چون اگر دادن پول جایز می بود خدا و رسول صلی الله علیه و سلم آن را بیان می فرمودند (شرح امام نووی بر صحیح مسلم) و این قول امام شافعی و امام احمد و امام مالک رحمہ اللہ علیہم است.

مستحقین زکات یا صدقه فطر:

زکات فطر به همان اصنافی که استحقاق زکات را دارند باید پرداخت شود. طوری که تفصیل کلی آن در (آیه 60 سوره توبه) به تفصیل بیان شده است: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»

یعنی: «صدقات تنها به :

1- فقرا هدف از فقرا کسانی اند که مال اندکی در اختیار دارند ولی از نفقه و ضروریات اولاد خویش برآمده نمیتواند. و اندازه مال و دارایی شان به حدی نمیرسد که بر آنان زکات واجب

گردد.

2- مساکین : هدف از مساکین کسانی اند که برای نفقه چیزی ندارند ، بادر نظر داشت اینکه کار میکنند ولی معاش شان به حد کافی نمی رسد . ویا معیوب هستند ، یا مریض اند که توانمندی شغلی و کاری را ندارند .

3- عاملین (مامورین بخش زکات) ویا به اصطلاح کسانی که مصروف جمع اوری زکات اند ، این عده اشخاص با در نظر داشت اینکه معاش معین دارند ، ولی با آنهم از اینکه وخت خویش را در جمع اوری زکات بمصرف میرسانند ، بناً دادن صدقه فطر برایشان جواز دارد .

4- مؤلفه القلوب عبارت از کسانی اند که : دلشان به دست آورده می شود (تازه مسلمان شده اند)

5- رقاب : عبارت از کسانی اند که در قبضه دیگران آمده باشند ، مثلاً زندانیان ، ازادی بردگان ویا آنده اشخاصی که در قرض گرفتار باشند .

6- غارمین : عبارت از کسانی اند که قرضدار ویا در یک معامله متضرر شده باشند ، که توان پرداخت قرض ویا امکانات پرداخت ضرر را ندارند .

7- مجاهدین فی سبیل الله

8- ابن سبیل عبارت از اشخاصی است که در وخت سفر به کمک محتاج گردیده باشند ، بادر نظر داشت اینکه شاید در خانه خویش مال را دارا باشند .

این به عنوان فریضه از جانب خداست و خدا دانای حکیم است» .

ولی چنان چه در فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم به آن اشاره شد: «رَكَاتَةُ الْفِطْرِ طَهْرَةٌ لِلصَّائِمِ مِنَ اللُّغْوِ وَالرَّفَثِ وَطُعْمَةٌ لِلْمَسَاكِينِ» «زکات فطر پاک کننده روزه دار از سخنان

بیهوده و فحش و ناسزا است و طعامی برای مساکین می باشد» (صحیح سنن ابن ماجه 1480- ابو داوود 1594) پس فقرا و مساکین شایسته ترین اصناف به پرداختن زکات فطر هستند .

یادداشت :

پس بر انسان حرام است که زکات فطر روزه خویش رابه بعد از نماز عید فطر به تأخیر بیندازد. چنانچه بدون عذر آن را بعد از نماز عید به تأخیر به اندازد ، از او به عنوان صدقه ی فطر قبول نمیگردد . ولی اگر شخصی بنا بر عذری نتوانست قبل از نماز عید زکات فطرش را تادیه نماید ، از جمله اگر کسی در مسافرت باشد و در خانه کسی را نداشته باشد که در غیاب او زکات فطرش را تادیه کند ، مسلمان به خاطر این تأخیر گناهکار نمی گردد ، چون معذور است . والله اعلم بالصواب

عید فطر :

کلمه « عید » در اصل از فعل عاد(عود) يعود به معنی بازگشت است ، ولذا به روزه هایی که مشکلات قوم وگروه بر طرف میشود وبه راحت ها وپیروزی های دست می یابند ، عید مسمی نموده اند. عید اسلامی فطر یکی از دو عید بزرگ اسلامی است که مسلمان روزه دار در طول ماه رمضان با ارتبای طهای پی در پی با خداوند متعال واستغفار از گناهان به

رمضان المبارک

تصفیه روح و جان خویش همت گماشته و از تمام آلودگی های ظاهری و باطنی که برخلاف فطرت انسان است خود را پاک نموده و به فطرت واقعی خود بر می گردند.

طوریکه حضرت مسیح (ع) روز نزول مائده را روز بازگشت به پیروزی و پاکی و ایمان به خدا دانسته و آنرا به عید مسمی نموده است.

روایت است که نزول مائده به روز های یکشنبه صورت می گرفت بدین اساس روزه یکشنبه از احترام خاصی عیدی بین مسیحیان برخوردار می باشد.

کلمه عید تنها یکبار در قرآن عظیم الشان تذکر یافته است: «اللهم ربنا انزل علينا مائدة من السماء تكون لنا عيداً لأولنا وآخرنا وآية منك».

روز اول ماه شوال را بدین سبب عید فطر مسمی نموده اند که امر امساک، صوم از خوردن و نوشیدن بر داشته شده و به مسلمانان هدایت داده شده که روزه خود را افطار کنند و به خوردن و نوشیدن رو آورند.

افطار یعنی فطور و فطور به معنای خوردن و نوشیدن طوریکه در ماه مبارک رمضان، انسان افطار مینماید یعنی اجازه خوردن پس از امساک از خوردن به او داده می شود. مسلمانان در این روز در اثر یک ماه مهمانی و ضیافت خداوند به صفای باطن دست یافته و در حقیقت شخصیت واقعی خویش را باز یافته اند، بلی، فطرت پاک انسان در طول سال در اثر غبار های جهل و نادانی و غفلت به انواع گناهان و معصیت ها مبتلا شده و از حقیقت خود دور می شود و در نتیجه دچار خود فراموشی و خدا فراموشی می گردد، اما با فرارسیدن ماه مبارک رمضان، انسان در پرتو فضای معنوی آن ماه و تلاش های خویش به یک زندگی نوین دست می یابد، که می توان آن را «بازگشت به خویشتن» نامید. مسلمانان در ایام مبارک رمضان با یک ماه روزه گرفتن، تراویح، تلاوت قرآن، صدقه، خیرات و سایر عبادات و خوبیهای که به دستور رب العزت انجام داده اند، این روز را منحیث روز خوشی و عید تجلیل می نمایند.

در روایت آمده است زمانیکه پیامبر اسلام از مکه به مدینه منوره هجرت نمود مردم آن دیار در هر سال دو روز را جشن می گرفتند پیامبر اسلام از مردم مدینه در مورد این دو جشن پرسید که چرا در این روز ها عید می گیرند؟ مردم در جواب گفتند «ما قبل از مشرف شدن به اسلام این دو روز را جشن معین نموده بودیم، که در این روزه به تفریح و خوشحالی می پرداختیم»

پیامبر اسلام فرمود: «خداوند در مقابل این دو روز، دو روز دیگری را که نسبت به همچو جشن ها فضیلت و برتری بیشتری دارند برای مسلمانان مقرر نموده که یک روزه آن عید فطر و روز دیگر آن عید سعید اضحی است».

اعمال مسنون روز عید سعید فطر:

در حدیث آمده است که: عبدالله بن عمر رضی الله عنه می فرماید که رسول الله صلی الله علیه

رمضان المبارک

وسلم به همراه اصحاب در هر دو عید تکبیر گویان با صدای بلند به سوی نماز می‌رفتند.
(حدیث صحیح/ سنن بیهقی شماره 5925)

الفاظ تکبیر

الله اکبر الله اکبر ، لا اله الا الله ، والله اکبر الله اکبر ، و لله الحمد. (حدیث صحیح/ سنن بیهقی شماره 5925)
الله اکبر الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر الله اکبر و لله الحمد. (امام مالک و امام شافعی این لفظ را نیز جازز می‌دانند)

سایر آداب مسنونه در روز عید :

- توجه به آرستن و زیبایی خود
- بسیار وقت به عید گاه رفتن
- رعایت نظافت ، استعمال خوشبویی و عطر ، مسواک زدن و غسل کردن بعد از نماز فجر ، چنانچه در روز جمعه بر آن تأکید شده است .
- از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم در یکی از جمعه‌ها فرمودند: خداوند این روز را برای شما مسلمانان «عید» قرار داده است پس کسی که به نماز جمعه آمد، غسل بزند، و اگر بوی خوش دارد استفاده کند و مسواک بزند. (حدیث صحیح/ سنن ابن ماجه شماره 1098)
- بهترین لباس خود را بپوشد. (صحیح بخاری شماره 948)
- صبح وقت از خواب بر خاستن
- پرداختن صدقه و فطر قبل از رفتن به عید گاه.
- خوردن شیرینی قبل از رفتن به عید گاه .

نماز عید :

نماز عید در دین مقدس اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است و پیامبر صلی الله علیه وسلم بر ادای این نماز و اشتراک در آن تأکید بیشتر نموده است .
از ام عطیه رضی الله عنها روایت است که گفت : رسول الله صلی الله علیه وسلم به ما فرمودند که دختران بکر (ازدواج نکرده) و زنان قاعده را به مصلی ببریم تا در کار نیک و دعای مسلمانان شریک باشند و زنان قاعده از مصلی کناره می‌گرفتند. (صحیح بخاری شماره 324)

پیامبر صلی الله علیه وسلم پای پیاده به مصلی می‌رفتند و بر می‌گشتند . (حدیث حسن/ سنن ابن ماجه شماره 1294)

پیامبر صلی الله علیه وسلم در روز عید از راهی به مصلی می‌رفتند و از راه دیگر باز می‌گشتند . (صحیح بخاری شماره 986)
برای مأمومین مستحب است که برای نماز عید زود به مصلی بروند اما برای امام سنت است دیرتر به مصلی برود. (بخاری شماره 956)

رمضان المبارک

پیامبر صلی الله علیه وسلم قبل از نماز عید سنتی نمی‌خواند ولی وقتی به منزلشان برمی‌گشتند دو رکعت می‌خواندند. (حدیث حسن/ ابن ماجه شماره 1293)
ولی طبق دستور پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی وارد مسجد شدیم می‌توانیم دو رکعت سنت تحیه مسجد بخوانیم. (صحیح مسلم شماره 714)
در روزه عید خواندن دو رکعت نماز واجب است .

نیت نماز عید :

بعد از اینکه برای ادای نماز عید (فطر یا اضحی) در قلب نیت بعمل می‌آید: تکبیر تحریمه « الله اکبر » گفته دستهای خویش را تا برابر شانه‌ها و یا نرمی‌های گوش خود بلند نماید. انگاه دست‌های خود را طوری که در سایر نمازها می‌بندد بسته نموده ،
« سبحانک اللهم » (ثنا) را بخواند.

سپس امام و مقتدیها سه مرتبه تکبیر گفته در هر مرتبه دست‌های خود را تا برابر نرمی‌های گوش‌هایش بلند نموده ، بعد از هر تکبیر به اندازهٔ گفتن سه مرتبه « سبحان الله » توقف نموده بعد مرتبهٔ دیگر تکبیر دیگر را بگوید . بعد از تکبیر سوم دستهای خود را دوباره بسته نموده ، و تسمیه گفته سوره فاتحه و آیاتی از قرآن مجید را تلاوت نموده ، طبق معمول رکوع و سجود را اداء نموده ، برای رکعت دوم ایستاده شود. در رکعت دوم اولاً سوره فاتحه را بخواند ، بعد از آن آیتی از قرآن مجید را خوانده قبل از رفتن به رکوع سه بار طوری تکبیر گوید که در هر مرتبه دستهای خود را تا نرمه‌های گوش مانند تکبیرات رکعت اول بلند نماید و در تکبیر چهارم حسب معمول به رکوع رفته و بعد از انجام رکوع ، سجود و قاعده به نمازش اختتام بخشیده به طرف راست و چپ سلام گرداند.

تبریک و تهنیت گفتن در عید :

تبریک و تهنیت گفتن یکی از برجسته‌ترین آداب در دین مقدس اسلام بشمار میرود. یکی از سنن پیامبر صلی الله علیه وسلم در استقبال از عیدین (عید فطر و عید اضحی) همین است که باید مسلمانان با یکدیگر در حین احوالپرسی ، مکاتبه و یا تلفونی تهنیت و تبریک عیدین را بوجه احسن انجام دهند. محدثین مینویسند که : صحابه کرام در حین تبریکی روزه عید به همدیگر می‌گفتند: « تَقَبَّلَ اللهُ مِنَّا وَمِنْكَ » . (خداوند عبادات ما و شما را قبول کند). در حدیث از جبیر بن نفیر رضی الله عنه روایت است که: اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم هنگامی که در روز عید همدیگر را ملاقات می‌کردند به یکدیگر می‌گفتند: « تَقَبَّلَ اللهُ مِنَّا وَمِنْكَ » (خداوند از ما و شما قبول بگرداند) (حدیث حسن - فتح الباری شرح حدیث 952 صحیح بخاری).

طوری‌که یاد آور شدیم تبریک و تهنیت گفتن عید یکی از آداب بشری است . بنا بر مسلمانان است ، فرق نمیکند ، کسانی که بر گرفتن روزه استطاعت یافتند و کسانی که بنا بر معاذیری ، نتوانستند روزه ماه مبارک را بجاء آورند ، تا آداب تبریکی عید را مراعات نمایند .

رمضان المبارک

البته ضروری و حتمی نیست که در تبریکی گفتن روز عید بصورت حتمی همین لفظ «تقبل الله منا و منک» مورد استفاده قرار گیرد.

مسلمانان میتوانند کلمات و جملات مشابه و کلمات معمولی را که در زبان محلی در بین مردم معروف و مشهور است هم مورد استفاده قرار دهند، ولی نباید فراموش کرد که الفاظ و جملات که مورد استفاده قرار میگیرد باید الفاظ و جملات الفاظ مباح باشد.

مؤرخین مینویسند: از شیخ الاسلام ابن تیمیه در این باره سوال شد: «آیا تبریک گفتن در روز عید و آنچه که بر زبان مردم رایج شده که می گویند: «عیدت مبارک» و الفاظ مشابه آن، اصلی در شریعت دارد یا خیر؟ و اگر اصلی در شریعت دارد چه باید گفت؟

جواب دادند:

«تبریک روز عید و اینکه بعضی از مردم بعد از نماز (عید) در وقت دیدار به دیگران می گویند: «تقبل الله منا و منکم» و «أَحَالَهُ اللهُ عَلَیْکَ» و همانند آن الفاظ، این امر از بعضی از صحابه روایت شده که آنها آنرا انجام دادند و ائمه (اربعه) از جمله امام احمد و دیگران بر آن رخصت و جواز داده اند، اما امام احمد گفته: من شروع کننده تبریک به کسی نخواهم بود اما اگر کسی در آغاز به من تبریک گوید به او جواب (متقابل) خواهم گفت. و این بدان خاطر است چون جواب سلام و تحیت واجب است، اما آغاز تبریک گفتن (به مردم) سنت نیست، البته از آن نهی هم نشده است، و هرکس آنرا انجام داد کارش درست است و هرکس انجام نداد کار او نیز ایرادی ندارد، (برای معلومات مزید مراجعه شود به: الفتاوی الکبری) (228/2).

همچنین شیخ ابن عثیمین مورد استفاده از الفاظ معینی در تبریکی عید میفرمایند: «تبریک عید جایز است، اما الفاظ مخصوصی ندارد، بلکه هر آنچه در میان مردم رایج (عرف) است، همان لفظ نیز جایز است بشرطیکه در آن گناهی نباشد».

شیخ ابن عثیمین می افزاید: «تبریک عید توسط بعضی از صحابه صورت گرفته است، و بالفرض که چنین چیزی در بین صحابه وجود نداشته باشد، اکنون این امر (تبریک عید) از جمله امورات عادی بین مردم است که به آن عادت دارند (یعنی جزو عادت و عرف مردم شده است) که بعضی از مردم در وقت فرا رسیدن روز عید و اکمال روزه و قیام شب به دیگران تبریک می گویند».

همچنان شیخ ابن عثیمین در مورد: حکم مصافحه (دست دادن) و معافه (بغل کشی کردن) و تبریک گفتن بعد از نماز عید طی فتاوی فرموده اند که:

«انجام اینها ایرادی ندارد، زیرا مردم آنها را بعنوان عبادت و تقرب الی الله انجام نمی دهند، بلکه تنها به دلیل عادت و عرف انجام می دهند، و آنرا نشانه احترام و اکرام می دانند، و مادامیکه عادت (عرفی) مخالف با شریعت نباشد، اصل بر جواز آن است». (مجموع فتاوی ابن عثیمین) (210-208/16).

خلاصه اینکه: مصافحه و یا تبریک گفتن به مناسبت روز عید قربان و عید فطر با هر لفظی که باشد، بشرطیکه معنای لفظ گناه نباشد، جایز است و می توان بصورت شفاهی یا کتبی یا

رمضان المبارک

غیره صورت گیرد و شرع در مورد کدام ممانعتی نمی بیند. زیرا این اعمال وجهه عبادی ندارند و برگرفته از عرف و عادت مردم است، و در کل تبریک گفتن نه سنت است و نه مکروه، بلکه مباح است.

یادداشت :

کسانی که به نماز عید همراه امام نرسد و همچنین زنانی که در خانه هستند می توانند نماز عید خویش در خانهای خویش را بجا آورند.

برخی از آداب اجتماعی روز عید

همانطوریکه تبریک و تهنیت گفتن حلول عید مبارک برای مسلمانان واجب است، عید برخی از آداب دارد که مسلمانان باید آنرا جداً مراعات فرمایند.

پیامبر صلی الله علیه وسلم در حدیثی در این مورد میفرماید: همانا پروردگار با عظمت به من وحی نمودند که نسبت به یکدیگر فروتن و متواضع باشید تا یکی بر دیگری ظلم و تعدی ننموده و فخر و تکبر نوزد. (صحیح مسلم شماره 2865).

پیامبر صلی الله علیه وسلم در حدیثی دیگری آنعه از مردانی که خود را شبیه زنان و آنعه از زنانی که خود را شبیه مردان می سازند، لعنت نمودند و فرمودند: آنها را از خانه هایتان بیرون کنید. (صحیح بخاری شماره 5547)

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: زنانی که لباسهای نازک می پوشند و نیمه برهنه به نظر می رسند و (موی) سرشان ماند کوهان شتر (برآمده) است خودشان منحرف هستند و دیگران را هم منحرف می سازند، دوزخیانی هستند که من آنها را ندیده ام، وارد بهشت نمی شوند و بوی بهشت به مشامشان نمی رسد. (صحیح مسلم شماره 2128)

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: بخورید، بنوشید، بپوشید، و به یکدیگر صدقه دهید اما اسراف نکنید و تکبر نوزید. (حدیث حسن/ابن ماجه شماره 3605)

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: کسی که می خواهد روزیش وسیع گردد و بقیه عمرش پر خیر و برکت باشد باید صلهی رحم را بجای آورد. و در روایتی قطع کنندهی (ترک کننده) صلهی رحم وارد بهشت نمی شود. (صحیح مسلم شماره 2556-2557)

عیدی یا عیدانه در روز عید

در کشور ما افغانستان در بین مسلمانان و بخصوص بین فامیل ها رواج است که بزرگان برای اولاد ها عیدی و یا عیدانه میدهند. این موضوع سالها به مغزم خطور میکرد و مطرح میشد که آیا حکم اسلامی در عیدی و عیدانه چه خواهد بود؟ عیدی و عیدانه از لحاظ شرعی جواز دارد و یا خیر؟

در سایت وزین اسلامی در بخش فتوا اسلامی، چشمم به فتوای هیئت علمی افتا بر خورد. در این فتوای علمای اسلام بر دادن عیدی یا عیدانه بر اطفال، فتوای را صادر نموده اندو آنها از فهم اسلام جواز دانسته اند:

علمای دار الافتا مینویسند: عیدی دادن یا عیدی گرفتن و یا به اصطلاح شرعی هدیه دادن

رمضان المبارک

وگرفتن در ایام عید فطر یعنی عید رمضان و عید سعید الاضحی جایز بوده از لحاظ شرع اسلامی کدام ممانعتی ندارد .

زیرا دادن عیدی و یا عیدانه جزو عادات و عرفهائی است که بین مردم مرسوم بوده و هیچ تضادی با تعالیم اسلام ندارد بلکه انسان بایستی در روز عید به شادی و سرور بپردازد و صله رحم بجای آورد و نیز هدیه دادن از جمله موارد مطلوب در شرع است.

هیئت علمی افتا در مورد مینویسند: « هیچ ایرادی در آن نیست، چراکه عیدی دادن از جمله عادات و عرف پسندیده ی مردم است، و نیز باعث سرور و شادی مسلمان می شود حال چه شخص بزرگ باشد چه کودک و بلکه امری است که شرع بدان ترغیب داده است . (یعنی هدیه دادن مورد پسند شرع است).

برای معلومات بیشتر مراجعه شود به : «اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء - الشيخ عبد العزيز بن عبد الله بن باز ... الشيخ عبد العزيز آل الشيخ ... الشيخ صالح الفوزان ... الشيخ بكر أبو زيد . « فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء » (247/26) .

اما نه در سایر اعیاد غیر مسلمانان یا اعیاد بدعی که اهل بدعت آنها را برگزار می کنند زیرا عیدی دادن یا گرفتن در اعیاد مشرکان و یا اهل کتاب و یا اعیادی که اهل بدعت ایجاد کرده اند در حقیقت به معنای اعتراف به وجود یا بزرگداشت آن اعیاد است.

علماء در نوع هدیه عیدانه میگویند :

هدیه ای که اهدا می شود نباید باعث آزار و اذیت دیگران شود مثلاً (پتاقی) و یا مواد که موجب آزار و اذیت دیگران شود، که این هدیه به هیچ صورت مورد پسند دین نیست، همچنان دادن پول بر اولادها که توسط آن پیتاقی خریداری نمایند ، در حقیقت ضایع کردن و نابودی مال است که پیامبر صلی الله علیه وسلم درباره آن می فرماید: « إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ ثَلَاثًا وَنَهَى عَنْ ثَلَاثٍ ، حَرَّمَ عُقُوقَ الْوَالِدِ وَوَادَ الْبَنَاتِ وَلَا وَهَاتِ وَنَهَى عَنْ ثَلَاثٍ : قَيْلَ وَقَالَ وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ وَإِضَاعَةَ الْمَالِ » همانا الله تعالی سه چیز را حرام و از سه چیز نهی کرده : نافرمانی پدر و زنده به گور کردن دختر و بی حکمتی را حرام کرده و از قیل و قال (اختلاف) و زیاد سوال کردن و ضایع کردن ، مال نهی کرده است. (مسلم)

محاسبه:

محاسبه ارزیابی ، قضاوت و محاسبه اعمال روزانه ، واینکه ما بیست و چهار ساعت خویش را به چه مصروف ساختیم ، اعمال مثبت و منفی ما چه بوده است ، انسان را در رسیدن به « شناخت از خویش » کمک میکند .

پیغمبر اسلام میفرماید : « حاسب نفسك قبل ان تحاسب فانه اهون لحسابك غدا » (با خود محاسبه کن قبل از اینکه با تو محاسبه صورت گیرد . واین عمل کار بازپرسی و محاسبه ترا اسانتر می سازد.

رمضان المبارک

برای انسان مهم اینست که: «قبضه نفس» خود را در اختیار خود داشته باشد. انسان باید «امیر نفس» باشد نه «اسیر نفس» تا توانمدی مهار ساختن غرایز نفسی را بدست آورد.

اعمال مربوط به نیت است

«انما الا اعمال با لنیات» «همه اعمال بستگی به نیت دارد» در همه عبادت، نیت مهم است: نیت را میتوان به روح و قلب عبادت مشابه ساخت. باید هر عبادت با نیت و قلب الی الله انجام یابد. نیت به قدری مهم است و نقش اساسی در تغییر و تحول دارد که حتی اگر امور غیر عبادی را با نیت صحیح الهی انجام دهیم همان امور هم، بمتابه، عبادت ما بحساب خواهد رفت.

پایان

فہرست :

صفحہ	عنوان	شمارہ
	مقدمہ	1
	روزہ وصحت	2
	فواید طبی روزہ	3
	فضیلت ماہ مبارک رمضان	4
	نزول صحف و کتب آسمانی	5
	حفظ وصیانت ماہ رمضان	6
	خوشحالی های ماہ مبارک	7
	کلمہ رمضان	8
	معنای لغوی روزہ	9
	حکمت و فلسفہ فرضیت روزہ	10
	حکم فرضیت روزہ	11
	دلایل وجوب رمضان	12
	حکم و حکمت فرضیت روزہ	13
	هدف روزہ	14
	روزہ حقیقی	15
	وقت فرضیت ماہ مبارک رمضان و وقت ثبوت آن	16
	دعای دین ماہ	17
	اقسام روزہ	18
	فرض	19
	واجب	20
	سنت	21
	فضیلت روزہ روز عرفہ	22
	گرفتن روزہ در ماہ محرم	23
	روز های ماہ شعبان	24
	روز های دوشنبہ و پنجشنبہ	25
	روزہ های ممنوعہ	26

رمضان المبارک

	روزه وصال	27
	روزه نفلی برای زن شوهر دار	28
	روزه مکر وه	29
	روزه حرام	30
	روز عید رمضان و قربان	31
	روزه « ایام تشریق »	32
	روزه گرفتن جمعه به تنهایی	33
	روزه گرفتن شنبه به تنهایی	34
	روزه بالای کی فرض است	35
	سن بلوغیت	36
	مفهوم شرط قادر بود ن	37
	روزه گرفتن کودکان	38
	نظریات فقها در مورد سن بلوغ	39
	امراض	40
	شیخوخت و یا کبر سن	41
	مجاهد	42
	مسافر	43
	برای مسافر روزه گرفتن بهتر است یا روزه نگرفتن	44
	حکم تصیم سفر در رمضان	45
	حمل	46
	ارضاع	47
	حائض و نفاس در رمضان	48
	ا تابلیت جلوگیری عادت ماهانه	49
	شدت گرسنگی و تشنگی	50
	ترس از هلاکت	51
	بی هوشی	52
	جنون	53
	حالاتی که شکستن روزه در آنها جایز جایز است	54
	شروط روزه	55
	فرايض روزه	56
	سنن و مستحبات روزه	57
	وقت روزه	58
	سحری « پس شب » و افطار	59
	دعای افطار	60
	دعا بعد از افطار	61
	ثواب افطار دادن	62
	حکم آذان برای افطار در رمضان	63

رمضان المبارک

	افطار قبل از نماز مستحب است	64
	وقت افطار مؤذن در رمضان	65
	روزه در کشور های اسکندونی	66
	امور باطل کننده روزه	67
	مکروهات روزه	68
	فدیه چیست	69
	مقدار طعام واجب	70
	قضاء روزه	71
	حکم قضای عمری روزه	72
	کفاره چیست ؟	73
	فدیه فقرا و غرباء	74
	ماه رمضان و نزول قرآن	75
	نزول دفعی و کلی و تدریجی	76
	لیلة القدر	77
	معنای قدر	78
	لیلة القدر در کدام شب رمضان	79
	دعای لیلة القدر	80
	ارمغان های رمضان	81
	اهمیت روزه در تناسب بانماز	82
	حکم فرضیت سی روز روزه	83
	پیام رمضان به روزه داران	84
	انصراف از تصمیم روزه	85
	اهانت و توهین به روزه	86
	استعمال قطره چکان	87
	قطره چکان بینی	88
	قطره چکان گوش	89
	قطره چکان های پاک کننده گوش	90
	قطرچکان چشم	91
	قورت کردن بلغم در روزه	92
	استعمال سرمه	93
	استعمال عطر	94
	استعمال رنگ ناخون	95
	دیابت یا مریض شکر	96
	پیچکاری انزولین در رمضان	97
	سایر امپول ها و پیچکاری	98
	حکم بی حسی در رمضان	99
	حجامت	100
	مرض کم خونی و روزه	101

رمضان المبارک

	مريضی سنگ کرده ورمضان	102
	دندان کشی در رمضان	103
	غسل جنابت ویا غسل تیرد	104
	حکم بوسه کردن در روزه	105
	استمناء	106
	احتلام در روزه	107
	یاد فراموشی	108
	داخل شدن گرد و خاک در دهن	109
	داخل شدن آب در گوش	110
	غذای باقی مانده در لای دندانها	111
	قیء و استفراق	112
	استعمال مسواک	113
	چشیدن طعم اشیا	114
	نرم کردن و جویدن نان	115
	نصوار و سگریت در رمضان	116
	آداب روزه	117
	خوشی های روزه	118
	روزه ی اعضا	119
	زیان روزه دارد	120
	فلسفه بوی دهان روزه دار	121
	چشمان روزه دار	122
	گوش روزه دار	123
	دست روزه دار	124
	قلب روزه دار	125
	نفس روزه دار	126
	نماز تراویح	127
	تعداد رکعات نماز تراویح	128
	استراحت در نماز تراویح:	129
	ختم قرآن عظیم الشان در نماز تراویح	130
	تلاوت قرآن برای امام از روی	131
	مصحف در نماز تراویح:	132
	حضرت عمر و نماز تراویح:	133
	چرا نماز تراویح را با جماعت خواند	134
	نماز تراویح پیامبر اسلام	135
	نماز تراویح بیست رکعت است	136
	تعداد رکعت های نماز تراویح ...	137
	اعتکاف	138
	حکمت مشر و عیت اعتکاف	139

رمضان المبارك

	اقسام اعتكاف :	140
	كار های مستحب در اعتكاف	141
	صدقه فطر روزه	142
	حكمت صدقه فطر	143
	زمان پرداخت زكات يا صدقه فطر	144
	مقدار زكات فطر	145
	مستحقين زكات يا صدقه فطر	146
	عيد فطر :	147
	اعمال مسنون روز عيد سعيد فطر	148
	سایر اداب مسنونه در روز عيد	149
	نماز عيد	150
	نیت نماز عيد	151
	تبریک و تهنیت گفتن در عيد	152
	برخی از آداب اجتماعی روز عيد	153
	عیدی یا عیدانه در روز عيد	154
	محاسبه	155
	اعمال مربوط به نیت است	156

مراجع و منابع مهم

- احياء علوم الدين امام محمد غزالي طوسي
احكام فقهي براي زن مسلمان نوشته : ابراهيم محمد الجمل
تفسير الميزان از : علامه محمد حسين طبا طبائي
تفسير كابلې مؤلف محمود الحسن ديوبندي
احكام روزه : نوشته دكتور « محمد سعيد سعيد افغانى »
فقه آسان : مؤلف مولانا محمد يوسف اصلاحى
تفسير طبرى : مؤلف ابو جعفر محمد بن جرير طبرى متوفى سنه ۳۱۰ هـ
مشكاة شريف صحيح البخارى و مسلم
مفردات قرآن از راغب اصفهانى
كيمای سعادات امام محمد غزالى
روزه ماه مبارك رمضان : تتبع و نگارش : فضل الرحمن فاضل
الفتاوى محمودى ، فتاوى جامع اهل سنت و الجماعت

نام رساله : رمضان المبارک

تتبع ونگارش :

الحاج امين الدين « سعيدى - سعيد افغانى »

مدیر مرکز مطالعات ستراتژیکی افغان

و مسؤل مرکز فرهنگى د حق لاره - جرمنى

ادرس ارتباطي : بريننا ليک : saidafghani@hotmail.com